

اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن

مقدمه

قال النبی صلی الله علیه و آله: من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که خروج - و قیام جهانی - مهدی را انکار نماید، پس محققاً بدانچه - از طرف خدا - بر محمد نازل شده کفر ورزیده هقال رسول الله صلی الله علیه و آله: من کذب بالمهدی فقد کفر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که مهدی را دروغ پندارد و تکذیب کند، پس بدون شک گرایش به کفر جسته

مهدی منتظر و نخستین مطرح کننده آن در اسلام

بسمه تعالیبا مروری بر مصادر حدیثی، تاریخی، عقیدتی، و تفسیری شیعه و سنی بدین حقیقت پی خواهیم برد که نخستین کسی که موضوع مهدی منتظر و قیام جهانی او را مطرح و ایراد کرد و حتی مشخصات خانوادگی و پدران و اجدادش را آنچنان دقیقاً اعلام نمود که زمینه سوء استفاده مهدی های ادعائی و دروغین را از عنوان «مهدی منتظر» خنثی و منتفی نمود، همانا شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. آری حضرتش همانند دیگر شئون سرنوشت ساز اسلامی، بر اساس وحی الهی، مسئله مهدویت را پایه گذاری فرمود و نیز با ایراد یک سلسله علائم و نشانه های ظهور و ویژگیهای محلی و تاریخی قیامش، مسلمانان را هشدار داد که هم به موقع منتظر و آماده ظهور و قیام «حضرت مهدی واقعی» باشند. هم فریب مهدی های دروغین و ساختگی شیطان صفت و ریاست طلب رانخورند، و هم به اباطیل و گفته های خلط مبحث کننده گان حقایق دینی با افکار

مغرضین و مستشرقین یهودی و مسیحی ترتیب اثر ندهند. براین اساس همانطوریکه اشاره شد با مراجعه به مصادر دست اول روایتی، تفسیری، کلامی و تاریخی هریک از مذاهب سنی و شیعه شکی نخواهد بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از طرح و ایراد مسائل خدا شناسی، پیامبر شناسی و اصل مسئله امامت و خلافت بعد از خود، بیش از هر مسئله عقیدتی و عملی و اخلاقی روی موضوع آخرین خلیفه «برحق بعد از خود و یگانه مصلح جهانی» یعنی موضوع مهدی منتظر و دوران ولادت و کودکی و از آن پس دوران های غیبت صغری، غیبت کبری، ظهور و قیام جهانی و چگونگی حکومتش، تکیه نمود. بطوریکه بخش مهم و غیر قابل انکاری از احادیث و فرموده هایش پیرامون شئون حضرت مهدی موعود منتظر خلاصه شده، و اضافه بر محتوای مصادر فراوان و منابع بیشمار حدیثی و تاریخی و عقیدتی که بخشی از هریک مختص به ذکر احادیث «مهدی منتظر» است، تنها تعدادی بیش از یکصد و پنجاه جلد کتاب و رساله با حجم های مختلف و سبک های گوناگون، هریک بیانگر ده ها و صدها روایت از رسول خدا (ص) در باره شئون حیاتی، خانوادگی، شکل و شمایل، و مقام امامتی «امام مهدی منتظر می باشد، که به قلم علما و دانشمندان روحانی و اساتید دانشگاهی اهل تسنن تنظیم و ارائه شده و بسیاری از آنها هم چاپ و منتشر گردیده و از این پس فهرست اسامی آنها به نظر خواهد رسید، و چه بهتر جهت آگاهی اجمالی به کتابهای زیر مراجعه شود [۱]. براین اساس بطور خلاصه از جمله عقاید حقه اسلامی مورد اتفاق سنی و شیعه، هم عقیده به اصل مهدویت در اسلام است و هم عقیده به امامت و خلافت حضرت مهدی موعود منتظر و قیام جهانی او و برقراری عدل و داد سراسری و امنیت همه جانبه و رفاه همگانی به وسیله او. در این رابطه از نیمه دوم قرن سوم هجری، (۵ سال قبل از ولادت حضرت مهدی حجه بن الحسن) تا هم اکنون که دهه دوم قرن پانزدهم را طی می کنیم بیش از دوهزار جلد کتاب و رساله و

مقاله در حد کتاب و رساله به زبان های عربی، فارسی، اردو، ترکی استانبولی، تایلندی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و دیگر زبانهای مناطق مسلمان نشین بقلم علما و دانشمندان شیعه و سنی تالیف یا ترجمه شده و به شرح مندرج در کتابنامه های نامبرده حداقل نیمی از آنها حتی بطور مکرر چاپ و منتشر گردیده، وبالآخره نه هیچ گونه جای خالی برای مطرح گردیدن مدعیان دروغین مهدویت و بابت برجای گذارده، و نه سرنخی برای تشکیک افراد مشکک و شیطان صفت (در اصل مهدویت در اسلام یا در احادیث مورد اتفاق بین شیعه و سنی پیرامون مهدی موعود حجه بن الحسن العسکری ع) و نه زمینه ای برای خلط مبحث (مستشرقین غربی، یا شرقی های غرب زده) مسائل دینی و حقایق اسلامی را با تخیلات و یاوه گوئی. اما متأسفانه می بینیم بعضی افراد نه غربی و مستشرق یهودی یا مسیحی و نه یک مسلمان عادی بی اطلاع از مبادی دینی و نا آشنای با مصادر اصیل اسلامی شیعی و سنی، که یک مسلمان برخوردار از عناوین پرفسوری و استادی از موضع پست ریاست دانشکده الهیات و عقیده شناسی منطقه مسلمان نشین استانبول - با اشراف محلی بر هزاران کتاب خطی و چاپی ویژه مسائل عقیدتی و حدیثی و تاریخی شیعه و سنی از طریق کتابخانه های فراوان و پر محتوای ترکیه - از روی بی تفاوتی نسبت به حقایق دینی و واقعیات اسلامی و بطور خلاصه (بر مبنای رهروی راه مستشرقین یهودی و مسیحی نه تنها بیگانه از اسلام که سرسخت ترین دشمنان اسلام) احادیث پیرامون حضرت مهدی را با انواع ویژه گی اسلامی و برخورداری از عالیتترین درجه اعتبار، در درجه هرچه ضعیف تر کمی و کیفی تلقی نموده و از این رهگذر عقیده به موضوع مهدی موعود اسلام را به باد مسخره و انکار گرفته و آن را ناشی از الهام گیری از یهود و نصاری و انمود می کند. یا ناشی از فشارها و محدودیت های سیاسی شیعی در قرون اولیه اسلام از قبیل واقعه کربلا و شهادت امام حسین که آن را - یعنی امر مهدی منتظر را - در رابطه با آن رخدادها اختراع

و مطرح کردند. آری قرن‌ها قبل از به نمایش در آمدن تعدادی از مستشرقین یهودی و مسیحی شیطان صفت امثال: - دونالد سن داویت، مؤلف «عقیده الشیعه»، بزبان انگلیسی، (که ترجمه عربی آن هم در مصر و هم در عراق منتشر گردید) و جهت آگاهی بر دروغ بافی های او چه بهتر مراجعه شود به الغدیر علامه امینی ج ۳ ص ۳۲۰ - ۳۲۳، - ولهوسن، مؤلف «الخوارج و الشیعه»، - فان فلوتن، (۱۸۶۶ - ۱۹۰۳ م) مستشرق هلندی و مؤلف «السیاده العربیه و الشیعه و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیه»، - گولدزیهر یهودی، (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱ م) مستشرق فرانسوی مؤلف «العقیده و الشریعه فی الاسلام»، - کارل بروکلمان، (۱۸۶۸ - ۱۹۵۶ م) مستشرق آلمانی و مؤلف «تاریخ الشعوب الاسلامیه»، - لوئیس ماسینیون، (۱۸۸۳ - ۱۹۶۲ م) مستشرق فرانسوی و مؤلف آثاری از قبیل کتب فوق، که با بیگانگی همه جانبه از اسلام هریک موضوع مصلح جهانی اسلام - یعنی مهدی منتظر عجب و احادیث پیرامون شئون حیاتی و امامتی حضرتش را همانند دیگر حقایق اسلامی) مورد تخطئه و تکذیب و خلط مبحث قرار داده و به باد مسخره گرفتند و نیز قبل از سر از آب در آوردن یک عده مسلمان نمای غرب زده و بی اعتنای به مبانی دینی و سنت پیامبر (ص) و بدور از عالم حدیث شناسی - امثال: - شیخ محمد عبده مصری، (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳) مؤلف «شرح نهج البلاغه»! - رشید رضا مصری (۱۲۹۵ - ۱۳۵۴) مؤلف «مجله المنار» و «السنة و الشیعه». - فرید و جدی مصری، (۱۲۹۲ - ۱۳۷۳) مؤلف «دائرة المعارف القرن العشرين». - احمد امین مصری، (۱۲۹۵ - ۱۳۷۳) نویسنده المهدی و المهدویة» و «ضحی الاسلام» و «فجر الاسلام». - سعد محمد حسن مصری، شاگرد احمد امین، نگارنده «المهدیه فی الاسلام منذ اقدم العصور حتی الیوم». - ابوزهره مصری، از زمره علمای جامع ازهر مصر، مؤلف «الامام زید» و «الامام الصادق». - دکتر احمد محمد علی، مؤلف «دراسة عن الفرق فی تاریخ المسلمین». - علی حسین السائح لیبیائی، مؤلف مقاله تراثنا و موازین النقد» مندرج در مجله

کلیه الدعوة الاسلامیه لیبی شماره ۱۰، سنه ۱۹۹۳ صفحه ۱۸۵ و ۲۰۵. محمد عبدالکریم عنوم، مؤلف رساله دکترای فلسفه به نام «النظریه السیاسیة المعاصره للشیعه الامامیة الاثنی عشریة». دکتر سلمان بدور، صاحب «مقدمه» بر رساله عنوم. شیخ عبدالله بن زید آل محمود، رئیس شئون دینی و محاکم شرعی قطر، مؤلف «لامهدی ينتظر بعد الرسول سید البشر». و شیخ جبهان در «تبدید الظلام» و جز اینها شیخ... و ابو... ابن خلدون مغربی (در گذشته ۸۰۸)، احادیث پیرامون مهدی منتظر را در تاریخش (ص ۵۵۵)، فاقد اعتبار کمی و کیفی وانمود کرد و گفته های بی محتوای او برای اکثر مخالفین غربی و شرقی با امر مهدویت و قیام جهانی مهدی منتظر، سر نخ خلط مبحث و دروغبافی و انکار حقایق اسلامی گردید، در صورتیکه ابن خلدون یک مورخ نا آشنای با عالم حدیث و حدیث شناسی بوده و هیچ گونه صلاحیت اظهار نظر در این موضوع را نداشته که پیشگوئیهای پیامبر اکرم (ص) را پیرامون مشخصات و ویژه گیهای حضرت مهدی منتظر و قیام جهانی او در ۱۹ روایت وانمود و تخطئه کند. همچنانکه حدود سه قرن و نیم پیش از پیدایش ابن خلدون، ابن حزم اندلسی ظاهری (در گذشته ۴۵۶هـ) به مخالفت و انکار مسئله مهدویت و فاقد اعتبار بودن احادیث آن حضرت برخواست، آن چنانکه عده ای از مخالفین با امر مهدویت و ولادت حضرت مهدی نیز از نوشته های او دم از بیراهه روی و تخطئه موضوع مهدویت زدند. و ابن حزم را کتابی است به نام «الفصل فی الملل و الالهواء و النحل» که بخشی از آن را اختصاص به بحث درباره حضرت مهدی منتظر داده است. جالب توجه اینکه رد نویسان بر این کتاب ها و مقالات و شبهه افکنی ها، و باز کننده گان مشت خیانت مؤلفین آنها نه تنها شیعه بودند که حتی قبل از شیعه علمای سنی هم به انگیزه اثبات مهدی منتظر و اثبات صحت و برخورداری احادیث مربوط بدان حضرت از اعتبار هر چه بیشتر عالم حدیث شناسی بیکار نشستند، بلکه بهترین و محققانه ترین ردیه ها را بر آنها نوشته و

انتشار دادند و از این رهگذر مشت خرابکاری و بیراهه روی مؤلفین نامبرده را باز و بساط دروغبافی و انکار حقایق پیرامون مهدی منتظر عج را برچیدند، که این جانب با کمبود منابع تحقیقی مربوطه و مشاغل وقت گیر تنها به تعدادی از آنها برخورد نمودم و لازم دانستم آنها را به شرح زیر به نظر خوانندگان حق جو برسانم و آنها بدین قرار است:

ردیه های علما و دانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر یا تکذیب کنندگان احادیث پیرامون آن حضرت

۱- ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ابوالفیض سید احمد بن محمد بن صدیق غماری، شافعی، ازهری، مغربی، (در گذشته ۱۳۸۰) چاپ مطبعه ترقی دمشق ۲، ۱۳۴۷- ابراز الوهم من کلام ابن حزم، احمد بن صدیق غماری مؤلف قبل، چاپ ۱۳۴۷ مطبعه ترقی دمشق، ۳- الاحتجاج بالاثار علی من انکر المهدی المنتظر، شیخ حمود بن عبدالله تویجری، از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه، در رد بر شیخ ابن محمود قاضی قطر در دو جلد، چاپ جلد اول ۱۳۹۴ و جلد دوم ۱۳۹۶ در ریاض، ۴- الی مشیخه الازهر، شیخ عبدالله سبیتی عراقی در رد بر «المهدویة فی الاسلام» سعد محمد حسن، چ ۱۳۷۵ هـ دارالحدیث بغداد، ۵- تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر، شیخ محمد عبدالعزیز بن مانع (۱۳۸۵) پیرامون اثبات احادیث حضرت مهدی، و در رد گفته های ابن خلدون، ۶- الجزم، لفصل ابن حزم، در رد ابن حزم است که بخشی از کتاب «الفصل فی الملل و الاهاو و النحل» او در تخطئه و تکذیب احادیث مهدی منتظر میباشد، و شیخ کاظم حلی (متولد حوالی ۱۳۰۰) آن را در دو جلد ضخیم تنظیم و چاپ نمود. [الذریعه ۱۰۴/۵]، ۷- الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحه الواردة فی المهدی، عبدالمحسن العباد، استاد دانشگاه اسلامی مدینه و عضو هیئت تدریسی آن، چاپ مجله دانشگاه شماره ۴۵ ص ۲۹۷ - ۳۲۸ و شماره ۴۶ ص ۳۶۱ - ۳۸۳، این مقاله

یا رساله که بیانگر محققانه ترین بحث حدیثی و تاریخی پیرامون مهدویت و قیام مهدی منتظر است در رد بر کتاب «لامهدی ينتظر بعد الرسول» شیخ ابن محمود قطری است و در اصالت مهدویت و قیام مصلح جهانی خلاصه شده، هر چند در امر ولادت حضرت و موضوع حسینی بودن آن بزرگوار مخالف با شیعه و بر خلاف نظر اعترافی بیش از یکصد نفر از علمای سنی می باشد که اعتراف به هر دو موضوع نموده اند، و این جانب را در این زمینه با او خاطره ای است که در کتاب «شناخت امام» آورده ام و در اینجا مجال ذکرش نیست،^۸ مع الدكتور احمد امین فی حدیث المهدی و المهدویه، محمد امین زین الدین چاپ مطبعه دارالنشر نجف اشرف ۱۳۷۱ هـ ۱۹۵۱ م،^۹ المهدی واحمد امین، محمد علی زهیری نجفی، چاپ اول ۱۳۷۰ هـ ۱۹۵۰ م نجف اشرف، این کتاب هم در رد کتاب نامبرده احمد امین مصری است،^{۱۰} نقد الحدیث بین الاجتهاد و التقليد سید محمد رضا حسینی در رد بر علی حسین سائح لیبی، چاپ دوم قم، ۱۴۱۷ هـ ۱۱- الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون، ابوالعباس بن عبدالؤمن، مغربی،^{۱۲} هدی الغافلین الی الدین المبین، سید مهدی صالح کشوان قزوینی، این کتاب در پاسخ به شبهات ابن حزم پیرامون مهدویت حضرت مهدی خلاصه شده و بسال ۱۳۳۵ از تالیف آن فراغت جسته، [کتابنامه حضرت مهدی (ع) آقای مهدی پور ۷۷۸/۲] اکنون می گوئیم: فرموده های پیامبر اکرم (ص) در رابطه با موضوع نخستین مطرح کننده بودن امر مهدویت در اسلام و عنایت و اهمیتی را که پیرامون مسئله امامت ارائه داد در دو بخش خلاصه می گردد: بخش اول: ایراد حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» و فرازهای مشابه بود که با مطرح کردن آن مرگ هر مسلمان بدون شناخت «امام زمان» زمانش را تهدید و محکوم به مرگ جاهلی فرمود، و بطور کلی و قاطعانه امر امام شناسی را سرنوشت سازترین مسائل اسلامی اعلام کرد. بخش دوم آن: معرفی امامان بعد از خود بود که از جمله مهدی منتظر محمد بن الحسن العسکری

را (با تمام مشخصات نسبی و خانوادگی و شکل و شمایل و دیگر ویژه گی های محلی و تاریخی و رخداد های مربوطه به دوران امامتش) به عنوان آخرین خلیفه و امام برحق و یگانه مصلح جهانی بودن معرفی و اعلام فرمود. بر این اساس با توجه به مقاله پرفسور... که در انکار احادیث پیرامون مهدی منتظر و سرخ گرفتن عقیده به او از یهود و نصاری خلاصه شده، فهرستوار می پردازیم به ذکر مسائل مربوط به اصالت اسلامی امر مهدی منتظر از دیدگاه اهل تسنن که پرفسور هم خود سنی و ناگزیر از پذیرفتن مصادر مربوطه و تن دادن به اعترافات کتبی صدها نفر از علمای سنی و اساتید و دانشمندان این فرقه می باشد.

برخوردار بودن احادیث پیرامون مهدی منتظر از عالی ترین درجه اصالت اسلامی

با مروری کوتاه بر مندرجات تعدادی از کتب اختصاصی امام مهدی منتظر یا کتبی که بخشی از هر یک از آنها بذکر احادیث آن جناب اختصاص یافته، بدین واقعیت پی میبریم که حداقل حدود شصت نفر از صحابه پیامبر اکرم ص احادیث و روایات مربوط به حضرت مهدی منتظر را بلاواسطه از قول آن بزرگوار نقل و اشاعه داده اند، که ما در این مقاله تنها به ذکر اسامی صحابه مطرح شده در منابع مربوطه اهل تسنن که تعداد آنها متجاوز از چهل نفر است اکتفا نموده، و می گوئیم نقل همین عده از صحابه احادیث «مهدی منتظر» را، محکم ترین دلیل است بر صحت و تواتر و قطعی الصدور بودن آنها از ناحیه رسول خدا(ص)، و اینکه مسئله مهدویت در اسلام و موضوع مهدی منتظر از عمیق ترین مایه اصالت و ریشه اسلامی و از عالی ترین درجه اعتبار حدیثی و حدیث شناسی برخوردار بوده، آنچنانکه دیگر زمینه ای برای تشکیک پیرامون اصل مهدویت و انکار مهدی منتظر و تخطئه احادیث مربوطه فراهم نبوده و نخواهد بود. اضافه برین بیش از سی نفر از محدثین و حدیث شناسان درجه بالای سنی اعتراف به تواتر احادیث مهدی منتظر

نموده که شرحش بنظر میرسد، همچنانکه حداقل بیست و پنج نفر از علمای حدیث شناس سنی اعتراف به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر کرده اند و با روی سخن به علما و دانشمندان سنی می گوئیم: اگر این همه کتاب و مصادر و منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی، و کلامی که بیانگر حقایق مربوطه است صحیح و برخوردار از اعتبار اسلامی است که دیگر جای شبهه ای باقی نمی ماند و زمینه ای برای ایراد اباطیل مطرح شده وسیله پرفسور... نیست و اگر فاقد اعتبار است و مندرجات آنها دروغ و ساختگی میباشد پس باید با خط سرخ کشیدن روی این کتابها، آنها را از صحنه آثار اسلامی و سنت نبوی خارج و از این پس دیگر مطرح و مورد استناد واقع نشود. اکنون نخست می پردازیم بذکر فهرست اسامی صحابه ناقل احادیث مهدی موعود منتظر و از آن پس به فهرست اسامی معترفین به تواتر آن احادیث و صحت و قابل استناد بودن آنها: تذکر: نظر به اینکه از قرار اطلاع آقای پرفسور روحی قیفلانی نویسنده کتاب «مذاهب اعتقادی اسلامی در عصر ما» - که متضمن مقاله موضوع بحث تحت عنوان «مهدی!» است [۲] - سنی حنفی می باشد و معمولاً با شیعه غیر مربوط بلکه طبعاً از تشیع دور و از پیروی امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رویگردان و آن را باطل می داند ما هم در نگارش و تنظیم این مقاله کاری به کار شیعه و استفاده از منابع مربوط به آن نداشته، بلکه سراسر مقاله و صد در صد نقلیات حدیثی و تاریخی و اعترافی آن مبنی بر استفاده از منابع مربوطه و معتبر اهل تسنن است، با ارائه آدرس دقیق، تا اگر جناب پرفسور روحی واقعا یک مسلمان سنی است ناگزیر در حداقل هم که باشد به مندرجات مسلم و بدور از دروغ و دروغبافی منابع اهل تسنن و نیز به احادیث متواتر و قطعی الصدور نبوی و مطرح شده در آن کتابها تن در دهد و سر تسلیم فرود آورد و از نوشته های خود (مبنی بر سرنخ گرفتن عقیده به مهدی منتظر در اسلام از عقاید یهود و نصاری و نیز انکار احادیث مربوط به مهدی منتظر عج) که غربال شده اباطیل مستشرقین

یهودی و مسیحی است عذرخواهی کند، و در راستای مذهب شناسی آن هم در غالب کتاب کلاسیک دانشگاهی آبروی خود را حفظ و آسیب وارده بر آن را ترمیم نماید، و یا جرأت بخرج دهد و صاف و صریح بگوید: هر چند من مسلمان سنی هستم ولی مصادر و منابع مربوط بدانها را قبول ندارم و باید آنها را در زباله دان تاریخ ریخت تا دیگر مسلمانان تکلیف خود را بهتر بدانند. و گرنه ما با مسلمان نه سنی نه شیعه بلکه بلندگوی مستشرقین و اشاعه دهنده مزخرفات آنها و جیره خوار بیگانگان دشمن اسلام کاری نداشته و نداریم، اما خواه و ناخواه برای آگاهی خوانندگان کتابهای چنین افرادی و پی بردن به غرض ورزی و خیانت های دینی یا اشتباه کاری های این گونه نویسندگان، این مقاله را تنظیم و به خوانندگان حقیقت جو تقدیم، تا سیه روی شود هر که دروغش باشد، و ما هم حداقل دین شرعی و انسانی خود را ادا نموده باشیم. آقای پرفسور روحی نویسنده مقاله «مهدی» اولین سرنخی که ارائه داده و خواسته است بر اساس آن و با درجا زدن عقیده به مهدی منتظر را باطل و بی اساس وانمود کند، معتقد بودن یهود و نصاری و دیگر فرق غیر اسلامی باشد به مصلح جهانی و انتقام کشنده از ستمگران و خلاصه هر دسته از فرق غیر اسلامی در حال انتظار آمدن او و قیام جهانی اش بسر می برند و بر این اساس وانمود می کند که عقیده به مهدی منتظر و انتظار ظهورش فاقد اصالت اسلامی می باشد و سرنخ گرفته از عقاید یهود و نصاری و بودائی ها و هندی ها است. در حالیکه با بررسی کوتاهی پیرامون مایه های عقیدتی عموم ادیان و فرق غیر اسلامی از دیدگاه قران و دیگر منابع اسلامی و غیر اسلامی بدین نتیجه می رسیم که مشترکات عقیدتی مسلمانان با دیگر فرق دینی و مذهبی جهان فراوان و در حد غیر قابل انکار است، ولی بهیچ عنوانی اشتراک عقیدتی دلیل بر بطلان عقاید اسلامی و بیراهه روی مسلمانان نخواهد بود. از باب مثال مسلمانان در اصل عقیده به خدا و وجود آفریدگار جهان با یهود و نصاری و حتی با بت پرستان مشترکند، اما

در چگونگی و کم و کیف صفات سلبیه و ایجابیه الهی با هم اختلاف دارند. یهود و نصاری برای خدا قائل به فرزندند، ولی مسلمانان به چنین چیزی معتقد نبوده و نیستند. قران مجید درباره یهود و نصاری فرماید: (قالت اليهود عزیر ابن الله و قالت النصاری المسیح ابن الله) (توبه، آیه ۳۰) یهود گویند عزیر پسر خداست و نصاری گویند مسیح پسر خداست. نیز قران فرماید: (قالت اليهود و النصاری نحن ابناء الله و...) (مائده، آیه ۱۸) یهود و نصاری گفته اند ما پسران خداوند هستیم... نیز قران مجید فرماید: (و قالت اليهود یدالله مغلوله غلت ایدیهم ولعنوا بما قالوا) (مائده، آیه ۶۴) یهود گویند: دست خدا مغلول و به زنجیر بسته است. دستهایشان بسته باد و بخاطر این سخن ملعون و از رحمت الهی دور باشند. و این در حالی است که مسلمانان عقیده به چنین چیزی - که نشانگر ضعف خدا و محدودیت قدرت و اختیار اوست - ندارند. پس بطور خلاصه اگر اشتراک مسلمانان - مخصوصا شیعه - با یهود و نصاری در عقیده به مصلح جهانی به نام مهدی منتظر یا دیگر عناوین دلیل بی اصالت اسلامی بودن عقیده به مهدویت است، نیز اشتراک مسلمانان با یهود و نصاری در عقیده به خدا و مبدء آفرینش مستلزم بطلان خدا پرستی و عدم اصالت و ریشه داری عقاید توحیدی است، نستعین بالله. آری اگر اشتراک در بعضی عقائد حقه دینی با فرقه های باطل و بیراهه رو موجب بطلان و بهانه تخطئه از آن عقاید حقه باشد، پس در صورتیکه افرادی شاید، فریبکار و ریاست طلب از عنوان نبوت و شئون پیغمبری سوء استفاده نموده و دعوای نبوت کردند و حتی هزاران نفر مردم فریب خور را فریب داده و بیراهه بردند، باید منکر مقام نبوت و موضوع فرستاده خدا شد و تمام دلائل عقلی و نقلی مقام نبوت و معجزات او را به باد مسخره و انکار گرفت. به دلیل آنکه موضوع نبوت در بین پیروان پیامبران دروغین مطرح است و برخوردار از اصالت نیست، و به قول شاعر این رشته سر دراز دارد که باید با این طرح هرگونه سوء استفاده خائنانه یا جاهلانه - از عناوین و شئون دینی و مقام نبوت،

خلافت، امامت، آیات قرآنی، احادیث نبوی و احکام مسلمة اسلام – تلقی به دلیل شود بر بطلان اصل نبوت و خلافت و امامت و بر بطلان اصل آیات و احادیث و احکام مورد سوء استفاده های مختلف و باز نستعید بالله. در پایان شیخ محمد خضر حسین این مطلب را بدین گونه مطرح و پاسخ گفته: که اگر مردم از فهم حدیث نبوی سوء استفاده کردند یا نتوانستند آنطوریکه باید و شاید حدیث را منطبق با هدف اصلی از ایراد آن نمایند، و در نتیجه مفاسدی را به بار آورد، شایسته و سزاوار نیست که این سوء استفاده یا ناتوانی بر انطباق با هدف، داعی به شک در صحت حدیث شود و بهانه برای انکار و تکذیب آن [۳] نیز ناصرالدین آلبنی همین موضوع را با دیگر عبارت ردّ و ایراد نموده که بخاطر اختصار نیازی به ذکر متن آن نباشد [۴]. در پایان این مقال می گوئیم: و اسفا به حال یک مسلمان استاد متخصص «تاریخ مذاهب اسلامی» که با عقائد اسلامی این چنین برخورد عامیانه یا مغرضانه و جسورانه نماید و دین و قلم خود را به باد مسخره گیرد و دست کم تعدادی از شاگردان خود را گمراه نماید که باید در روز حساب پاسخگوی آن باشد.

حدیث من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة

یا مهمترین انگیزه و عامل عقیده به مقام امامت‌گانه مصلح جهانی امام مهدی منتظر(علیه السلام) یکی از علل و اسباب توجه و اهتمام مسلمانان به اصل مسئله امام شناسی بطور عموم و به شناخت ائمه بر حق و واجد شرایط همه جانبه – علمی و عملی و اخلاق و تقوایی – از جمله امام مهدی منتظر، محمد بن الحسن العسکری بخصوص، حدیث شریف: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» [۵]. و احادیث مشابه و هم مضمون است که بموجب آن سهل انگاری و بی تفاوتی یا سماجت و عصیّت نسبت بشناخت امام زمان واجد شرایط هر زمانی تهدید به مرگ جاهلی و منتهی شدن به حشر و نشر با بت پرستان و مشرکین

خواهد شد. و اکنون می پردازیم به ذکر متن های مختلف این حدیث و از آن پس به ذکر اسناد آن از دیدگاه اهل تسنن. بخش اول: ۱- من لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة. ۲- من مات بغير امام مات میتة جاهلیة. ۳- من مات لیلہ و لیس فی عنقه بیعة امام مات میتة جاهلیة. ۴- من مات ولا امام له مات میتة جاهلیة. ۵- من مات ولا بیعة علیه مات میتة جاهلیة. ۶- من مات ولا طاعة علیه مات میتة جاهلیة. ۷- من مات و لم يعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیاً و ان شاء نصرانیاً. ۸- من مات ولم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة. ۹- من مات و لیس علیه امام جامع فقد مات میتة جاهلیة. ۱۰- من مات و لیس علیه امام، فمیتته میتة جاهلیة. ۱۱- من مات و لیس علیه امام مات میتة جاهلیة. ۱۲- من مات و لیس (لیست) علیه طاعة مات میتة جاهلیة. ۱۳- من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة. ۱۴- من مات و لیس لامام جماعه علیه طاعة مات میتة جاهلیة. ۱۵- من مات و لیس له امام فمیتته میتة جاهلیة. بخش دوم: ۱- لیس احد یفارق الجماعة شبراً فیموت، الا مات میتة جاهلیة. ۲- من خالف المسلمین قید شبر ثم مات، مات میتة جاهلیة. ۳- من خرج عن الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات میتة جاهلیة. ۴- من خرج من الجماعة قید شبر، فقد خلع ربقة الاسلام من رأسه. ۵- من خرج من السلطان شبراً، مات میتة جاهلیة. ۶- من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات، فمیتته جاهلیة. ۷- من خرج من الطاعة و فارق الجماعة... فلیس منی و لست منه. ۸- من خلعتها بعد عهدها، لقی الله و لاحجته له. ۹- من خلع یداً من طاعة، لقی الله یوم القيامة لاحجته له. ۱۰- من خلع یداً من طاعة مات میتة جاهلیة. ۱۱- من فارق الجماعة او خلع یداً من طاعة، مات میتة جاهلیة. ۱۲- من فارق الجماعة شبراً فمات، فمیتته جاهلیة. ۱۳- من قتل تحت رأیه عمیه تدعوا عصبیه او ینصر عصبیه فقتله (قتله) جاهلیة. ۱۴- من مات تحت رأیه عصبیه، فقتلته قتله جاهلیة. ۱۵- من مات علی غیر طاعة مات لا حجة له. ۱۶- من مات و هو مفارق للجماعة، مات میتة جاهلیة. ۱۷- من نزع یداً من طاعة الله و فارق الجماعة ثم

مات، مات میتة جاهلیة. ۱۸ - من نزع یداً من طاعة، جاء يوم القيامة لاجهة له. اما متون تفصیلی مقرون به ذکر مصادر نقل و راوی و ناقل هر یک از مجموع احادیث، پس از آنرو که روی سخن ما در بحث و بررسی این حدیث بیشتر و قبل از همه با اهل تسنن است، تنها به ذکر ناقلان از این فرقه و مصادر اختصاصی آنها بسنده میکنیم. در پایان اینمقال کافی است بدانیم تنها علامه مجلسی از بزرگان علما و مراجع حدیثی و حدیث شناسی شیعه، این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه آورده است [۶]. واینک میپردازیم به ذکر قسمتی از اسناد حدیث و راویان و ناقلان از اهل تسنن. ۱ - «مسند» ابوداود سلیمان بن داود طیالسی در گذشته (۲۰۴) از عبد الله بن عمر بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة، و من نزع یداً من طاعة جاء يوم القيامة لاجهة له» نیز رجوع شود به کنز العمال. ۲ - «مصنف» یا «جامع کبیر در حدیث» حافظ عبد الرزاق بن همام صغانی یمنی در گذشته (۲۱۱) چاپ مجلس علمی پاکستان، ج ۱۱ ص ۳۳۰ شماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: «من فارق الجماعة شرافمات مات میتة جاهلیة». ۳ - «سنن» سعید بن منصور خراسانی در گذشته (۲۲۷) از عامر بن ربیع صحابی بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» [۷] به نقل کنز العمال. ۴ - «مسند» حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری در گذشته (۲۳۰) ۲/ ۸۵۰ شماره ۲۳۷۵ چاپ کویت، از عبد الله بن عامر از پدرش عامر بن ربیع، بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة، و من خلعتها بعد عقدها اياها لقی الله و لا حجة له». ۵ - «طبقات الکبری» محمد بن سعد کاتب واقدی در گذشته (۲۳۰) ج ۵ ص ۱۰۷ چاپ لیدن و ص ۱۴۴ چاپ بیروت، ذیل شرح حال عبد الله بن مطیع بلفظ: «من مات و لابیعة علیه مات میتة جاهلیة» به روایت از عبد الله بن عمر. نیز مراجعه شود به کنز العمال ۱ / ۱۰۳ شماره ۴۶۳، ۶ - «مصنف» حافظ ابن ابی شیبہ، ابوبکر عبد الله بن محمد، در گذشته (۲۳۴) ج ۱۵ ص ۲۴ شماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: «من فارق الجماعة شرافمات مات میتة جاهلیة». و ص ۳۸ شماره ۱۹۰۴۷ از

عبد الله بن عامر از پدرش بلفظ: «من مات ولا طاعة عليه مات ميتة جاهلية، ومن خلعتها بعد عقده اياها فلاحجة له» و نیز بلفظ: «من مات و ليست عليه طاعة، مات ميتة جاهلية» و ص ۵۲ شماره ۱۹۰۹۰ بلفظ: «من ترك الطاعة و فارق الجماعة فمات، فميتته جاهلية، ومن خرج تحت راية عمية يغضب لعصية او ينصر عصبه او يدعوا الى عصبه، فقتل فقتلته جاهلية». نیز مراجعه شود به كنز العمال (۶/۶۵ شماره ۱۴۸۶۱). ۷- «المعيار والموازنه» علامه متكلم ابو جعفر اسكافي در گذشته (۲۴۰) ص ۲۴ بلفظ: «من مات و لا امام له مات ميتة جاهلية» از عبدالله بن عامر ۸- «نقض العثمانية» نیز از اسكافي ص ۱۱- ۱۲ و به نقل ابن ابی الحديد ۱۳ / ۲۴۲ بلفظ فوق ۹- «مسند» احمد بن حنبل در گذشته (۲۴۱) ج ۲ ص ۸۳ و ۱۵۴ بلفظ: «من مات و هو مفارق للجماعة مات ميتة جاهلية» و ص ۱۱۱ بلفظ: «من مات و قد نزع يده من بيعه كانت ميتته ميتة ضلال» از ابن عمر، و ص ۲۹۶ بلفظ: «من خرج من طاعة و فارق الجماعة مات ميتة جاهلية» از ابوهريره. و ج ۳ ص ۴۴۶ بخش مسند عامر بن ربيعة بلفظ: «من مات و ليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية» به روايت از نامبردهو ج ۴ ص ۹۶ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» از معاوية بن ابی سفيان. ۱۰- «الاموال» حميد بن زنجويه در گذشته (۲۵۱) ج ۱ ص ۸۱ بشماره ۴۰ چاپ رياض از ابوهريره بلفظ: «من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات، فميتته جاهلية» و ص ۸۲ بشماره ۴۲ بلفظ: «من مات و ليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية، و ان خلعتها بعد عقدها في عنقه لقي الله و ليست له حجة» از عبدالله بن عامر بن ربيعة از پدرش و شماره ۴۳ از ابن عمر (در حالیکه روی سخنش به ابن مطيع - والی مدینه از طرف عبد الله بن زبير بهنگام قتل عام مردم آن بدست بسر بن ارتاط از جانب يزيد - بود گفت: آمده ام آنچه از رسول خدا شنیده ام به تو خبر دهم که فرمود): «من مات على غير طاعة مات لاحجة له و من مات قد نزع يدا من بيعه كان على الضلال» و ناگفته پيدا است که عبد الله بن عمر با انجام این ملاقات ميخواست از این حديث به نفع يزيد (که

مردم مدینه و از جمله بعضی از صحابه رسول الله (ص) او را از خلافت خلع کرده بودند) سوء استفاده کند، فحشره الله مع یزید بن معاویه و جده و ابیه. ۱۱ - «سنن» امام عبد الله بن عبد الرحمن تمیمی سمرقندی دارمی در گذشته (۲۵۵) ج ۲ ص ۲۴۱ بلفظ: «لیس من احد یفارق الجماعة شبرا فیموت، الامات میتة جاهلیة» از ابن عباس. ۱۲ - «صحیح» محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته (۲۵۶) ج ۲ ص ۱۳ و در چاپ دیگر مصر ج ۹ ص ۵۹ باب فتن از ابن عباس بلفظ: «من خرج من السلطان شبرا مات میتة جاهلیة» و بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فمات (الامات خ) میتة جاهلیة». ۱۳ - نیز «تاریخ الکبری» بخاری ۶ / ۴۴۵ شماره ۲۹۴۳ از عامر بن ربیع از پدرش بلفظ: «من مات ولیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» و در ج ۴ ص ۵۴ شماره ۱۹۳۸ بلفظ: «من فارق الجماعة قید شبر فقد فارق الاسلام». ۱۴ - «صحیح» مسلم در گذشته (۲۶۱) ج ۶ ص ۲۱ - ۲۲ شماره ۱۴۸۹ بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» از عبد الله بن عمر و بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات، مات میتة جاهلیة» و نیز «من فارق الجماعة شبرا فمات فمیتة جاهلیة». و در ج ۸ ص ۱۰۷ بلفظ: «من لم یعرف امام زمانه فمات میتة جاهلیة» (ملحقات الاحقاق ۱۳ / ۸۵) - «العلل الواردة فی الاحادیث» ابوالحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بغدادی دارقطنی شافعی (۳۰۶ / ۳۰۵) ج ۷ ص ۶۳ بلفظ: «من مات لغير امام مات میتة جاهلیة» به سه سند از معاویه و دو سند از ابوهریره. ۱۶ - «زوائد» احمد بن عمر بزار در گذشته (۳۲۰) ج ۱ ص ۱۴۴ و ج ۲ ص ۱۴۳ بلفظ: «من مات و لیس علیه امام فمیتة میتة جاهلیة، و من مات تحت رایة عصبیة، فقتلته قتلة جاهلیة». ۱۷ - «الکنی والاسماء» حافظ دولابی در گذشته (۳۲۰) ج ۲ ص ۳ چاپ دائرة المعارف حیدرآباد دکن بلفظ: «من مات و لیس علیه امام جامع فقد مات میتة جاهلیة، و من خرج من الجماعة فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه» از ابن عمر. ۱۸ - «عقد الفرید» ابو عمر، احمد بن محمد بن عبدربه اندلسی در گذشته (۳۲۷) ج ۱ ص ۹ سطر ۱۲ بلفظ: «من

فارق الجماعة او خلع يدا من طاعة، مات ميتة جاهلية». ۱۹ - «صحيح ابن حبان»، ابو حاتم محمد بن حبان تمیمی، بستی شافعی در گذشته (۳۵۴) به شرح «احسان بترتيب صحيح ابن حبان» شماره ۴۴ بلفظ: «من مات وليس له امام مات ميتة جاهلية». ۲۰ - «كتاب المجروحين» نیز از ابو حاتم ج ۱ ص ۲۸۰ بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين قيد شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه، و من مات و ليس عليه امام فميتته ميتة جاهلية، و من مات تحت راية عمية يدعوا الى عصبية او ينصر فقتله جاهلية» به روايت از ابن عباس ۲۱ - «معجم الكبير» حافظ ابوالقاسم طبرانی در گذشته (۳۶۰) ج ۱۰ ص ۳۵۰ حديث ۱۰۶۸۷ (شماره مسلسل) بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين قيد شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه و من مات وليس عليه امام فميتته جاهلية و من مات تحت راية عمية يدعوا الى عصبية او ينصر عصبية فقتله جاهلية» به روايت از ابن عباس. وج ۱۹ ص ۳۸۸ شماره ۹۱۰ چاپ بغداد بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» به روايت معاويه، و به لفظ «من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية» از عامر بن ربيعة (نیز رجوع شود به كنز العمال ج ۶ ص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱). ۲۲ - «معجم اوسط» نیز از طبرانی ج ۱ ص ۱۷۵ شماره ۲۲۷ بلفظ: «من مات و لايعة عليه مات ميتة جاهلية» و باد يگر الفاظ مختلف ذيل كتاب «مجمع الزوائد» بيايد. ۲۳ - «الكامل في ضعفاء الرجال» ابو احمد عبد الله بن محمد، معروف به ابن عدی جرجانی در گذشته (۳۶۵) ج ۵ ص ۱۸۶۹ بلفظ: «من مات وليس عليه طاعة، مات ميتة جاهلية» به روايت عامر بن ربيعة. ۲۴ - «مستدرک الصحيحين» حاکم نيشابوری در گذشته (۴۰۵) ج ۱ ص ۷۷ و ۱۱۷ از ابن عمر بلفظ: «من مات وليس عليه امام جماعة فان موته موتة جاهلية». ۲۵ - «المغنی» قاضی القضاة معتزلی، عبد الجبار بن احمد همدانی اسدآبادی در گذشته (۴۱۵) جزء متمم عشرين ج ۱ ص ۱۱۶ بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية». ۲۶ - «ندیم الفريد» علامه محقق ابوعلی، احمد بن محمد بن يعقوب مسكويه - كه اصلش ازرى و مقيم و در گذشته اصفهان

بسال (۴۲۱) بوده است بلفظ: «من مات ليلة وليس في عنقه ببيعة امام فقد مات ميتة جاهلية».

[۸]. ۲۷. «حلية الاولياء» حافظ ابونعيم اصفهانی در گذشته (۴۳۰) ج ۳ ص ۲۲۴ بلفظ: «من مات بغير امام فقد مات ميتة جاهلية ومن نزع يده من طاعة (يدا من طاعة الله) جاء يوم القيامة لاحجة له» به روایت از طيالسی. و اضافه کرده است: این حدیث ثابت و مسلم بوده، مسلم در حدیث خود آنرا از زید روایت نموده و گفته است: تابعین و اعلام آنرا از زید نقل کرده اند. سپس هشت نفر از تابعین را نام برده که این حدیث را روایت نموده اند. ۲۸.

«المنتقى في الاخبار» مکی بن ابیطالب حموش بن محمد بن مختار اندلسی در گذشته (۴۳۷) به شرحی که در «نیل الاوطار فی شرح منتقى الاخبار» تحت شماره ۶۶ بیاید ۲۹ - «سنن بیهقی» در گذشته (۴۵۸) ج ۸ ص ۱۵۶ - ۱۵۷ بلفظ: «من مات وليس في عنقه ببيعة، مات ميتة جاهلية» و بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات ميتة جاهلية» و نقل از بخاری و مسلم. ۳۰ - «شعب الایمان» نیز از بیهقی، به شرح مختصر آن که تحت شماره ۴۵ بیاید. ۳۱.

«المتفق و المفترق» ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی در گذشته (۴۶۳) بلفظ: «من نزع يدا من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات ميتة جاهلية، و من خلعها بعد عهدا لقي الله و لا حجة له» از ابن عمر (کنز العمال ۶/۶ شماره ۱۴۸۶۵) ۳۲ - «جمع بين صحيحين - بخاری و مسلم» محمد بن فتوح حمیدی در گذشته (۴۸۸) بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» (به نقل احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری در اوائل بحث امامت، نیز آیت الله مرعشی در پاورقی احقاق ج ۲ ص ۳۰۶ بواسطه کنز العمال (۱/۱۸۶) چاپ حیدر آباد) آنرا نقل نموده، اما روایت با کمی اختلاف در عبارت بدون نام حمیدی ذکر شده (۳۳ - «شرح المبسوط فی الفقه» شمس الدین سرخسی (در گذشته ۴۹۰). ۳۴ - «شرح السير الكبير شیبانی» نیز از سرخسی ج ۱ ص ۱۱۳ چاپ حیدرآباد ۶-۱۳۳۵. نیز ج ۱ ص ۱۶۷ چاپ ۱۹۷۱ م قاهره بلفظ: «من اتاه من اميره ما يكرهه فليصبر، فان من خالف المسلمين قيد شبر،

ثم مات، مات ميتة جاهلية» ۳۵ - «ربيع الابرار» محمود بن عمر زمخشری در گذشته (۵۳۸) ج ۴ ص ۲۲۱ باب الملك و السلطان بلفظ: «من مات و ليس في عنقه لامام المسلمين بيعه فميتته ميتة جاهلية» ۳۶ - «ملل و نحل» محمد بن عبد الكريم شهرستاني شافعی در گذشته (۵۴۸) ج ۱ چاپ قاهره ص ۱۷۲ ذيل «الاسماعيليه» بلفظ: «ان من مات و لم يعرف امام زمانه، مات ميتة جاهلية» و نیز: «من مات و لم يكن في عنقه بيعه امام، مات ميتة جاهلية» ۳۷ - «مصباح المضيئ في خلافة المستضيئ» ابوالفرج، عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي در گذشته (۵۹۷) ج ۱ ص ۱۴۰ - ۱۴۷ چاپ اوقاف عراق بسال ۱۳۹۷ شامل احاديث كليات خلافت از جمله حديث: «من فارق الجماعة شبراً فمات، فميتته جاهلية» ۳۸ - «جامع الاصول» ابن اثير جزري در گذشته (۶۰۶) ج ۴ ص ۴۵۶ بلفظ: «من خرج من السلطان شبراً مات ميتة جاهلية» از ابن عباس از طريق بخارى و مسلمو بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات ميتة جاهلية، و من قتل تحت راية عمية يغضب لعصية او يدعوا الى عصية فقتل، فقتلته جاهلية» به روايت از ابوهريره، از طريق مسلم و نسائي. ۳۹ - «مسائل الخمسون» محمد بن فخر رازي در گذشته (۶۰۶) مسئله ۴۷ ص ۳۸۴ چاپ - ضميمه مجموعه رسائل - مصر مطبعه علمي كردستان سال ۱۳۲۸ بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه فليمت ان شاء يهوديا و ان شاء نصرانيا» (كتاب «پيرامون معرفت امام» از علامه فقيه صافي گلپايگاني ص ۴۰۸) - «المغني في شرح الخرقى» ابن قدامه، عبدالله بن احمد مقدسى جماعيلى دمشقى حنبلى در گذشته (۶۲۰) ج ۱۰ ص ۴۶ چاپ بيروت، تحت عنوان «قتال اهل البغى» به روايت انس و بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، فميتته جاهلية» ۴۱ - «فتح العزيز على كتاب الوجيز» ابوالقاسم، عبدالكريم بن محمد قزوينى رافعى در گذشته (۶۲۳) به تفصيلى كه در تلخيص الحبير شماره ۵۶ بيايد. ۴۲ - «شرح نهج البلاغه» ابن ابى الحديد معتزلى در گذشته (۶۵۶) ج ۹ ص ۱۵۵ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» باضافه

جمله «واصحاب ما همه قائل به صحت ودرستی این قضیه هستند که جز با شناخت امامان کسی به بهشت نخواهد رفت. وج ۱۳ ص ۲۴۲ بلفظ: «من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة» به نقل عبدالله بن عمر، اضافه میکند: وی شبانه به در خانه حجاج (ابن یوسف ثقفی) رفت تا بر خلافت عبدالملک مروان باوی که از طرف او حاکم عراق بود، بیعت کند، به این دلیل که پیامبر فرموده: «من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة» ولی روش تحقیرآمیز و ذلت آور حجاج نسبت به عبدالله بن عمر آنچنان بود که بجای دست پای خود را از رختخواب بسوی او دراز کرد و گفت: (جهت بیعت) دست خود را به پای من متصل کن. واینچنین بجای مراسم بیعت گیری با ابن عمر برخورد مسخره آمیز نمود. ۴۳- «شرح صحیح مسلم» حافظ نووی در گذشته (۶۷۶) ج ۱۲ ص ۲۴۰۴۴- «ریاض الصالحین» نیز از نووی ج ۱ ص ۴۳۷ شماره ۶۶۲ و در چاپ دمشق ص ۲۸۴- ۲۸۵ شماره ۶۶۳ بلفظ: «من خلع یداً من طاعة لقی الله يوم القيامة ولا حجة له، و من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة» رواه مسلم. و فی روایه له: «من مات وهو مفارق للجماعة فانه يموت میتة جاهلیة» و به شماره ۶۷۰ بدین عبارت آمده: «من کره من امیره شیئا فلیصبر، فانه من خرج من السلطان شبرا مات میتة جاهلیة» متفق علیه. ۴۵- «مختصر شعب الایمان - بیهقی -» از ابو جعفر عمر قزوینی در گذشته (۶۹۹) ص ۱۰۶ چاپ مصر بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ثم مات، مات میتة جاهلیة» به روایت از ابوهریره و نقل از مسلم. ۴۶- «الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان» امیر علاء الدین، علی بن بلبان فارسی حنفی در گذشته (۷۳۹) ج ۷ ص ۴۹ چاپ بیروت، بلفظ: «من مات و لیس له امام مات میتة جاهلیة» از طریق ابویعلی به روایت از معاویه. ۴۷- «تلخیص المستدرک» حافظ ذهبی در گذشته (۷۴۸) ج ۱ ص ۷۷ و ۱۱۷ نقل و اقرار به عین آنچه از مستدرک حاکم گذشت نموده. ۴۸- «تفسیر» ابن کثیر دمشقی در گذشته (۷۷۴) ج ۱ ص ۵۱۷ بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة». ۴۹- نیز «تاریخ ابن

کثیر» ج ۷ ص ۲۳۲ بدین شرح که چون مردم - بخاطر کشتار عمومی اهل مدینه یزید را از خلافت خلع و ساقط کردند عبد الله بن عمر فرزندان و اهل بیت خود را جمع نمود و پس از تشهد گفت: ما به حساب بیعت با خدا و رسولش با این مرد (یزید بن معاویه) بیعت کردیم و شنیدیم رسول خدا میگفت: «من نزع یداً من طاعه، فانه یأتی یوم القیامه لاجه له، و من مات مفارق الجماعه فانه یموت موت جاهلیه» پس مبادا کسی از شما یزید را خلع نماید و مبادا در این باره اسراف و تند روی از خود نشان دهد که مایه جدائی بین من و او خواهد شد. ۵۰ - «شرح المقاصد» سعدالدین تفتازانی (۷۹۲) ج ۲ ص ۲۷۵ بلفظ: «من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» و اضافه کرده است این حدیث همانند: (اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) میباشد. ۵۱ - «شرح - عقائد نسفی -» نیز از محقق تفتازانی چاپ ۱۳۰۲، لکن چاپ ۱۳۱۳ که هفت صفحه آن بدست خیانتکاران حذف و ساقط گردیده فاقد این حدیث میباشد. (الغدیر ۱۰ / ۳۶۰) ۵۲ - «مجمع الزوائد» نور الدین هیشمی در گذشته (۸۰۷) ج ۵ ص ۲۱۸ بلفظ: «من مات بغير امام مات میتة جاهلیة» به روایت از معاویه و بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» و ص ۲۱۹ بلفظ: «و من خرج من الجماعه قید شبر متعمدا فقد خلع ربة الاسلام من عنقه و من مات و لیس لامام جماعه علیه طاعة مات میتة جاهلیة» از معاذ بن جبل به روایت طبرانی و بلفظ: «... من أصبح لیس لامیر جماعه علیه طاعة بعثه الله یوم القیامه من میتة جاهلیة» از ابودرداء از طریق طبرانی. و ص ۲۲۳ بلفظ: «من مات و لیس علیه طاعة مات میتة جاهلیة» به نقل از عامر بن ربیع و طریق احمد بن حنبل، ابویعلی، بزار و طبرانیو ص ۲۲۴ بلفظ: «من مات و لیس علیه امام، فمیتة جاهلیة» به روایت از ابن عباس و طریق بزار و طبرانی در معجم اوسط. و ص ۲۲۵ بلفظ: «من مات و لیس علیه امام، مات میتة جاهلیة» به روایت از معاویه بن ابی سفیان از طریق طبرانی در معجم اوسط. ۵۳ - «کشف الاستار عن زوائد البزار علی الکتب الستة» نیز

از هیشمی ج ۲ ص ۲۵۲ حدیث ۱۶۳۵ چاپ مؤسسه رسالت، بلفظ: «من فارق الجماعة قیاس (او قید) شبر فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه، و من مات و لیس علیه امام فمیتته میتة جاهلیة، و من مات تحت رأیه عصبیه او ینصر عصبیه فقتلته قتله جاهلیة». ۵۴ - «فتح الباری شرح صحیح بخاری» احمد بن محمد بن حجر عسقلانی در گذشته (۸۵۲) ج ۱۶ ص ۱۱۲ بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعه مات میتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر. ۵۵ - «مطالب العالیة» نیز از ابن حجر عسقلانی ج ۲ ص ۲۲۸ تحت شماره ۲۰۸۸ بلفظ: «من مات و لا طاعة علیه مات میتة جاهلیة» ۵۶ - «تلخیص الحبیر فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر» نیز از ابن حجر عسقلانی ج ۴ ص ۴۱ بلفظ: «من خرج عن الجماعة قید شبر فقد خلع ربقه الاسلام...» به روایت از ابن عمر. و ص ۴۲ بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمیتته جاهلیة» به روایت از ابوهریره (فهارس کتاب فوق ص ۲۸۹، چ دارالمعرفه بیروت) ۵۷ - «جمع الجوامع» یا «جامع الاحادیث» عبدالرحمن سیوطی در گذشته (۹۱۱) بشرح مندرج در کنز العمال. ۵۸ - «تیسیر الاصول» ابن دبیع شیبانی در گذشته (۹۴۴) ج ۳ ص ۳۹ به روایت از ابوهریره بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات میتة جاهلیة» از طریق دو صحیح بخاری و مسلم. ۵۹ - «کنز العمال» حسام الدین متقی هندی در گذشته (۹۷۵) ج ۱ ص ۱۰۳ شماره ۴۶۳ چاپ حلب بلفظ: «من مات و لا بیعه علیه مات میتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر به نقل از مسند احمد و ابن سعد. و شماره ۴۶۴ بلفظ: «من مات بغير امام مات میتة جاهلیة» به روایت معاویه و از طریق احمد حنبل و طبرانی. و ص ۲۰۷ شماره ۱۰۳۵ بلفظ: «من خرج من الجماعة قید شبر فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه حتی یراجعه، و من مات و لیس علیه امام جماعة فان موته موتة جاهلیة» از ابن عمر و از طریق مستدرک حاکم. و شماره ۱۰۳۷ بلفظ: «من فارق المسلمین قید شبر فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه، و من مات لیس علیه امام فمیتته میتة جاهلیة، و من مات تحت رأیه عمیه یدعوا الی عصبیه او ینصر عصبیه فقتله جاهلیة» از

طریق طبرانی (در معجم کبیر) به روایت ابن عباسوص ۲۰۸ شماره ۱۰۳۸ بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين شبرا، أخرج من عنقه ربة الاسلام... و من مات من غير امام جماعة مات ميتة جاهلية» به روایت ابن عمر از طریق حاکم در مستدرک.وص ۳۷۹ شماره ۱۶۴۹ بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فقد نزع ربة الاسلام من عنقه» از علی به روایت از بیهقیوج ۶ ص ۵۲ شماره ۱۴۸۰۹ بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات، مات ميتة جاهلية...» به روایت از ابوهریره از طریق احمد، نسائی و مسلم.وشماره ۱۴۸۱۰ بلفظ: «من مات و ليس في عنقه بيعه، مات ميتة جاهلية» به روایت از ابن عمر از طریق مسلم.وص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱ بلفظ: «و من مات و ليست عليه طاعة، مات ميتة جاهلية» به روایت از عامربن ربيعه از طریق ابن ابی شيبه (در مصنف) و احمد حنبل (در مسند) و طبرانی (در معجم کبیر) و سعید بن منصور (در سنن) و شماره ۱۴۸۶۳ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية، و من نزع يدا من طاعة جاء يوم القيامة لاجرة له». به روایت از عبدالله بن عمر و نقل از «معجم کبیر» طبرانی و «حلیه الاولیاء» ابونعیم.وص ۶۶ شماره ۱۴۸۶۵ بلفظ: «من نزع يدا من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات ميتة جاهلية، و من خلعتها بعد عهدها لقي الله و لا حجة له» به روایت ابن عمر از طریق خطیب بغدادی در «المتفق والمفترق». ۶۰ - «جواهرالمضیئه» ملاعلی قاری حنفی در گذشته (۱۰۱۴) در خاتمه کتاب ج ۲ ص ۵۰۹ بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» و در ص ۴۵۷ گوید: و فرموده او (پیامبر) ص در صحیح مسلم «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» معنایش این است که: هر کس نشناسد آن کس را (که اقتدا به او و رهنمون شدن بدو - در زمانی که دست اندر کار امامت و رهبری است - واجب باشد) مرگش مرگ جاهلی خواهد بود. ۶۱ - «مجمع الفوائد» محمد بن سلیمان مغربی در گذشته (۱۰۹۴ در شام) ج ۲ ص ۲۵۹ چاپ بیروت شماره ۶۰۴۸، بلفظ: «من مات بغير امام، مات ميتة جاهلية» و در روایت دیگر تحت شماره ۶۰۴۹ بلفظ: «من مات

و ليس في عنقه بيعه مات ميتة جاهلية» از معاويه بن ابى سفيان. ۶۲ - «بريقه المحموديه» شيخ ابوسعيد خادمي حنفي در گذشته (۱۱۶۸) ج ۱ ص ۱۱۶ چاپ مصطفى حلبى قاهره، بلفظ: «من مات ولم يعرف امام زمانه فقد مات ميتة جاهلية» (ملحقات احقاق الحق ج ۱۹ پاورقى ص ۶۳(۶۵۱) - «ازالة الخفاء في مناقب الخلفاء» شاه ولي الله دهلوى در گذشته (۱۱۷۶) ج ۱ ص ۳ بلفظ: «من مات و ليس في عنقه بيعه مات ميتة جاهلية» آنرا ذكر نموده و براي اثبات وجوب كفائى نصب خليفه بر مسلمين تا روز قيامت، بدان استدلال کرده است. ۶۴ - «ازالة الغين» علامه فقيه مولى حيدر على بن محمد فيض آبادى هندی در گذشته (۱۲۰۵) در بحث از بي اعتبارى بعضى از احاديث بخارى، چاپ دهلى ۱۲۹۵ بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» (المدخل حديث غدیر از عبقات ص ۶۱(۶۵) - «فواتح الرحموت» - شرح «مسلم الثبوت» شيخ محب الله بهارى هندی حنفي در گذشته (۱۱۱۹) - از عبد العلى محمد بن نظام الدين محمد انصارى هندی در گذشته (۱۲۲۵) ج ۲ ص ۲۲۳ - ۲۲۴ چاپ لكهنو ۱۸۷۸م بلفظ: «لم يفارق الجماعة احد و مات الا مات ميتة جاهلية» به روايت از بخارى و نیز در چاپ بولاق در حاشيه مستصفي غزالي ج ۲ ص ۲۲۴,۶۶ - «نيل الاوطار» بشرح «المنتقى في الاخبار» - قاضى محمد بن على شو كانى يمنى در گذشته (۱۲۵۵) ج ۷ ص ۳۵۶ چاپ بيروت ۱۹۷۳ بلفظ: «من رأى من أميره شيئاً يكرهه فليصبر، فانه من فارق الجماعة شبراً فمات، فميتته جاهلية» از ابن عباس. و بلفظ: «من كره من أميره شيئاً فليصبر عليه، فانه ليس احد من الناس خرج من السلطان شبراً فمات عليه الا مات ميتة جاهلية» از ابن عباس. و بلفظ: «و من خلع يدا من طاعة لقي الله ولا حجة له، و من مات و ليس في عنقه بيعه مات ميتة جاهلية» از ابن عمر به نقل از مسلم. و ص ۳۵۷ بلفظ: «من فارق الجماعة شبراً فكانما خلع ربقه الاسلام من عنقه» به روايت از حرث بن حرث اشعري و نقل از ترمذى و ابن خزيمة و ابن حبان و روايت از ابن عباس به نقل از بزار و طبرانى در اوسط. ۶۷ - «ينابيع

الموده» علامه شيخ سليمان بلخي قندوزي در گذشته (۱۲۹۴) باب ۳۹ ص ۱۳۷ چاپ
حيدريه نجف و ص ۱۱۷ چاپ اسلامبول بلفظ: «و في المناقب بالسند عن عيسى بن السري
قال: قلت لجعفر بن محمد الصادق (ع) حدثني عما ثبت عليه دعائم الاسلام، اذا أخذتُ بها
زكًا عملي و لم يضرني جهل ما جهلت. قال: شهادة أن لا اله الا الله وأن محمدا رسول الله،
والاقرار بما جاء به من عند الله، وحق في الأموال من الزكاة والاقرار بالولاية التي أمر الله بها
ولاية آل محمد (ص)، قال رسول الله (ص): «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة
جاهلية. قال الله عزوجل: أطيعوا الله وأطيعوا الرسول و أولى الأمر منكم. فكان علي صلوات
الله عليه ثم صار من بعده حسن ثم حسين ثم من بعده علي بن الحسين ثم من بعده محمد
بن علي و هكذا يكون الأمر، ان الأرض لاتصلح الا بالامام، ومن مات ولم يعرف امام زمانه
مات ميتة جاهلية». ۶۸- «صيانة الانسان عن وسوسة الشيخ دحلان» در دفاع از عقائد وهابي
حجاز، تأليف محمد بن بشير سهسوني هندی وهابي در گذشته (۱۳۲۶) چاپ مصر ص
۱۴۹ بلفظ: «ليس أحد يفارق الجماعة شبرا فيموت الامات ميتة جاهلية» از ابن عباسو بلفظ:
«من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات ميتة جاهلية» از ابوهريره به نقل از
مسلم. و ص ۳۰۷ تا ۳۱۵ با الفاظ مختلف واسناد متعدد و ذکر مصادر، حديث موضوع بحث
را نقل و بدان استدلال کرده استودرپايان باب مکمل مئه (صدم) ص ۶۲۵ به نقل از شيخ
بهاء الدين عاملی در «اربعين» بعنوان حديث متفق عليه بين عامه و خاصه، و بلفظ: «من مات
و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» و نیز به نقل از ملل و نحل شهرستانی. ۶۹- «تاريخ آل
محمد» علامه قاضي بهلول بهجت افندی، از اهالی قفقاز (آذربايجان شوروی) وساکن
زنګنه زور ترکیه در گذشته (۱۳۵۰) که از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده و در آخر آن
بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه فقد مات ميتة جاهلية» و بعنوان متفق عليه علمای
خاصه و عامه این حديث را ذکر کرده است. ۷۰- «الامام جعفر الصادق» علامه محقق مستشار

عبد الحليم جندی مصری معاصر، چاپ مجلس اعلى شئون اسلامى جمهورى مصر قاهره
۱۳۹۷ در پاورقى ص ۱۷۴ بلفظ: «من مات وليس له امام، فميتته جاهليّة» بطور ارسال مسلم

اسامى راويان حديث من مات و لم يعرف... و احاديث مشابه

توضيح اين مطلب لازم است كه مجموع راويان احاديث بخش اول (يعنى حديث «من مات و لم يعرف...») عبارت از هفت نفر از صحابه پيامبر اكرم (ص) و راويان مورد قبول اهل تسنن بوده اند كه بنوشته ذهبى در «الكاشف» صاحبان صحاح سته همه از يك يك اين هفت نفر بطور فراوان نقل روايت کرده اند و عملاً صدق گفتار وصحت روايات آنها را تايد و اعلام نموده اند و اسامى آنها بدین قرار است: ۱- زيد بن ارقم در گذشته (۶۸) الكاشف ۱ / ۳۳۶ شماره ۱۷۳۸۲ - عامر بن ربيعه عنزى در گذشته (كمى قبل از عثمان) الكاشف ۲ / ۵۴ شماره ۲۵۴۹۳ - عبد الله بن عباس در گذشته (۶۸) الكاشف ۲ / ۱۰۰ شماره ۲۸۲۹۴ - عبدالله بن عمر بن خطاب در گذشته (۷۴) الكاشف ۲ / ۱۱۲ شماره ۲۹۰۱۵ - عويمر بن مالك معروف به ابوالدرداء در گذشته (۳۲) الكاشف ۲ / ۳۵۸ شماره ۴۳۸۸۶ - معاذ بن جبل در گذشته (۱۸) الكاشف ۳ / ۱۵۳ شماره ۵۵۱۱۷ - معاويه بن ابى سفیان در گذشته (۶۰) الكاشف ۳ / ۱۵۷ شماره ۵۶۱۷ و اما راويان احاديث بخش ۲ (كه مصدر به «من خرج» و «من فارق» و «من خلع» و امثال اين كلمات است) عبارتند از نامبردگان فوق به اضافه: ۱- ابوهريره دوسى در گذشته (۵۷ / ۵۹) ۲- انس بن مالك در گذشته (۹۳) كه بنوشته ذهبى در «الكاشف» - ۳ / ۳۸۵ تحت شماره ۴۳۳ بخش كنى و ۱ / ۱۴۰ بشماره ۴۸۳ - اين دو نيز در تمام صحاح سته بطور فراوان از آنها نقل حديث شده است. اکنون كه اجمالى از بحث و بررسى پيرامون حديث مربوط به امام شناسى همه ائمه بر حق اسلام - از

جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

بحث و بررسی پیرامون احادیث اختصاصی حضرت مهدی منتظر

اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام - از جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

صحابه راوی احادیث امام مهدی موعود منتظر در منابع اهل تسنن

۱ - امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالبسنن ابی داود ۵۱۲/۴ - ابوامامه باهلی، سعد بن عجلانالبیان گنجی ص ۹۵۳ - ابویوب أنصاریمعجم صغیرطبرانی ۱۳۷۴/۱ - ابوسعید خدریسنن ابی داود ج ۴ ص ۱۰۷ حدیث شماره ۴۳۸۵۵ - ابوسلمی راعی (چوپان شترهای) رسول خدا (ص)مقتل الحسین خوارزمی ص ۹۵ و بنقل ینابیع الموده ۱۶۰/۳، فرائد السمطین ۳۱۹/۲ حدیث شماره ۵۷۱ و عموم کتب شامل احادیث مهدی ۶ - ابوالطفیل عامر بن واثلهمسند أحمد بن حنبل ۹۹۷/۱ - ابولیلیمناقب خوارزمی، فصل پنجم ص ۲۳-۲۴۸ - ابووائلعقد الدرر جمال الدین یوسف دمشقی ص ۲۳ و ۳۸۹ - ابوهریرهصحیح بخاری ۱۷۸/۲ و عموم کتب شامل احادیث مهدی ۱۰ - انس بن مالکسنن ابن ماجه ۵۱۹۱۱/۲ - تمیم داریرائس ثعلبی ص ۱۸۶ و بنقل عقد الدرر ص ۲۱۹۱۲ - ثوبان مولی (غلام آزاد شده) رسول الله (ص)سنن ابن ماجه ۵۱۹۱۳/۲ - جابر بن سمرهالبرهان متقی هندی، ذیل تنبیها، تنبیه اول ۱۴ - جابر بن عبدالله أنصاریمسند أحمد حنبل ۳۸۴۱۵/۳ -

جابر بن عبدالله صدفاستيعاب قرطبي ۱۱۱/۲ چاپ ذيل إصابه ابن حجر و معجم كبير
 طبراني ۹۳۷۱۶/۲۲ - امام حسن بن عليبنابيع الموده قندوزي ص ۵۸۹۱۷ - امام حسين بن
 عليالبرهان متقى هندی باب دوّم حديث ۱۷ و ۱۸۱۸ - سلمان فارسيمقتل الحسين خوارزمي
 ۱۴۶۱۹/۱ - طلحه بن عبيداللهالبرهان متقى هندی و المهدي المنتظر ابن صديق ص ۱۲۲۰ -
 عباس بن عبدالمطلبالمهدي المنتظر ابن صديق ص ۱۲۲۱ - عبدالرحمن بن عوفالبيان گنجي
 شافعي ص ۹۶۲۲ - عبدالله بن حرث (حارث) بن جزء زيبيديسنن ابن ماجه ۵۱۹/۲ و در
 چاپ ديگر ۲۷۰۲۳/۲ - عبدالله بن عباسفصول المهمه ابن صباغ مالكي ص ۲۷۸۲۴ -
 عبدالله بن عمر بن خطابفصول المهمه ص ۲۷۷ و البرهان باب ۱ حديث ۲ و باب ۶ حديث
 ۶۲۵ - عبدالله بن عمرو بن عاصالبيان گنجي ص ۹۲۲۶ - عبدالله بن مسعودفصول المهمه
 ابن صباغ ص ۲۷۹۲۷ - عثمان بن أبي العاصمسند أحمد حنبل ۲۱۶/۴ - ۲۱۷۲۸ - عثمان بن
 عفانالمهدي المنتظر صديق مغربي ص ۱۲، و در مقاله فتوائی - اداره مجمع فقهی سعودی
 در مکه - مندرج در آخر البيان گنجي ص ۷۷ چاپ بيروت ۲۹ - علقمه بن عبداللهسنن ابن
 ماجه [بنقل المهدي في السنه شيرازي ص ۴۲] و فصول المهمه ابن صباغ مالكي ۳۰ - عليّ
 الهلاليمجمع الزوائد هيثمي ۱۶۵۳۱/۹ - عمار بن ياسرالبرهان باب اول حديث ۱۰ و باب ۴
 فصل ۲ حديث شماره ۷ و ۲۴۳۲ - عمر بن خطابالبرهان باب اول حديث ۳۸۳۳ - عمران
 بن حصينمسند أحمد بن حنبل ۴۳۷۳۴/۴ - عمرو بن عاصالبرهان باب چهارم فصل ۲
 حديث ۲۳۳۵ - عمرو بن مره جهنيابراز الوهم المكنون أبوالفيض غماري و عرف الوردی
 ص ۱۳۹ و ۳۹۰ و المهدي المنتظر ابن صديق ادريسي ص ۱۳۳۶ - عوف بن مالکمعجم
 كبير طبراني ۳۷ - قتاده بن نعمانالبرهان باب اول حديث ۱۷ و باب ششم حديث ۱۰ و ۱۱۳۸
 - قره بن اياس المزنيبنابيع الموده ص ۲۲۰۳۹ - كعب الأخبارعقد الدرر جمال الدين
 دمشقي ص ۱۸۰ و ۲۳۳-۲۳۴ بنقل از فتن نعيم بن حماد ۴۰ - كعب بن علقمهالبرهان باب

هفتم حدیث ۸-۱۳-۲۱۴۱- معاذ بن جبل، ابراز الوهم المکنون أحمد بن محمد بن صدیق
ص ۸۴۲- فاطمة الزهراء بنت رسول الله (ص) فرائد السمطين حموي ۴۳- أم المؤمنين أم
سلمهسنن أبي داود ۱۵۱۴۴/۴- أم المؤمنين عائشه كتاب الفتن نعيم بن حماد بنقل عقد
الدرر ص ۱۶-۱۷ و البرهان باب دوم حدیث ۲۱۴۵- أم حبيها البرهان باب چهارم فصل ۲
حدیث ۲۰

معتبرين به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی منتظر

۱- أبو الحسن، محمد بن حسین آبري سجستاني (در گذشته ۳۶۳ هـ) از اعلام محدثین مورد
قبول حفاظ حدیث و حدیث شناسان از اهل تسنن، در کتاب «مناقب الشافعی» - ذیل نام
محمد بن خالد جندی، راوی حدیث جعلی «لا مهدی إلا عیسی بن مریم» - بشرح مندرج
در مصادر ذیل [۹] اعتراف به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی نموده است. ۲-
حافظ محمد یوسف گنجی شافعی (۶۵۸) در «البيان فی اخبار صاحب الزمان (ع)» آخر باب
یازدهم. ۳- شمس الدین محمد بن أحمد قرطبی (۶۷۱) در «التذکره فی أحوال الموتی و
أمر الآخرة» ص ۱، ۴، ۷۰- حافظ جمال الدین مزّی (۷۴۲) در «تهذیب الکمال» ۱۴۶/۵-۱۴۹
شماره ۵، ۵۱۸۱- ابن قیم جوزیه حنبلی (۷۵۱) در «منار المنیف» ص ۶، ۱۴۲- ابن حجر
عسقلانی (۸۵۲) در «تهذیب التهذیب» ۱۲۵/۹ ذیل شرح حال محمد بن خالد جندی و
احتجاج بکلام ابری در رد جندی، نیز - بنقل «ابراز الوهم المکنون» ص ۴۲۳ - در «فتح
الباری (شرح صحیح مسلم)» ۷- شمس الدین سخاوی (۹۰۲) در «فتح المغیث» بنقل از
آبری [«نظم المتناثر»] کتانی ص ۲۲۶؛ «ابراز الوهم المکنون» غماری ص ۴۳۶ و مندرج در
«الامام المهدی عند أهل السنّة» ص ۲۳۲. ۸- جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱) در
«مصباح الزجاجه» [بنقل بلیسی در «العطر الوردی فی شرح القطر الشهدی» ص ۴۵]. و در

«فوائد المتكاثرة في الأحاديث المتواترة» و مختصر آن «الازهار المتناثرة» [بنقل «إبراز الوهم المكنون» ص ۴۳۴ و مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۴۳۴/۲؛ و در «عرف الوردی» مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ج ۱ ذیل ص ۳۹۶]. ۹. – ابن حجر هیثمی (۹۷۴) در «صواعق المحرقة» ص ۹۹ و در چاپ دیگر ص ۱۰، ۱۶۷ – شیخ مرعی بن یوسف حنبلی (۱۰۳۳) در «فرائد الفکر فی الامام المهدي المنتظر» [بنقل «لوائح الأنوار البهية» سفارینی ج ۲ و مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲۳/۲ و «الإذاعة» محمد صدیق قنوجی ص ۱۴۷]. ۱۱. – أبوزید عبدالرحمن بن عبدالقادر فاسی (۱۰۹۲) در «منهج المقاصد – شرح «مراصد المعتمد» شیخ محمد عربی فاسی –» بنقل از سخاوی [«المهدي المنتظر» عبدالله بن محمد صدیق حسنی ادیسی ص ۱۰]. ۱۲. – محمد بن عبد الرسول بررنجی (۱۱۰۳) در «الإشاعة لأشراط الساعة» ص ۸۷، ۱۳ – محمد بن عبدالباقی زرقانی مالکی (۱۱۲۲) در «شرح المواهب اللدنیة» [بنقل «إبراز الوهم المكنون» صدیق مغربی ص ۴۳۴ و مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ص ۲۳۰]. ۱۴. – شیخ محمد بن قاسم بن محمد جسوس مالکی (۱۱۸۲) در شرح کتاب «الرسالة» عبدالله بن عبدالرحمن شیروانی [کتانی در «نظم المتناثر من الحديث المتواتر» ص ۲۲۶ و احتجاج به کلام جسوس؛ و «المهدي المنتظر» ابن صدیق غماری ص ۹]. ۱۵. – أبوالعلاء ادیس بن محمد ادیس حسینی عراقی فاسی (۱۱۸۳) در کتابی که در باره امام المهدي نوشته [بنقل «نظم المتناثر» ص ۲۲۶؛ و «المهدي المنتظر» ابن صدیق غماری ص ۸]. ۱۶. – شیخ محمد بن أحمد سفارینی حنبلی (۱۱۸۸) در «لوائح الأنوار البهية» مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۱۷/۲، ۲۰ – شیخ محمد بن علی صبان (۱۲۰۶) در «اسعاف الراغبین» ص ۱۴۵، ۱۴۷ و ۱۵۲، ۱۸ – قاضی محمد بن علی شوکانی (۱۲۵۰) در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی مهدي المنتظر و الدجال و المسيح» [کتانی در «نظم المتناثر» ص ۲۲۵–۲۲۸؛ محمد صدیق قنوجی بخاری در «الإذاعة»

لما كان و ما يكون بين يدي الساعة» ص ۱۶۰؛ شيخ محمد خضر حسين مصرى در مقاله «نظرة فى أحاديث المهدي» چاپ دمشق و مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲/۲۱۲؛ أحمد أمين مصرى در «المهدي و المهديوه» ص ۱۱۰ چاپ مصر؛ شيخ عبدالمحسن عباد حجازى در مقاله «عقيدة اهل السنة و الاثر» چاپ مدينه و مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲/۴۰۳؛ شيخ تويجى در «الاحتجاج بالاثر على من أنكر المهدي المنتظر» ص ۴۲. «تحفة الاحوذى» مبار كپورى ص ۴۸۴ باب «ما جاء فى المهدي» در شرح حديث [۲۳۳۱]. ۱۹ - مؤمن بن حسن شبلنجى (۱۲۹۱) در «نور الأبصار» ص ۱۸۹، ۲۰ - سليمان بن ابراهيم قندوزى حنفى (۱۲۹۴) در «ينابيع الموده» باب ۸۵ ص ۵۶۳، ۲۱ - أحمد بن زينى دحلان مفتى شافعيه (۱۳۰۴) در «فتوحات الاسلاميه» ۲/۲۱۱ بنقل از «اشاعه» برزنجى. ۲۲ - سيد محمد صديق حسن قنوجى بخارى (۱۳۰۷) در «الاذاعه لما كان و ما يكون بين يدي الساعة» ص ۱۱۲، ۲۳ - محمد بلييسى بن محمد بن أحمد حسيني شافعى مصرى (۱۳۰۸) در «عطر الوردى فى شرح القطر الشهدى» ص ۴۴ بنقل از «شرح ورد السحر» شيخش أبو عبدالسلام شبراوى و ص ۴۵ بنقل از «مناقب الشافعى» أبو الحسن آبرى در گذشته ۳۶۳ و از «مصباح الزجاجة» سيوطى. ۲۴ - أبو عبدالله محمد بن جعفر كتانى مالكى (۱۳۴۵) در «نظم المتناثر من الحديث المتواتر» ص ۲۲۵-۲۲۸ شماره ۲۸۹. توضيحاً اسامى هشت نفر از معترفين به تواتر احاديث ويژه مهدي منتظر را با مصدر نقل ذكر کرده بدین شرح: سخاوى، آبرى، عراقى، شيخ جسوس، زرقانى، مؤلف «مغانى الوفاء بمعانى الاكتفاء»، سفارينى، شوكانى. ۲۵ - مبار كپورى (۱۳۵۳) در «تحفة الاحوذى» ص ۴۸۴ باب «ما جاء فى المهدي» در راستاى شرح حديث ۲۲۳۱، ۲۶ - شيخ محمد خضر حسين مصرى (۱۳۷۷) در مقاله «نظرة فى أحاديث المهدي» چاپ ضمن «مجلة التمدن الاسلامى» دمشق ۱۳۷۰ هـ - ۱۹۵۰ م ص ۸۲۹، و بنقل از شوكانى بطوريكه تلقى به قبول نموده و عيناً مندرج در «الامام المهدي

عند أهل السنّة» ۲۱۲/۲ میباشد. ۲۷- ابوالفیض، سید احمد بن محمد بن صدیق غمارى
حسینی ازهرى شافعى مغربى (۱۳۸۰) در «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، أو
المرشد المبدى لفساد طعن ابن خلدون فى أحادیث المهدى» ص ۴۳۳-۴۳۶ و عیناً مندرج
در «الامام المهدى عند أهل السنّة» ۲۲۷/۲-۲۸، ۳۸۲- شیخ ناصرالدین آلبنی (معاصر) در
مقاله «حول المهدى» نشریه «مجله التمدن الاسلامی» دمشق سال ۲۲ ذیقعه ۱۳۷۱هـ، ص
۶۴۲-۶۴۶ و عیناً مندرج در «الامام المهدى عند أهل السنّة» ۲۹/۲، ۳۹۱- شیخ صفاءالدین
آل شیخ الحلقه عراقیدر «مجله التریبۃ الاسلامیة» شماره ۷ ص ۳۰ سال ۱۴ [المهدى المنتظر
بین التصور و التصدیق] شیخ محمد حسن آل یس ص ۲۹؛ نیز «المهدى المنتظر» ص ۲۹. ۳۰
- شیخ عبدالمحسن بن حمد عبادعضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه، در مقاله
«عقیده اهل السنّة و الاثر فى المهدى المنتظر» نشریه «مجله جامعه الاسلامیه» مدینه سال اول
شماره ۳ ذیقعه ۱۳۸۸ بخش چهارم مقاله ص ۶۴۳ و عیناً مندرج در «الامام المهدى عند
أهل السنّة» ص ۴۰۲-۴۰۴. و در دیگر مقاله مفصل بعنوان «الرّد على من كذب بالاحادیث
الصحیحة الواردة فى المهدى» در ردّ بر رساله «لا مهدى یتنظر بعد الرسول خیر البشر» ابن
محمود قاضی قطر، نشریه فوق شماره ۱ سال ۱۲، ۱۴/۱۴۰۰هـ و عیناً مندرج در «الامام
المهدى عند أهل السنّة» ۳۱/۲، ۴۴۲- ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی
ادریسیدر «المهدى المنتظر» چاپ عالم الکتب بیروت ص ۳۲، ۹۵- شیخ حمود بن عبدالله
تویجرى (معاصر) از استادان دانشگاه اسلامی مدینه، در کتاب «الاحتجاج بالاثّر على من أنکر
المهدى المنتظر» در ردّ بر کتاب «لا مهدى یتنظر بعد الرسول خیر البشر» قاضی قطر
ص ۳۳، ۱۲۱- شیخ عبدالعزيز بن عبدالله بن باز (معاصر) از رجال علمى دربار حکومت
سعودی و رئیس ادارات علوم و فتوى و دعوت و ارشاد، در ذیل تأییدنامه مقاله «عقیده
اهل السنّة و الاثر فى المهدى المنتظر» شیخ عبدالمحسن عباد سابق الذکر، و نیز در کلام

تقریضی او بر کتاب «الاحتجاج بالاثر...» تویجری مذکور ص ۳,۳۴ - در پایان قابل توجه است که دکتر عبدالحلیم نجار ضمن مقدمه اش - بر کتاب «المهدیه فی الاسلام» سعد محمد حسن مصری، که در خلط مبحث حقایق اسلامی و نادیده انگاشتن نقلیات حدیثی و اعترافات علماء در باب مهدی منتظر و انکار او خلاصه می شود - مؤکداً خاطر نشان میکند که بنظر علماء حدیث، موضوع مهدی بالغ و برخوردار از تواتر معنوی است.

معتبرین به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر

و اما معترفین از طبقه حدیث آوران و حدیث شناسان اهل تسنن به صحت و قابل استناد بودن احادیث وارده پیرامون شئون مختلف مهدی منتظر، پس در حدود بیست و پنج نفرند که هر یک با تعبیرات گوناگون، نقلیات روایتی مورد بحث را صحیح و قابل قبول اعلام کرده اند و اسامی و آدرس کلامی آنها بدین قرار است: ۱ - حافظ ترمذی (متوفی ۲۹۷) در «سنن» خود - که یکی از صحاح سته حدیث اهل تسنن می باشد - ج ۴ ص ۵۰۵ و ۵۰۶۲ - حافظ ابوجعفر عقیلی (۳۲۲) در کتاب «الضعفا الکبیر» ذیل ترجمه علی بن نفیل حرانی ج ۳ ص ۲۵۳، شماره ۱۲۵۷۳ - ابومحمد حسن بن علی خلف بربهاری شیخ حنبلیان (۳۲۹) در کتاب «شرح السنه» بنقل شیخ حمود تویجری در «الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر» ص ۲۸۴ - حاکم نیشابوری (۴۰۵) در «مستدرک» ج ۴ صفحات ۴۵۰، ۴۴۲، ۴۲۹، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۴، ۴۶۵، ۵۰۲، ۵۲۰، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸۵ - امام المحدثین بیهقی (۴۵۸) در «الاعتقاد و الهدایه الی سبیل الرشاد ص ۱۲۷ و نیز بنقل ابن قیم در «منار المنیف» ص ۱۳۰ شماره ۲۲۵۶ - حافظ بغوی (۵۱۰ یا ۵۱۶) در «مصایح السنه» ص ۴۸۸ شماره ۴۱۹۹، ۴۹۲ و ۴۹۳۷ - مورخ شهیر و محدث معروف ابن اثیر (۶۰۶) در کتاب «النهایه فی غریب الحدیث و الاثر» ج ۱ ص ۲۹۰ ج ۲ ص ۱۷۲ و ۳۲۵ و ۳۸۶ و ج ۴

ص ۳۳ و ج ۵ ص ۲۵۴۸ - ابن منظور افریقی (۷۱۱) در «لسان العرب» ص ۵۹ ذیل کلمه «هدی» ۹ - ابن تیمیه یگانه بنیانگذار مذهب وهابی سعودی (۷۲۸) در «منهاج السنه» ج ۴ ص ۲۱۱۰ - بزرگ حدیث شناس اهل تسنن، حافظ ذهبی، (۷۴۸) در «تلخیص المستدرک» ج ۴ ص ۵۵۳۱۱ - ابن کثیر شامی (۷۷۴) در «النهاية فی الفتنة والملاحم» ج ۱ ص ۵۵۱۲ - فاضل تفتازانی (۷۹۳) در «شرح المقاصد ص ۳۱۲ در شرح عقاید نسفی ص ۱۶۹۱۳ - نور الدین هیثمی (۸۰۷) در «مجمع الزوائد» ج ۷ ص ۱۱۵، ۱۱۶، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷۱۴ - شیخ محمد جزری دمشقی شافعی (۸۳۳) در «السمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب» ص ۱۶۳، ۱۶۸۱۵ - الشهاب احمد بن ابی بکر بوصیری (۸۴۰) در «مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه» ج ۳ ص ۲۶۳ شماره ۱۴۴۲۱۶ - علاء الدین بن حسام الدین معروف به متقی هندی (۹۷۵) در «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» که در رد سید محمد بن سید محمد خان جونپوری مدعی مهدویت، نوشته و از متن فتوهای چهار نفر از علمای مذاهب اربعه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی هم (که بیانگر صحت احادیث مربوطه و وجوب ایمان بدانها بر هر مسلمانی است) استفاده نموده. مراجعه شود به کتاب فوق ص ۱۷۷ و ۱۷۸ - ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳۱۷ - سید محمد مرتضی حسینی حنفی واسطی زبیدی (۱۲۰۵) در «تاج العروس» ج ۱۰ ص ۴۰۸، ۴۰۹، ذیل کلمه «هدی» ۱۸ - شهاب الدین احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی مصری، (۱۳۰۸) در منظومه «قطر الشهدی فی اوصاف المهدی» که شرحش بنام «عطر الوردی فی شرح القطر الشهدی» بطور مکرر بنظر رسید ص ۶۸۱۹ - ابوالبرکات آلوسی حنفی (۱۳۱۷) در «غالیة المواعظ» ص ۷۶ - ۷۷۲۰ - ابوالطیب، محمد شمس الحق عظیم آبادی (۱۳۲۹) در «عون المعبود شرح سنن ابی داود» ج ۱۱ ص ۳۶۱۲۱ - شیخ منصور علی ناصف (بعد ۱۳۷۱) در «التاج الجامع للأصول» باب هفتم - ج ۵ ص ۳۴۱ آخر باب نهم؟؟؟؟ ۲۲ - شیخ محمد بن عبدالعزیز مانع، (۱۳۸۵) در

«تحديق النظر باخبار الامام المنتظر» ۲۳ - شيخ محمد قواد عبدالباقي (۱۳۸۸) در تعليقه اش بر حديث مندرج در سنن ابى داود، بنقل شيخ عبدالمحسن عباد در مقاله «عقيدة اهل السنة و الاثر فى المهدي المنتظر» مندرج در «الامام المهدي عند اهل السنة» ج ۲۲۴ - ابوالاعلى مودودي، معاصر، در «البيانيات» ص ۱۱۶۲۵ - نويسنده محقق سعيد ايوب معاصر در «عقيدة المسيح الدجال فى الاديان» ص ۳۶۱ چاپ سوم قم، مطبعه مهر ۱۴۱۳

مهدى از فرزندان فاطمه دختر پيامبر است

از جمله پيشگوئيهاي صريح پيامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) پيرامون امام مهدى منتظر در رابطه با مشخصات نسبي و ويژگيهاي فاميلى آن حضرت، موضوع بودن آن موعود جهاني است از فرزندان فاطمه، که در حدود هفتاد نفر از مراجع حديثى و اعلام تاريخى اهل تسنن، احاديث بيانگر اين امر و فرازهاي تاريخى مربوط بدان را نقل و ثبت کرده اند و محلى براى شكّ و شبهه در اين باره باقى نگذارده اند؛ و عباراتى که پيامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) در اين باره ايراد فرموده، بنقل ام سلمه بدین قرار است: «المهدى حقّ و هو من ولد فاطمة» «المهدى من ولد فاطمة» «المهدى من عترتى من ولد فاطمة» و به نقل حسين بن على بن ابي طالب بدینگونه باشد که با روى سخن به فاطمه فرمود: «المهدى من ولدك» «أبشرى يا فاطمة، فانّ المهديّ منك» «أبشرى يا فاطمة، المهديّ منك» و به نقل أبوأيوب أنصاري چنین آمده: «... و منّا خير الأوصياء و هو بعلك... و منّا المهديّ و هو من ولدك» «... و منّا المهديّ...» و همچنان که ملاحظه مى شود اين عبارات خلاصه مى شود در اعلام بودن حضرت مهدى (عليه السلام) از فرزندان فاطمه (عليها السلام) دختر پيامبر (صلى الله عليه وآله)، و براين اساس فاطمى نبودن مدّعيان مهدويّت خود يکى از دلائل محکم، و سرنخى است بر دروغگوئى آنان. همچنانکه ديگر مشخصات مهدى راستين نیز دليل و

نشانه است بر دروغگوئی مهدیه‌های فاطمی و بی اساس بودن دعوی مهدویت آنها. و اما ناقلین بودن حضرت مهدی از فرزندان فاطمه، و مصادر نقل آن، پس بدین شرح است: ۱- ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون: أحمد بن محمد بن صدیق مغربی؛ ص ۱۴۶ حدیث ۷۷، ۲- الإذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة: سيد محمد صدیق حسن قنوجی بخاری؛ ص ۱۱۶، ۳- الأربعین حدیثا فی المهدی: حافظ أبو نعیم اصفهانی؛ مندرج در «العرف الوردی» سیوطی و «حدیقه الشیعۀ» مقدّس اردبیلی و «کشف الغمۀ» اربلی و «بحار الأنوار» علامه مجلسی. ۴- أرجح المطالب: شیخ عبیدالله حنفی؛ ص ۳۸۱ و ۳۸۴ و ۳۸۵ با اسناد مختلف. ۵- أسعاف الراغبین: ابن صبان مالکی؛ چاپ حاشیه «نور الأبصار» شبلنجی، ص ۱۳۷، ۶- الإشاعة لأشراط الساعة: محمد بن رسول حسینی برزنجی؛ ص ۸۸، ۷- أشعة اللمعات: شیخ عبدالحق دهلوی؛ ۳۳۷، ۸/۴- انسان العیون (مشهور به سیره حلبی): ۱۹۳، ۹/۱- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان: متقی هندی؛ باب ۲ حدیث ۲ و ۱۷ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳، ۱۰- البیان فی أخبار صاحب الزمان: گنجی شافعی؛ ص ۳۱۰ چ نجف. ۱۱- التاج الجامع للأصول: شیخ منصور علی ناصف؛ ج ۵ ص ۳۴۳، اوایل باب هفتم کتاب الفتن. ۱۲- تاریخ الرقّة: أبو علی قشیری حرّانی؛ ص ۷۰ و ۷۱، ۱۳- تاریخ الکبیر: بخاری؛ ج ۲ بخش ۱ ص ۳۱۶، ۱۴- تذکره الحفاظ: شمس الدین ذهبی؛ ۴۶۳، ۱۵/۱- تذکره: قرطبی؛ ص ۶۱۶، ۱۶- تعلیقه: شیخ طاهر نعلسانی بر «تاریخ الرقّة»: قشیری؛ ص ۷۰، ۱۷- تلخیص مستدرک حاکم: ذهبی؛ ۵۵۷، ۱۸/۴- تمییز الطیب من الخبیث: ابن ربیع شیبانی؛ ص ۲۲۰، ۱۹- تیسیر الوصول: ابن ربیع شیبانی؛ ۲۳۷، ۲۰/۲- جالیة الکدر: عبدالهادی ابیاری؛ ۲۰۸، ۲۱- جامع صغیر: سیوطی شافعی؛ ۵۷۹، ۲۲/۲- جمع الجوامع: سیوطی؛ ۱۰۴، ۲۳/۲- جواهر العقدين: نورالدین سمهوری؛ بنقل «ینابیع الموده» قندوری، اول باب ۷۳، ۲۴- در المنشور: سیوطی؛ ۵۸/۶؛ بنقل از ابوداود، ابن ماجه، طبرانی تا حاکم از امّ

سلمه ٢٥. الدر المنظم: محمد بن طلحه شافعي (٦٥٢) مندرج در باب ٦٨ «ينابيع المودة»
ص ٤٩٢ چاپ نجف و ص ٤٣٢ چاپ استانبول ٢٦ - ذخائر العقبي: محب الطبري؛ ص ٤٤ و
١٦٦؛ بنقل «أربعين حديثاً في المهدي» أبو العلاء همداني. ٢٧ - راموز الأحاديث: أحمد
ضياء الدين حنفي نقشبندی؛ ص ٢٣٦، ٢٨ - سراج المنير - في شرح الجامع الصغير سيوطي
- احمد بن محمد عزيزي؛ ص ٤٠٩، ٢٩ - سنن: أبي داود سجستاني؛ ١٥١، ٣٠/٤ - سنن
المصطفى: ابن ماجه قزويني؛ ٥١٩، ٣١/٢ - شرح نهج البلاغه: ابن أبي الحديد؛ ٢٨١/١ چاپ
٢ جلدی مصر. ٣٢ - صحيح مسلم: به نقل كنز العمال ٢٦٤٣٣/١٤ - صواعق المحرقة: ابن
حجر هيثمي؛ ص ٢٣٥، ٣٤ - العرائس الواضحة: عبدالهادي ابياري؛ ٢٠٨، ٣٥ - العرف
الوردی في اخبار المهدي: سيوطي؛ ضمن «الحاوي للفتاوى»؛ ١٢٤/٢ و ١٤٤ و ١٣٧ و ١٤٦
و ١٤٨ و ١٥٥ و ١٦٥ از أبونعيم و ابن عساكر و طبراني، چاپ ١٣٧٨ مصر. ٣٦ - عقد الدرر
في أخبار المنتظر: ص ٢١ حديث ٢١-٢٥ بنقل از «سنن» ابن ماجه و «سنن» امام أبوعمر مقرئ
و «صفة المهدي» حافظ أبونعيم و «الملاحم» ابن منادي. ٣٧ - الفتاوى الحديثه: ابن حجر
هيثمي مكى؛ ص ٢٩، ٣٨ - فتح الكبير: يوسف نبهاني لبناني؛ ص ٢٥٩، ٣٩ - الفتن و الملاحم:
أبونعيم بن حماد؛ ج ١ ص ٣٧٣ چاپ مكتبة التوحيد قاهره ٤٠ - الفتوحات الكبير: محي
الدين ابن عربي چاپ بولاق ٤١ - الفردوس: شيرويه بن شهردار ديلمى؛ شماره ٦٦٧٠ ج ٤
ص ٢٢٣، ٤٢ - فصول المهمه: ابن صباغ مالكي؛ ص ٢٧٦، ٤٣ - الفقه الأكبر: مولوى حسن
الزمان؛ ٦٧/٢ و ٧٠، ٤٤/٢ - كنز العمال: متقى هندی؛ ٣١٨/٦ و ٢٥٩/٧، چاپ حيدرآباد و
١٠٥/١٢ بنقل از سنن ابى داود و صحيح مسلم از ام سلمه و ١٤ / ٢٦٤ به نقل از ابن عساكر
از امام حسين بن على، چاپ حلب ٤٥ - كنوز الحقايق: مناوى؛ ص ٣ و ١٦٤ ط بولاق
مصر. ٤٦ - لوائح الأنوار البهية: محمد سفاريني حنبرى؛ قبل از عنوان فوائد. ٤٧ - مجمع
الزوائد: نورالدين هيثمي؛ ١٦٦/٩، كتاب المناقب، باب فضل اهل البيت. ٤٨ - مستدرک:

حاکم نیشابوری؛ ۵۵۷،۴۹/۴ - مسند فاطمه: سیوطی؛ چاپ ۱۴۰۶ مطبعه عزیزیه حیدرآباد هند، بنقل از ابن عساکر. ۵۰ - مشارق الأنوار فی فوز اهل الاعتبار: حمراوی؛ ص ۱۵۲ بنقل از «صحیح» مسلم و «سنن» ابی داود و «سنن» نسائی و «مستدرک» حاکم و «سنن» ابن ماجه و «سنن» بیهقی و دیگران. ۵۱ - مشکاه المصابیح: خطیب تبریزی؛ ۲۴،۵۲/۳ - مصابیح السنه: بغوی؛ ۱۳۴،۵۳/۳ - مطالب السؤل: محمد بن طلحه شافعی؛ ص ۸۹،۵۴ - معجم الصغیر: ابوالقاسم طبرانی؛ ص ۵۲ حدیث ۹۴،۵۵ - مفتاح النجاء: بدخشی؛ ص ۱۰۰، مخطوط. ۵۶ - مقاتل الطالبیین: ابوالفرج اصفهانی؛ ص ۱۴۳،۵۷ - مقاصد الحسنه: شمس الدین سخاوی؛ ص ۴۳۵،۵۸ - الملاحم: ابن منادی - ابوالحسین احمد بن جعفر -؛ ص ۴۱،۵۹ - المنار المنیف: ابن قیم جوزیه ص ۱۴۶ شماره ۳۳۴۶۰ - منتخب کنز العمال: چاپ حاشیه «مسند» أحمد حنبل، ۹۶/۵ و ۳۰،۶۱/۶ - منهاج السنه: ابن تیمیه حرانی؛ ۲۱۱،۶۲/۲ - میزان الاعتدال: ذهبی؛ ۳۵۵/۱ و ۲۴۰،۶۳/۲ - نهایه البدایه و النهایه: ابن کثیر دمشقی؛ ۳۷۱ و ۴۰،۶۴ - ینابیع الموده: سلیمان قندوزی؛ ۸۶/۳ چ بیروت و ص ۵۱۹ چ نجف

مهدی موعود منتظر حسینی و از فرزندان امام حسین بن علی است نه حسنی و از فرزندان امام حسن بن علی

از جمله پیشگوئیهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با مشخصات نسبی و ویژه گیهای خانوادگی امام مهدی منتظر (علیه السلام) موضوع حسینی بودن او است که حضرتش با تعبیرات مختلف جد پدری آن امام بزرگوار را ابو عبدالله، حسین بن علی بن ابی طالب معرفی و اعلام فرمود. البته بشرحی که بعداً ملاحظه می شود حداقل یکصد و بیست و هشت نفر از اعلام حدیثی و تاریخی اهل تسنن در مصادر حدیثی و منابع تاریخی مربوطه اعتراف

به ولادت حضرت مهدی در حدود نیمه دوم قرن سوم هجری نموده و عموماً به سلسله نسب پدری آن بزرگوار که از امام حسن عسکری منتهی به امام حسین بن علی بن ابیطالب می شود تصریح کرده اند و دیگر جای هیچگونه شکی نیست که حضرت مهدی موعود منتظر حسینی است و چندان نیازی به طرح عنوان حسینی بودن آن بزرگوار نخواهد بود. ولی جهت آگاهی خوانندگان به حقایق تاریخی و کشف و برملاشدن دروغبافی و بی راهه روی مدعیان حسنی بودن مهدی منتظر، لازم دانستیم توجه خوانندگان را به این مطلب جلب تاسیه روی شود هر که در او غش باشد. و اینک اسامی تعدادی از ناقلین و معترفین به حسینی بودن حضرت مهدی عج: ۱- علامه محقق ادیب ابن قتیبه دینوری (۲۷۶) در غریب الحدیث نقل از امام امیر مؤمنان علی علیه السلام نموده که مهدی را مطرح نمود و فرمود: «انه من ولد الحسين عليه السلام، همانا که مهدی از فرزندان حسین باشد...» و ذکر حلیته فقال: رجل اجل الجبین...» [شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۸۱ و ۱۳۰/۱۹] ۲- حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی شافعی (متوفای ۳۸۵) - به نقل البیان گنجی شافعی آخر باب نهم و قندوزی در ینابیع الموده اواسط باب نود و چهار- در «الجرح و التعديل» ذیل روایت مفصلی از ابوسعید خدری (که بیانگر بیمارشدن پیامبر اکرم و رفتن فاطمه به عیادت و دیدار آن بزرگوار و ایراد و اعلام آن حضرت باروی سخن به فاطمه، شش امتیازی را که خداوند بدان خاندان عنایت فرموده می باشد) آورده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: از جمله امتیازات ششگانه اینک: مهدی این امت که عیسی پشت سرش نماز میخواند از ما خاندان باشد، سپس دست بر شانه حسین - که حاضر در مجلس بود زد و فرمود: «من هذا مهدی الامة» از این (حسین) باشد مهدی (منتظر این) امت. نیز قندوزی در ینابیع الموده اواسط باب نود و چهار صفحه ۵۹۰ این فراز از حدیث را آورده است. ۳- حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰هـ) در کتاب «اربعون حدیثاً فی المهدی» به عنوان

حدیث ششم با ذکر سند نقل از حدیفه رض نموده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با ایراد خطبه و خبر دادن از رخداد های جهان فرمود: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله عزوجل ذلك الیوم، حتی یبعث رجلا من ولدی اسمه اسمی. فقام سلمان رض فقال: یا رسول الله، من ای ولدک هو؟ قال: من ولدی هذا و ضرب بیده علی الحسین علیه السلام» [۱۰]. توضیحا این روایت را دیگر نامبردگان ذیل بهمین مضمون و با کمی اختلاف در تعبیرات نقل کرده اند که بخاطر محدودیت مقاله از ذکر متون مربوطه تا فرصت بعدی معذرت می خواهیم ۴- اخطب خطباء خوارزم موفق بن احمد مکی خوارزمی (۵۸۶) در مقتل الحسین اوائل فصل هفتم ص ۱۴۶،۵- شیخ الاسلام ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی - صاحب «اربعون حدیثا فی المهدی» - (۵۶۹ هـ) بشرح مندرج در «فرائد السمطین» و به نقل «مناقب کاشی - مخطوط و موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم» ۶- ابن ابی الحدید (۶۵۶) در شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۸۱ - ۲۸۲ و ج ۱۹ ص ۱۳۰ با اشاره به نقل ابن قتیبہ در «غریب الحدیث» از علی (علیه السلام) ۷- محمد بن یوسف گنجی شافعی (مقتول سنه ۶۵۸) در «البیان فی اخبار صاحب الزمان» ص ۹۰ چاپ نجف باب نهم به نقل از «الجرح و التعدیل» دارقطنی، ۸- یوسف بن یحیی مقدسی شافعی سلمی (۶۸۵) در «عقد الدرر فی اخبار المنتظر» چاپ ۱۳۹۹ مکتبه عالم الفکر مصر، باب اول ص ۲۴ بنقل از «صفه المهدی» ابونعیم از حدیثها آخر باب ۲ ص ۳۲ بنقل از مصدر فوقباب ۴ فصل ۲ ص ۸۹ بنقل از جابر بن یزید جعفری از ابوجعفر (امام باقر ع) و ص ۹۵ بنقل از امام امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ششم تحت عنوان: فی تصریح النبی بان المهدی من ولد الحسین بنقل از دارقطنی صاحب «الجرح و التعدیل» اواسط باب ۴ ص ۱۲۷ بنقل از فتن نعیم بن حماد از عبدالله بن عمرو باب نهم فصل سوم ص ۲۲۳ از «صفه المهدی» حافظ ابونعیم و حافظ ابوعبدالله نعیم بن حماد و «معجم» حافظ ابوالقاسم طبرانی از عبدالله بن

عمر و ۹- محب الدین طبری (۶۹۴) در «ذخائر العقبی» ص ۱۳۶-۱۳۷، ۱۰- شیخ ابراهیم بن محمد بن مؤید بن عبدالله جوینی خراسانی (۷۳۰) در «فرائد السمطین - فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم» ج ۲ ص ۳۲۵-۳۲۶ شماره ۵۷۵ با ذکر سند منتهی به حافظ ابوالعلا حسن عطار همدانی. ۱۱- حافظ شمی الدین ذهبی (۷۴۸) در میزان الاعتدال ج ۲ ص ۳۸۲ ذیل نام عباس بن بکار ضبی ۱۲- سیدعلی شهاب همدانی (۷۸۶) در «مودة القربی و اهل العباء» مندرج در «ینایع الموده قندوزی ص ۳۰۸ چاپ نجف» موده دهم ضمن چند روایت مختلف و هم مضمون. ۱۳- محمد بن محمود حافظی معروف به خواجه پارسا (۸۲۲) در «فصل الخطاب» مشروحا حضرت مهدی را از فرزندان امام حسن عسکری دانسته و اعلام نموده [ینایع الموده باب ۶۵، ص ۴۶۴ چ نجف] ۱۴- ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) در «لسان المیزان» ج ۳ ص ۳۰۰ طبق متن فرائد السمطین. ۱۵- ابن صباغ مالکی (۸۵۵) در «فصول المهمه فی معرفه الائمة» ص ۲۷۷ بنقل از ابونعیم عین آنچه را که از حدیثه آورده. ۱۶- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴) در «ینایع الموده» او اخر باب ۵۴ ص ۱۹۷ چاپ نجف بنقل از موده القربی همدانی. اوایل باب ۷۷ ص ۵۳۴ بنقل از علی (ع) از پیامبر (ص) و از سلیم بن قیس از سلمان حدیثی را که با روی سخن به حسین فرمود: «... انت ابو حجج تسعة تاسعهم قائمهم المهدی» بنقل از حموینی و خوارزمی، و بنقل از ابن عباس با تعبیر «و تسعة من ولد الحسین مطهرون» از حموینیا و واسط باب ۹۴ ص ۵۸۸ بنقل از اربعین حافظ ابونعیم از حدیثه در پاسخ سوال سلمان از پیامبر اکرم پیرامون نام فرزندش - که مهدی از اولاد او باشد - و ص ۵۸۹ بنقل از ابن خشاب از امام علی بن موسی الرضا و تصریح آنحضرت باینکه مهدی فرزند عسکری است. و نیز ص ۵۸۹ با ذکر سند بنقل از امام موسی کاظم و تصریح باینکه امام صادق فرمود: «مهدی از فرزندان من باشد». و ص ۵۹۰ متن آنچه را از «الجرح و التعديل» دارقطنی آوردیم. نیز ص ۵۹۰ بنقل از

مناقب خوارزمی [۱۱] از سلمان فارسی. روایتی را که سلمان وارد بر پیغمبر شد و دید حضرتش حسین بن علی را بر روی زانو نشانده و او را می بوسید و خبر می دهد از اینکه حضرت قائم نهمین فرزند حسین باشد ۱۷- شیخ عبدالهادی ابیاری (۱۳۰۵) در «العرائس الواضحه» ص ۲۰۸۱۸- سید مؤمن بن حسن شبلنجی (۱۳۰۸) در «نورالابصار فی مناقب آل بیت النبى المختار» چاپ بولاق مصر.

معترفین از علمای سنی به ولادت حضرت مهدی از نسل فاطمه زهرا و امام حسین بن علی در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری

در اینجا توجه خوانندگان ارجمند را به یک موضوع مهم جلب می نمائیم و آن اینکه: اصل مسأله مهدویت در اسلام مانند - مسأله امامت که در پیشگفتار بدان اشاره کردیم - یک مسأله اتقاقی بین همه مذاهب عقیدتی و فقهی اسلام است. چیزی که در این رابطه مورد اختلاف می باشد موضوع ولادت حضرت مهدی است که گروهی انگشت شمار از اهل تسنن منکر، و اکثریت قریب به اتفاق موافق با شیعه، و در منابع عقیدتی، حدیثی و تاریخی خود صریحاً بدان اعتراف کرده اند. ناگفته پیداست که معتقدان به ولادت آن حضرت نیز در انتساب آن بزرگوار به امام عسکری، و دیگر ویژگیها و شؤون حیاتی او از قبیل غیبتو... با شیعه هم عقیده اند. با توجه به اینکه ما در این کتاب در انطباق بخشی از فرازهای سخنان امام در نهج البلاغه با مسأله مهدی منتظر، متکی به اعتراف ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، شده ایم، و نامبرده در موضوع ولادت آن حضرت با شیعه مخالف، و آن را موکول به بعد نموده است، ما در این مقدمه به اسامی بیش از یکصد نفر از دانشمندان و مورخان اهل تسنن که با شیعه همعقیده، و به ولادت حضرت مهدی در نیمه دوم قرن سوم هجری اعتراف کرده اند اشاره می کنیم؛ و برای تفصیل بیشتر، علاقمندان آشنا به زبان عربی را به

کتاب «الامام المهدي عند اهل السنه» [۱۲] و مقدمه آن ارجاع می دهیم. ۱- ابوبکر محمد بن هارون رویانی (در گذشته ۳۰۷) در «مسند» مخطوط موجود در کتابخانه ظاهریه شام که بخش ویژه حضرت «مهدی» در جلد سوم «الامام المهدي عند اهل السنه» مندرج، تا به یاری خدا چاپ و منتشر گردید. ۲- ابن ابی ثلج، ابوبکر، محمد بن احمد بن بغدادی (۲۳۸- ۳۲۲) از بزرگان محدثان و مؤلف «تاریخ الأئمه» که به عنوان «موالید الأئمه» به پیوست «الفصول العشره فی الغیبه - شیخ مفید» و «نوادیر اوندی» به سال ۱۳۷۰ هجری در نجف به چاپ رسیده؛ و در این کتاب انتساب حضرت مهدی (ع) به امام عسکری و ولادت آن بزرگوار را صریحاً اعتراف نموده است. ۳- ابوالعباس، احمد بن ابراهیم بن علی کندی، شاگرد ابن جریر طبری، استاد حافظ ابونعیم اصفهانی، مقیم مکه، و راوی کتاب «موالید الأئمه». ۴- ابوعلی، احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی، راوی کتاب «موالید الأئمه» ابن ابی ثلج به سال ۳۵۰ از کندی سابق الذکر. ۵- ابومسعود، احمد بن محمد بن عبدالعزیز بن شاذان بجلي، نویسنده و قاری رساله «موالید الأئمه» بر ابومنصور شیرازی. ۶- ابومنصور عبدالرحیم بن محمد بن احمد بن شرابی شیرازی که رساله مذکور را از ابی مسعود شنیده و نوشته است. ۷- ابومحمد، اسد بن احمد ثقفی که رساله «موالید الأئمه» را از ابومنصور گرفته است. ۸- ابوماجد، محمد بن حامد بن عبدالمنعم بن عزیز بن واعظ که رساله فوق الذکر را به نقل از ثقفی نامبرده ضبط کرده است. ۹- ابو عبدالله، محمد بن عبدالواحد بن فاخر قرشی که این رساله را از ابوماجد شنیده و نقل کرده است. ۱۰- محب الدین، ابو عبدالله، محمد بن محمود بن حسن نجار بغدادی (۶۴۳) که شاگرد ابن جوزی، مدرس مدرسه «مستنصریه» بغداد، و مؤلف «ذیل تاریخ بغداد» شامل ۴۰ جلد، بوده و محتوای رساله «موالید الأئمه» را از مشایخ سه گانه پیشین (ابومحمد ثقفی، ابوماجد، ابو عبدالله فاخر قرشی) شنیده و ضبط نموده است. ۱۱- نسب شناس مشهور، ابونصر، سهل بن عبدالله

بخاری زیدی (بعد ۳۴۱) در «سُر السلسه العلویّه» پیرامون نام امام حسن عسکری (ع) چاپ نجف. ۱۲ - مورخ شهیر علی بن حسین مسعودی (۳۴۶) در «مروج الذهب» جلد ۸، چاپ لیدن به ضمیمه ترجمه فرانسوی ص ۱۳، ۴۰ - خوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف کاتب (۳۸۷) در «مفاتیح العلوم»، چاپ لیدن سنه ۱۸۹۵، ص ۳۲ - ۳۳، ۱۴ - حافظ ابو الفتح، محمد بن احمد بن ابی الفوارس بغدادی (۳۸۸ - ۴۱۲) در «اربعین» خود شماره ۴ به نقل «کشف الاستار» محدث نوری ص ۲۹ چاپ اول. ۱۵ - جعفر بن محمد بن المعتز مستغفری سمرقندی (۴۳۲) در «دلائل النبوه و المعجزات» (بنا به نقل شیخانی در «الصرط السوی») ۱۶ - ابوبکر، احمد بن حسین بیهقی خسروجردی شافعی (۴۵۸) در «شعب الایمان» چاپ دائره المعارف هند. ۱۷ - مؤلف «مجمل التواریخ و القصص» فارسی، (تألیف سال ۵۲۰)، ص ۴۵۸ چاپ تهران. ۱۸ - احمد بن ابی الحسن نامقی جامی (۵۳۶) به نقل «ینابیع الموده» ضمن احوال امیر مؤمنان، باب ۸۷ ص ۱۹، ۵۶۶ - ابن خشاب، أبو محمد، عبدالله بن احمد بغدادی (۵۶۷) در «تاریخ موالید الائمة و...» [۱۳] به نقل «کشف الأستار» و «أعیان الشیعه». ۲۰ - اخطب خوارزم، موفق بن احمد حنفی (۴۸۴ - ۵۶۸) در «مقتل امام حسین» (که بعضی با مناقب امیرالمؤمنین از همان نویسنده اشتباه کرده اند) ج ۱ ص ۹۴، ۹۶ ضمن دو روایت و به نقل «ینابیع الموده» ص ۴۹۲ چاپ اسلامبول سنه ۱۳۰۱ و «کشف الاستار» علامه نوری. ۲۱ - یحیی بن سلامت خصکفی شافعی (۵۶۸) به نقل مؤلفان «تذکره الخواص» ص ۳۶۰ چاپ نجف و «ینابیع الموده» باب ۸۷ ص ۵۶۹ بعنوان بعض شافعیه. ۲۲ - ابن ازرق، عبدالله بن محمد بن فارقی (۵۹۰) در «تاریخ میا فارقین» به نقل «وفیات الاعیان» (ج ۳ ص ۳۱۶، شماره مسلسل ۵۳۴). ۲۳ - خلیفه عباسی، الناصرلین الله، احمد بن مستضییء (۶۲۲) روی درب مُنبت کاری صغه سرداب سامراء که به دستور او تهیه و نصب گردیده. ۲۴ - شهاب الدین، یاقوت بن عبدالله حموی رومی بغدادی (۶۲۶) در «معجم

البلدان» (ج ۳ ص ۱۷۳) پیرامون کلمه «سامراء». ۲۵ - شیخ فرید الدین عطار، محمد بن ابراهیم نیشابوری همدانی (۶۲۷) در دیوانش به نام «مظهر الصفات» به نقل «ینابیع الموده» باب ۲۶، ۸۷ - ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن محمد شیبانی موصلی (۵۵۵ - ۶۳۰) در «الکامل» ذیل سنه ۲۶۰، ۲۷ - شیخ محی الدین محمد بن علی معروف به ابن عربی طائی اندلسی (۶۳۸) به نقل شعرانی - در «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۵ - از باب ۳۶۶ «فتوحات مکیه» او که متأسفانه در چاپهای متعدد مصر از روی خیانت این مطلب ساقط شده. نیز حمزوی در «مشارق الانوار» و صبان در «اسعاف الراغبین» این مطلب را از محی الدین نقل کرده اند. ۲۸ - شیخ سعد الدین، محمد بن مؤید حمویه، معروف به سعد الدین حموی (۶۵۰) در رساله «مهدی منتظر» به نقل جامی در «مرآة الاسرار». ۲۹ - شیخ کمال الدین محمد بن طلحه شافعی نصیبی (۵۸۲ - ۶۵۲) در «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» باب ۱۲ و نیز در «الدر المنظم» که بخشی از آن در باب ۶۸ «ینابیع الموده» (ص ۴۹۳ - ۴۹۴) درج و به چاپ رسیده است [۱۴]. ۳۰ - شمس الدین، یوسف بن قزاوغلی، سبط ابی الفرج بن جوزی (۶۵۴) در «تذکره خواص الامه - فصل ویژه حضرت مهدی -» که در تهران و نجف به چاپ رسیده است. ۳۱ - حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸) در «کفایة الطالب» - پیرو نام امام عسکری (ع) - و در «البيان فی أخبار صاحب الزمان» - باب ۲۵ - که مکرر در ایران و نجف و بیروت چاپ شده است. ۳۲ - جلال الدین بلخی رومی (۶۷۲) در «مثنوی»، ضمن قصیده «ای سرور مردان علی مستان سلامت می کنند». [ینابیع الموده]، باب ۸۷ [۳۳] - صدرالدین قونوی از بزرگان عرفا و فلاسفه (۶۷۳) در قصیده «رائیه» خود به نقل «کشف الاستار» محدث نوری شماره مسلسل ۳۱، ۳۴ - ابن خلکان (۶۸۱) در «وفیات الاعیان» ج ۱ ص ۵۷۱ چاپ بولاق مصر، و در چاپ دیگر ج ۳ ص ۳۱۶ شماره ۵۳۴، ۳۵ - عزیزالدین، عبدالعزیز بن محمد نسفی صوفی (۶۸۶) در رساله

خود به نقل «ینابیع الموده» پایان باب ۸۷ و او غیر از عزیزالدین عمر بن محمد بن احمد نسفی مؤلف «عقاید النسفیه» و در گذشته ۵۳۸ است که مؤلفان «کشف الاستار» و «منتخب الاثر» با یکدیگر اشتباه نموده اند، و مؤلف «دانشمندان عامه و مهدی موعود» تاریخ فوتش را ۶۱۶ نگاشته است. ۳۶ - حکیم ادیب، عامر بن بصری نزیل سواين روم (۶۹۶) در «تائیه» خود که - به نقل «معجم المؤلفین» ۵/۵۴ - بنام «ذات الانوار» با مقدمه عبدالقادر مغربی و به اعانت ماسینیون به چاپ رسیده، و علامه نوری در صفحه ۵۵ «کشف الاستار» این بخش از اشعار او را ذکر نموده است. ۳۷ - مورخ نامی، حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی (۷۳۰) در «تاریخ گزیده فارسی» ص ۲۰۶ - ۲۰۷ چاپ ۱۳۳۹ تهران. ۳۸ - شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی حموئی شافعی (۶۴۴ - ۷۳۲) در «فرائد السمطین» ج ۲ ص ۳۳۷ چاپ بیروت. ۳۹ - مورخ شهیر، ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل بن علی، حاکم حماة از بلاد سوریه (۷۳۲) در «المختصر فی اخبار البشر» ذیل سنه ۲۵۴ ج ۲ ص ۴۵,۴۰ - کمال الدین عبدالرزاق بن احمد کاشانی صوفی (۷۳۰ یا ۷۳۵) در «تحفه الاخوان فی خصایص الفتیان» به نقل سعید نفیسی در «سر چشمه تصوف در ایران» ص ۲۱۶,۴۱ - عارف شهیر علماء الدوله سمنانی، احمد بن محمد شافعی (۶۵۹ - ۷۳۶) به نقل خواجه پارسا در «فصل الخطاب پیرامون ذکر ابدال و اقطاب» که مورد عقیده متصوفه اهل سنت است. ۴۲ - مورخ شهیر، شمس الدین محمد ذهبی (۶۷۳ - ۷۴۸) که اصلش ترکمانی و در دمشق اقامت گزیده، در تاریخ «دول الاسلام» ج ۱ ص ۱۵۸ ذیل سنه ۲۶۰؛ نیز در «العبر فی خبر من غبر» ج ۲ ص ۲۰ ذیل حوادث سنه ۲۶۰,۴۳ - ابنوردی، زین الدین عمر بن مظفر بن ابی الفوارس (۶۹۱ - ۷۴۹) در «تتمة المختصر» معروف به تاریخ ابنوردی، چاپ مصر ج ۱ ص ۳۱۸ ذیل حوادث سنه ۲۵۴ پیرامون وفات امام هادی (ع). ۴۴ - شیخ شمس الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی انصاری (۶۹۳ - ۷۴۷ یا ۷۴۸ یا ۷۵۰) در «معراج الوصول الی معرفة فضیله آل

الرسول» که عکس نسخه خطی آن از کتابخانه ناصریه لکهنو در مکتبه اینجانب موجود است. ۴۵ - صلاح الدین صفدی خلیل بن ایبک (۷۶۴) مؤلف «الوافی بالوفیات» و «شرح لامیه العجم» و «شرح الدائرة» به نقل «ینابیع الموده» باب ۸۶,۴۶ - حافظ محدث، عبدالله بن محمد مطیری مدنی شافعی نقشبندی (۷۶۵) در «الریاض الزاهره فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهره» به نقل «کشف الاستار» علامه نوری، ص ۹۳ و ۲۱۵ - ۲۱۶ چاپ قدیم. ۴۷ - مورخ شهیر، عبدالله بن علی یافعی یمنی شافعی (۷۰۰-۷۶۸) در «مرآة الجنان» ج ۲ ص ۱۷۲ ذیل حوادث سنه ۲۶۰,۴۸ - سید علی بن شهاب بن محمد همدانی مقیم هند (۷۱۴ - ۷۸۶) در «مودة القربی» و «اهل العباء» که نسخه عکسی آن از کتابخانه ناصریه هند نزد اینجانب موجود است، و متن کامل آن ضمن باب ۵۶ «ینابیع الموده» ص ۲۸۸ - ۳۱۷ چاپ نجف مندرج است. ۴۹ - ابوولید، محب الدین، محمد بن شحنه حلبی حنفی (۷۴۹ - ۸۱۵) در «روضه المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر» - که مختصر «تاریخ ابوالفداء» است و در حاشیه «مروج الذهب» به سال ۱۳۰۳ در مصر به چاپ رسیده است - ج ۱ ص ۲۹۴,۵۰ - عارف شهیر و مورخ نامی، محمد بن محمد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا حنفی نقشبندی (۸۲۲) در «فصل الخطاب» که نسخه اش در کتابخانه مجلس و فتوکی آن نزد اینجانب موجود می باشد؛ و گویا در هند به چاپ رسیده است؛ و بخش ویژه ائمه اثنا عشر آن مندرج در باب ۶۵ «ینابیع الموده» می باشد. ۵۱ - مورخ شهیر، احمد بن جلال الدین محمد فصیح خوافی (۷۷۷ - ۸۴۵) در «مجمل فصیحی» چاپ مشهد سنه ۱۳۴۱، ج ۱ ص ۲۳۱، ضمن رویدادهای ۲۵۵,۵۲ - شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی، معروف به ملک العلماء زاوی دولت آبادی (۸۴۹) در «هدایة السعداء فی مناقب السادات» به نقل «کشف الاستار» علامه نوری ص ۷۳ و «البرهان» علامه سید محسن عاملی شامی چاپ دمشق. ۵۳ - خواجه افضل الدین بن صدرالدین ترکه خجندی اصفهانی (۸۵۰) در «تنقیح

الادلّة و العلل» ترجمه «مللو نحل» شهرستانی، ص ۱۸ و ۱۸۳ و ۱۸۷،۵۴ - ابن صباغ، نورالدین، علی بن محمد مالکی (۷۳۴-۸۵۵) در «الفصول المهمّة فی معرفة الائمة» ضمن فصل ویژه حضرت مهدی(ع)، ص ۲۷۴ چاپ غری. ۵۵ - شیخ عبدالرحمن بسطامی (۸۵۸) در «دره المعارف» به نقل «ینابیع الموده» باب ۸۴،۵۶ - ابوالمعالی، سراج الدین، محمد بن عبدالله حسینی رفاعی مخزومی بغدادی (۷۹۳ - ۸۸۵) در «صحاح الاخبار فی نسب الساده الفاطمیة الاخیار» ص ۱۴۳، چاپ ۱۳۰۶ مصر. ۵۷ - نورالدین، عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین دشتی جامی حنفی شاعر (۸۹۸) صاحب «شرح کافیه» در «شواهد النبوه» که در لکهنو و بمبئی در ۴۴ صفحه بچاپ رسیده است و فتوکپی نسخه خطی مجلس شورای اسلامی نزد اینجانب موجود است. ۵۸ - محمد بن داود نسیمی منزلاوی صوفی (۹۰۱) به نقل قندوزی در «ینابیع الموده» باب ۸۶ ص ۵۶۶ چاپ نجف. ۵۹ - مورخ نامی، میرخواند، محمد بن خاوند شاه (۹۰۳) در «روضه الصفا» ج ۳ ص ۵۹ - ۶۲ فصل ویژه حضرت مهدی(ع)، که در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود می باشد. ۶۰ - قاضی فضل بن روزبهان خنجی شیرازی (در گذشته بعد ۹۰۹) که از سرسخت ترین مخالفان شیعه بوده، در قصیده خود که شامل سلام بر یک یک انوار مقدسه چهارده معصوم است و در مسأله پنجم از بخش سوم «ابطال الباطل» آنرا ذکر نموده، و نگارنده عین آن را در مقدمه «الامام المهدی عند اهل السنه» بخش مخطوطات آورده است. ۶۱ - ملاحسین بن علی کاشفی بیهقی سبزواری هروی (۹۱۰) در «روضه الشهداء» فصل هشتم چاپهای دهلی و غیره. ۶۲ - قاضی حسین بن معین الدین میبدی یزدی حکیم (۹۱۱) - از شاگردان ملا جلال الدین دوانی - در شرح دیوان منسوب به امیرمؤمنان علی(ع) ص ۱۲۳ و ص ۳۷۱ چاپ تهران. ۶۳ - فیلسوف شهیر جلال الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی شافعی (۹۰۷ یا ۹۱۸ یا ۹۲۸) در «نور الهدایه فی اثبات الولایه» که بار اول ضمیمه «خصایص» ابن بطریق بسال ۱۲۱۱ قمری، و بعداً به سال

۱۳۷۵ در تهران بچاپ رسیده است. ۶۴- ابوالحسن، علی بن محمد شاذلی (۸۵۷-۹۳۹) بنا به نقل شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» باب ۵۶،۶۵- مورخ نامی، خواند میر (۹۴۲)، سبط میرخواند مؤلف «روضه الصفا» در تاریخ «حبیب السیر» ج ۲ ص ۱۰۰- ۱۱۳،۶۶- شمس الدین محمد بن طولون دمشقی حنفی (۹۵۳) در «الأئمة إثني عشر» ص ۱۱۷ چاپ دارالصادر بیروت. ۶۷- شیخ حسن عراقی (بعد ۹۵۸) مدفون بالای کوم الریش در مصر، به نقل شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۰ و در «لواقح الانوار» چاپ ۱۳۷۴ مصر ج ۲ ص ۱۳۹، ملاقات و اجتماع او را با حضرت مهدی (ع) ذکر نموده است. ۶۸- شیخ علی خواص، استاد عارف شهیر شیخ عبدالوهاب شعرانی (بعد ۹۵۸) به نقل شاگردش «لواقح الانوار» ج ۲ ص ۱۵۰ و «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۵،۶۹- تقی الدین ابن ابی منصور (تاریخ فوت او بدست نیامد) شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» آغاز باب ۶۵ از کتاب «عقیده» او نقل کرده است. ۷۰- مورخ شهیر، قاضی حسین بن محمد دیار بکری (۹۶۶) در «تاریخ الخمیس» ج ۲ ص ۳۴۳ پیرامون حوادث ۲۶۰ و رویدادهای ایام معتمد عباسی. ۷۱- عارف شهیر، شیخ عبدالوهاب بن احمد شعرانی شافعی (۸۹۸-۹۷۳) در «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۵،۷۲- شهاب الدین، شیخ الاسلام، احمد بن حجر هیشمی شافعی (۹۰۹-۹۷۴) در «صواعق المحرقة» ص ۱۰۰ و ۱۲۴ چاپ ۱۳۱۳ هجری مصر، ۷۳- سید جمال الدین، عطاء الله بن سید غیاث الدین فضل الله شیرازی نیشابوری (۱۰۰۰) در «روضه الاحباب» فارسی، چاپ ۱۲۹۷ لکهنو و ۱۳۱۰ هند، در فصل ویژه حضرت مهدی (ع). ۷۴- محدث شهیر، ملاعلی بن سلطان هروی قاری (۱۰۱۴) در «المرقاة فی شرح المشکاة» که بخش ویژه حضرت مهدی (ع) از آن در جلد دوم «الامام المهدی عند اهل السنة» به چاپ رسیده است. ۷۵- مورخ شهیر و فاضل، ابی العباس، احمد بن یوسف بن احمد دمشقی قرمانی (۹۳۹-۱۰۱۹) در تاریخ «اخبار الدول و آثار الاول» ص ۱۱۷، ضمن باب ویژه خلفاء

و ائمه. ۷۶ - امام ربانی، احمد بن عبدالاحد فاروقی سرهندی نقشبندی حنفی (۹۷۱ - ۱۰۳۱)، که از بزرگان صوفیه هند بوده، و از وی به مجدد هزاره دوم تعبیر کرده اند، در «مکتوبات» ج ۳ مکتوب آخر. ۷۷ - عارف شهیر، عبدالرحمن چشتی بن عبدالرسول بن قاسم بن عباسی علوی صوفی (بعد ۱۰۴۵) در «مرآة الاسرار»، فارسی، شامل شرح حال مشایخ صوفیه (که نسخه آن در کتابخانه آصفیه لکهنو به شماره ۱۶۷ و کتاب ۱۳۰۹ موجود است، و نسخه دیگری از آن در کتابخانه مجلس تهران موجود می باشد) و شاه ولی الله دهلوی نیز در کتاب «الانتباه فی سلاسل اولیاء الله و اساتید و ارثی رسول الله» از آن نقل کرده است. ۷۸ - عارف شهیر، بدیع الزمان قطب مدار، کسی که عبد الرحمن صوفی کتاب «مرآة الاسرار» را به خاطر او نوشت و او معاصر وی بود، و از اعلام نیمه اول سده یازدهم به شمار می رود؛ و به نقل «کشف الاستار» علامه نوری، ص ۵۱ تحت شماره ۲۷، عبدالرحمن داستان دیدار او را با آن حضرت در کتاب نامبرده آورده است. ۷۹ - ابوالمجد، عبدالحق بن سیف الدین دهلوی بخاری حنفی (۹۵۹ - ۱۰۵۲) در رساله ویژه مناقب ائمه و احوال آنها به نقل «کشف الاستار» تحت شماره ۱۲، ۸۰ - مورخ شهیر، عبدالحی بن احمد، معروف به ابن عماد دمشقی حنبلی (۱۰۳۲ - ۱۰۸۹) در «شذرات الذهب» ضمن حوادث ۲۶۰ هجری، ص ۱۴۲، چاپ ۱۳۵۰، ۸۱ - شیخ محمود بن محمد شیخانی قادری (بعد ۱۰۹۴) در «الصراط السوی فی مناقب آل النبی (ص)». ۸۲ - عبدالملک بن حسین بن عبدالملک بن عصامی مکی (۱۰۴۹ - ۱۱۱۱) در کتاب «سمط النجوم العوالی» ج ۴ ص ۱۳۷ - پیرامون نام حضرت امام حسن عسکری (ع) - و ص ۱۳۸، ۸۳ - میرزا محمد خان بن رستم بدخشی (۱۱۲۲) در «مفتاح النجا فی مناقب آل العبا» ص ۱۸۱، مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی قم. [ملحقات احقاق الحق ۱۳/۹۵] ۸۴ - سید عباس بن علی مکی (بعد ۱۱۴۸) در «نزهة الجلیس» ج ۲ ص ۱۲۸، چاپ قاهره. ۸۵ - شیخ عبدالله بن محمد

شبراوی شافعی مصری (۱۱۷۲)، شیخ جامع ازهر، در «الاتحاف بحب الاشراف» ص ۶۸ - ۶۹، چاپ قاهره. ۸۶ - احمد بن علی بن عمر، شهاب الدین، ابوالنجاح منینی حنفی دمشقی (۱۰۸۹ - ۱۱۷۳) در کتاب «فتح المنان» در شرح منظومه «الفوز و الامان» شیخ بهائی، ص ۳، چاپ قاهره، متن این کتاب در «الامام المهدی عند اهل السنه» عیناً به چاپ رسیده است. ۸۷ - شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم فاروقی دهلوی حنفی (۱۱۱۰ - ۱۱۷۶) در «المسلسلات» معروف به «الفضل المبین» قضیه ملاقات بلاذری با آن حضرت را آورده، و با سکوت موجب رضا از اظهار نظر خودداری کرده است. نیز (به نقل «کشف الاستار» شماره ۲۶) در «الانتباه فی سلاسل اولیاء الله» در این زمینه شرح مفصّلی از جامی آورده است. ۸۸ - شیخ سراج الدین، عثمان دده عثمانی (۱۲۰۰) در «تاریخ الاسلام و الرجال» ص ۳۷۰، نسخه مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی. [ملحقات احقاق الحق ۹۲/۱۳] ۸۹ - شیخ محمد بن علی صبان مصری شافعی (۱۲۰۶) در «اسعاف الراغبین فی سیره المصطفی و فضائل اهل بینه الطاهرین» [۱۵] ذکر نموده است. ۹۰ - مولوی علی اکبر بن اسدالله مودودی (۱۲۱۰) از مشاهیر علمای هند و متعصبین سر سخت علیه شیعه در «مکاشفات» - که حواشی بر «نفحات الانس» جامی است - (ج ۷، ص ۳۲۷) پیرامون شرح حال علی بن سهل اصفهانی و بحث از عصمت انبیاء و امام مهدی موعود. ۹۱ - مولوی محمد مبین هندی لکهنوی (۱۲۲۰) در «وسیلۃ النجاه» چاپ گلشن فیض، ص ۳۱۶، ۹۲ - شیخ عبدالعزیز بن شاه ولی الله دهلوی (۱۱۵۹ - ۱۲۳۹)، مؤلف «تحفه اثنا عشریه» بنا به نقل «استقصاء الافهام» ص ۱۱۹ در «النزهة» روایت ابن عقله، مربوط به ملاقات بلاذری را از «فضل المبین» پدر خود نقل کرده، و این خود گواه بر عقیده او به حیات حضرت مهدی (ع) می باشد. ۹۳ - خالد بن احمد بن حسین، ابوالبهاء، ضیاء الدین نقشبندی شهرزوری (۱۱۹۰ - ۱۲۴۲) از بزرگان صوفیه، در «دیوان فارسی» خود به نقل «مجمع الفصحاء» رضا قلی هدایت، ج ۲، ص ۱۱،

چاپ ۱۳۲۹،۹۴ - رشیدالدین دهلوی هندی (۱۲۴۳) در «ایضاح لطافة المقال» بنقل «الامام
الثانی عشر» علامه عبقانی، ص ۴۷، چاپ نجف. ۹۵ - نسب شناس شهیر، ابوالفوز، محمد
امین سویدی بغدادی (۱۲۴۶) در «سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب» ص ۸۷ در خط
عسکری ذکر نموده است. ۹۶ - قاضی جواد بن ابراهیم بن محمد ساباط هجری بصری
حنفی (۱۱۸۸-۱۲۵۰)، که نخست مسیحی بود و از آن پس گرایش به اسلام پیدا کرد، در
«البراهین الساباطیه فیما یتستقیم به دعائم الملة المحمدیه» چاپ عراق، به نقل «کشف
الاستار». ۹۷ - شیخ عبدالکریم یمانی (قبل ۱۲۹۱) ضمن اشعاریکه پیرامون حضرت
مهدی (ع) سروده و در «ینابیع الموده» عیناً آنها را آورده است. ۹۸ - محدث عالیقدر،
سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی معروف به خواجه کلان (۱۲۲۰-۱۲۹۴) در «ینابیع
الموده» آخر باب ۵۶ و آخر باب ۷۹، که بارها در ترکیه، هند، عراق، ایران، و در هفتمین
بار به سال ۱۳۸۴ در نجف به چاپ رسیده است. ۹۹ - شیخ حسن عدوی حمزوی شافعی
مصری (۱۳۰۳) در «مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار» ص ۱۵۳، چاپ مصر. ۱۰۰ -
عبدالهادی بن رضوان بن محمد بن الایاری (۱۳۰۵) در «جالیه الکدر» - شرح منظومه
سبزواری - ص ۲۰۷ چاپ مصر. ۱۰۱ - مؤلف «تشید المبانی» (۱۳۰۶) به نقل علامه محقق
میرحامد حسین نیشابوری هندی در «استقصاء الافهام» ص ۱۰۳، چاپ لکهنو. ۱۰۲ - سید
مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی مصری (۱۲۵۲ - بعد ۱۳۰۸) در فصل ویژه حضرت
مهدی (ع) در «نور الابصار» ص ۱۵۰، چاپ ۱۳۲۲ مصر. ۱۰۳ - عبدالرحمن بن محمد بن
باعلوی حصرمی (۱۳۲۰)، مفتی حصرم یمن، در «بغیة المسترشدین» ص ۲۹۶، چاپ مصر،
به نقل از جلال الدین سیوطی. ۱۰۴ - محمود بن وهیب قراغولی بغدادی حنفی در کتاب
«جوهره الکلام» مطبوع، ص ۱۵۷، در فصلی که تحت عنوان «المجلس الثلاثون فی فضائل
محمد المهدی رضی الله عنه» ویژه حضرت مهدی (ع) گشوده، به ولادت و غیبت آن

بزرگوار اعتراف کرده است. ۱۰۵ - عماد الدین حنفی، به نقل علامه نوری از بعضی اصحاب خود در «کشف الأستار» ص ۶۰، اعتراف به ولادت حضرت مهدی (ع) نموده، ولی علامه نوری از نصّ کلام او اظهار بی اطلاعی کرده است. ۱۰۶ - فاضل محقق قاضی بهلول بهجت افندی قندوزی زنگنه زوری (۱۳۵۰) در «محاكمه در تاریخ آل محمد [ص]» که از ترکی آذربایجانی به فارسی ترجمه، و بالغ بر ده مرتبه در ایران به چاپ رسیده، و نمایشگر عالی ترین و محققانه ترین بحث در باره امامت است. ۱۰۷ - شیخ عبیدالله امرتسری حنفی، معاصر، در کتاب «ارجح المطالب فی عدّ مناقب اسدالله الغالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب [ع]» که به زبان اردو نگارش و در لاهور به چاپ رسیده است، ص ۳۷۷، ۱۰۸ - سید عبدالرزاق بن شاکر بدری شافعی، معاصر، در کتاب خود «سیره الامام العاشر علی الهادی [ع]» ص ۱۰۹، ۱۳۱ - محمد شفیق غربال (۱۳۱۱ - ۱۳۸۱)، مورخ شهیر و عضو مجمع لغوی در قاهره، در «دائرة المعارف» که به قلم گروهی از متخصصین در ۲۰۰۰ صفحه نگارش یافته، و به سال ۱۹۶۵ در قاهره به چاپ رسیده، زیر عنوان «الأئمة الاثنی عشریة» نوشته است که حضرت مهدی (ع) در سنه ۸۷۳ میلادی (که همزمان با ۲۶۰ هجری، آغاز غیبت صغری می باشد) غایب گردیده. ۱۱۰ - خیرالدین بن محمود بن محمد زر کلی دمشقی (۱۳۱۰ - ۱۳۹۶) در «الأعلام» ج ۶ ص ۸۰ چاپ سوم، ضمن فصلی که به نام «محمد بن الحسن العسکری» باز نموده، اعتراف به ولادت آن حضرت کرده است. ۱۱۱ - یونس احمد سامرائی در کتاب «سامراء فی ادب القرن الثالث الهجری» که با همکاری دانشگاه بغداد به سال ۱۹۶۸ میلادی به چاپ رسیده، در ص ۴۶ پیرامون واژه «عسکری» می گوید: «گروهی از شخصیت ها حامل نسبت این کلمه اند، از جمله ابوالحسن علی بن محمد الجواد العسکری و فرزندش حسن بن علی و ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری، و او مهدی منتظر است.» و در پاورقی همین صفحه تصریح به

قَبّه و سرداب غیبت نموده و می گوید: «همانجاست که پندارند مهدی منتظر در آن غیبت نموده.» آنگاه می نویسد: «این سرداب را کثیری از مسلمین در دوره سال زیارت می کنند.» بدین ترتیب گرچه نامبرده تصریح به تاریخ ولادت آن حضرت نکرده است لکن همانرا که دیگران درباره حضرت مهدی (ع) نوشته اند صریحاً و بدون هیچگونه تردیدی نوشته و ولادت آن حضرت را امر مسلمی دانسته است. ۱۱۲ - مستشار عبدالحلیم جندی مصری، معاصر، در کتاب «الامام جعفر الصادق» ص ۲۳۸ چاپ مجلس اعلای شئون اسلامی مصر، ۱۳۹۷. آری، این شخصیت های بزرگ از اهل تسنن بر ولادت حضرت مهدی (ع) تصریح کرده اند؛ و از اینجا می توان گفت که مسأله تولد امام مهدی (ع) از مسلمات گروه عظیمی از علماء اهل تسنن می باشد؛ و کسانی که قائل به تولد او نیستند و می گویند در آینده متولد خواهد شد در اقلیت می باشند.

اعتراف صریح یا ضمنی بیش از یکصد و بیست نفر از علمای سنی به فرزند امام حسن عسکری بودن حضرت مهدی و لوازم آن

همچنانکه در بحث و بررسی پیرامون حسینی بودن حضرت مهدی منتظر خاطر نشان گردید که از طرف محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه (اولین مدعی دروغین مهدویت در اسلام) یا از طرف محمد بن عبدالله منصور دوانیقی (خلیفه عباسی و دومین مدعی دروغین مهدویت) فراز «واسم ابیه اسم ابی» به حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که فرمود: «المهدی اسمه اسم» اضافه شد و تنها در سنن ابی داود و سنن ابن ماجه مندرج گردید، تا مهدی موعود «محمد بن عبدالله» تلقی شود و مهدویت کسی که خود هم نام پیامبر است و پدرش همانم با پدر پیامبر، جا اندازی و قابل قبول گردد و مهدویت «محمد بن الحسن العسکری» از اعقاب و فرزندان حسین بن علی به دست فراموشی سپرده شود. این موضوع

در عین حالی که طبق نظر علمای حدیث شناس سنی ساخته گی بودن آن ثابت و مسلم و شرحش به نظر رسید، تا هم اکنون بین بعض نویسندگان سنی و بخصوص سنی های وهابی مطرح است که می گویند: «مهدی، محمد بن عبدالله است»! اکنون با توجه به تعداد یکصد و دوازده نفر از علما و مورخین نامبرده سنی که هر یک اعتراف کتبی به ولادت حضرت مهدی در سنه ۲۵۵ هجری نموده و همه آنها آن حضرت را بدون شک و تردید بلکه بطور مسلم و قاطعانه فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) (امام یازدهم شیعه) معرفی و اعلام کرده اند. و اضافه بر این عده تعداد چهارده نفر دیگر از اعلام تاریخی سنی در کتاب ارزشمند و پرمایه «دفاع عن الکافی» تألیف آقای سید ثامر هاشم حبیب عمیدی، معرفی شده اند که مجموعاً ۱۲۶ نفر اعتراف به ولادت آن حضرت نموده اند، دیگر جای هیچ گونه حرف و نقلی برای مهدی فرزند امام حسن عسکری بودن، و ساختگی بودن فراز «واسم ابیه اسم ابی» بر جای نمانده که متأسفانه بعد از این همه بحث و گفتگو و نقلیات حدیثی و اعترافی پیرامون فرزند امام عسکری بودن مهدی منتظر، یک سنی متجدد مآب و غرب زده با انکار صاحب فرزند بودن امام حسن عسکری، مشت خیانت خود را باز کند و آبروی خود را به باد دهد. آری دکتر عبدالله غفاری در نوشته های گزارشی خود به عنوان «پروتوکللات آیات قم» - ص ۱۱ چاپ ۱۴۱۱ هجری، ۱۹۹۱ م، - وانمود کرده که تاریخ می گوید امام حسن عسکری در گذشت و فرزندگی بر جای نگذارد و امام مهدی منتظر متولد نشده!

**تعداد صد و پنجاه و دو اثر تألیفی (کتاب، رساله، مقاله) علما و دانشمندان اهل تسنن
درباره حضرت مهدی**

۱ - «إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، فی أحادیث الواردة فی المهدی» یا «المرشد المبدی لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدی». أحمد بن محمد بن صدیق شافعی مغربی (در گذشته ۱۳۴۸). چاپ دمشق و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/۲، ۲۲۳ - «إبراز الوهم من کلام ابن حزم». أحمد بن صدیق بخاری حضرمی (۱۳۸۰). چاپ ۱۳۴۷ مطبوعه ترقی دمشق، در ردّ بر ابن حزم اندلسی (متوفای ۴۵۶) که در کتاب «الفصل بین الالهواء و النحل» از موضوع مهدویت تخطئه و انتقاد نموده و احادیث مهدی منتظر را تضعیف و بی اعتبار وانمود کرده است. ۳ - «اتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعة» شیخ محمود بن عبدالله تویجری. ج اول چاپ اول ۱۳۹۴ چاپخانه الرياض عربستان سعودی. ۴ - «اتحاف الجماعة...». ج ۲ چاپ ۱۳۹۶ ریاض عربستان سعودی. [دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۳] ۵ - «أحادیث أشراط الساعة الصغری». صالح محمد دخیل الله (معاصر). چاپ ۱۴۱۱ دانشگاه اسلامی مدینه در ۶۳۷ صفحه وزیری که بعنوان تز دکترای مؤلف زیر نظر استاد ربیع بن هادی بن عمیر مدخلی تنظیم نموده. [دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۳] ۶ - «أحادیث القاضیه بخروج المهدی». محمد بن اسماعیل امیریمانی. [الاذاعه ابن صدیق قنوجی بخاری ص ۱۱۴] ۷ - «أحادیث المهدی من مسند أحمد بن حنبل (۲۴۱)». استخراج و تنظیم سید محمد جواد حسینی جلالی (معاصر). شامل مقدمه طولانی و ۱۳۶ حدیث از «مسند أحمد حنبل» به ترتیب موضوعی. و چاپ پنجم آن بسال ۱۴۰۹ هـ. وسیله مؤسسه نشر اسلامی قم (جامعه مدرسین) در ۷۸ صفحه وزیری به ضمیمه کتاب «البيان» گنجی شافعی در ۱۷۰ صفحه انجام شده. ۸ - «الأحادیث الواردة بشأن الدجال فی مسند أحمد والصحيحین و السنن الأربع جمعاً و تخريجاً و دراسة لما لم یبین فی الصحيح». أحمد بن عیسی بن هادی عسر. این کتاب رساله فوق لیسانس مؤلف باشد که بسال ۱۴۰۱ زیر نظر استادش سید محمد حکیم در دانشکده

الدراسات العليا دانشگاه مدینه منوره در ۳۱۷ ورقه تنظیم گردیده. [دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۴] توضیحاً کتاب بعنوان دجال تألیف شده ولی چون موضوع آن مربوط به عصر ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و کشته شدنش بدست عمال آن حضرت است در اینجا بذکر آن پرداختیم. ۹- «الأحادیث الواردة فی المهدی، فی المیزان الجرح و التعدیل». عبدالعلیم بن عبدالعظیم هندی (معاصر). بنوشته شیخ عبدالمحسن عباد، این کتاب بعنوان تز دکتر در سال ۱۳۹۸ زیر نظر استادش، دکتر محمد ابوشهبه، درباره حضرت مهدی تألیف، و نسخه خطی آن در بیش از ۶۰۰ صفحه در کتابخانه دانشکده شریعت در دانشگاه ملک عبدالعزیز مکه موجود میباشد. نیز گوید: این کتاب بهترین و گسترده ترین کتاب مرجع پیرامون احادیث حضرت مهدی (علیه السلام) است، که مؤلف بیش از چهار سال در تنظیم آن عمر سپری کرده و احادیث مربوطه را بررسی و صحت و اعتبار و تواتر آنها را اثبات نموده. [مجله جامعه الاسلامیه سال ۱۲ شماره ۴۵ ص ۳۲۳ و مقاله او عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّه» ج ۲ ص ۴۶۵ میباشد.] ۱۰- «أحادیث و کلمات حول الامام المنتظر». سید عبدالله (معاصر). چاپ ۱۴۰۹ هـ انتشارات الهدایه الاسلامیه دبی در ۱۶۸ صفحه رقی. [کتابنامه حضرت مهدی، شماره ۹۳] ۱۱- «الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر». شیخ حمود بن عبدالله حمود تویجری (معاصر). چاپ اول ۱۴۰۳ در عربستان سعودی و چاپ دوم در ۴۲۴ صفحه وزیری وسیله کتابخانه دارالعلیان الحدیثه، برید ریاض. این کتاب در ردّ بر «لا مهدی منتظر بعد الرسول سید البشر» تألیف رئیس دادگاه قطر، شیخ عبدالله بن زید بن محمود که در انکار مهدویت خلاصه، و چاپ شده می باشد. ۱۲- «أحوال صاحب الزمان» (فارسی). محمد بن مؤید جوینی مشهور به سعدالدین حموی (۶۵۰) - پدر مؤلف «فرائد السمطین فی...» سوی خراسانی و نخست مقیم قاسیون دمشق بود و از آن پس به خراسان بازگشت و در خراسان بدرود حیات گفت. این

کتاب بیانگر ۶۰ حدیث پیرامون سیره، غیبت و ظهور حضرت بقیة الله (عج) میباشد، و در «مرآة الاسرار» جامی بعنوان «رسالة فی المهدي المنتظر» ذکر شده. [الانسان الکامل عزیزالدین نسفی، شاگرد مؤلف، چاپ تهران ۳۲۰-۳۲۱؛ کتابنامه حضرت مهدی شماره ۶۶] ۱۳ - «أحوال مهدي آخر الزمان» (فارسی). علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی (۹۷۵). شامل ۶۰ حدیث پیرامون ظهور و علائم ظهور همراه با ترجمه فارسی. نسخه خطی آن در چهار فصل تنظیم و در نعت و نسب و کرامات و نشانه های ظهور و اوضاع جهان در عصر ظهور خلاصه شده. دو نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم ضمن مجموعه های شماره ۵۲۴ و ۹۲۱۵ موجود است و نسخه ای هم در کتابخانه گنج بخش پاکستان ضمن مجموعه ۸۱۲، ۱۴ - «أخبار الدولة فی ظهور المهدي». أحمد بن ابراهیم بن جزار قیروانی (۴۰۰). وی طبیب آفریقائی بود که دهها اثر تألیفی بجای گذاشته و بسال ۴۰۰ در اندلس کشته شد. [هدیة العارفين ۷۰/۱] ۱۵ - «أخبار المهدي» یا «أخبار المهدي المنتظر». عباد بن یعقوب رواجنی أسدی. از شیوخ بخاری و دیگر محدثین همدریف او (أمثال ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، بزار ابن خزیمه) بوده و ارباب رجال و حدیث شناسان همه وثاقت و صداقت او را مورد تأکید قرار داده اند، اما بخاطر شدت محبتش به خاندان رسالت همواره هدف هجوم دشمنان اهل بیت قرار می گرفت. ذهبی پس از نقل وثاقت او از حاکم نیشابوری و ابوحاتم، نقل از ابن خزیمه نموده که گفت از رواجنی شنیدم که می گفت: هر کس همه روزه در نماز خود از دشمنان آل محمد (صلی الله علیه وآله) بیزاری نجوید با آنها محشور خواهد شد. [میزان الاعتدال ۳۷۹/۲؛ سیر أعلام النبلاء ۵۳۷/۱۱] سمعانی پس از تصریح باینکه رواجنی از مشایخ بخاری بوده از او انتقاد می کند که چرا از رسول اکرم روایت نموده که فرمود: «إذا رأیتم معاویة علی منبری فاقتلوه» یعنی وقتی معاویه را بر فراز منبر من دیدید او را بکشید. و چرا از ابوبکر روایت نموده که به

خالد بن ولید دستور داده بود امیر مؤمنان را بکشد سپس پشیمان شد و گفت: «لا تفعل ما أمرتک» یعنی آنچه را به تو دستور دادم انجام نده. (انساب سمعانی ۱۷۰/۶) بدین ترتیب با سنی بودن رواجی - همچنانکه بسیاری از بزرگان رجالیون، امثال شیخ طوسی (فهرست ص ۱۴۹) سروی (معالم العلماء ص ۸۸) ابن داود (رجال ص ۲۹۲) بدان تصریح کرده اند - وی نخستین عالم اهل تسنن بوده که درباره حضرت مهدی کتاب نوشته است. جالب توجه آنکه رواجی در سنه ۲۵۰ هجری در گذشته و قبل از ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) - در سنه ۲۵۵ ه - کتاب «أخبار المهدی» را تنظیم و تألیف نموده. جالب تر آنکه بنوشته ذهبی (میزان الاعتدال ۳۷۹/۲) رواجی شمشیری بالای سرش آویخته بود و چون از او سؤال شد: این شمشیر برای چیست؟ در پاسخ گفت: آنرا آماده کرده ام که با آن همراه حضرت مهدی (با دشمنان) مقاتله و کشتار نمایم. توضیحاً شیخ طوسی از کتاب او «أخبار المهدی» تعبیر نموده ولی زرکلی (الأعلام ۲۵۸/۳) «أخبار المهدی المنتظر» نوشته است. ۱۶ - «أخبار المهدی». بدرالدین، حسن بن محمد صالح نابلسی حنبلی (۷۲۲). ابن حجر در «الدرر و الکامنه» (۱۲۱/۲) نویسد نسخه این کتاب را بخط مؤلف مشاهده نموده و مؤلف در تألیف آن تلاش فراوان ارائه داده. [هدیه العارفین ۷۷۳/۱؛ أعلام زرکلی ۱۷/۵؛ مجله تراثنا شماره ۱ سال اول مقاله علامه سید عبد العزیز طباطبائی] ۱۷ - «أخبار المهدیه». ابوبکر صنهاجی پاریسی (۱۹۲۸). چاپ استان در ۵۲۸ صفحه. [در جستجوی قائم ص ۲۶] ۱۸ - «الاذاعه لما کان و ما یکون بین یدی الساعه». سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (۱۳۰۷). چاپ مؤسسه سعودیه مصر ۱۳۷۹، و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنه» ص ۶۷ - ۱۹، ۱۰۸ - «الأربعون حديثاً فی المهدی». حافظ ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰). مندرج در «عرف الوردی فی أخبار المهدی» سیوطی و در «کشف الغمه» اربلی ج ۳ و «بحار الأنوار» علامه مجلسی ۷۸/۵۱ - ۸۵، ۲۰ - «الأربعون حديثاً فی

المهدی». حافظ ابوالعلاء همدانی، محمد بن عطار (۵۶۹). [ذخایر العقبی طبرانی ص ۱۳۶] ۲۱

– «الأربعون حديثاً في المهدي». سراج الدين محدث بغدادی از اعلام قرن ششم هـ. [اهل البيت في المكتبة العربية علامه طباطبائی شماره ۴۶ ص ۳۲ بنقل از «جامع الاسرار عاملی از اعلام قرن ۸»] ۲۲ – «ارتقاء الغرف». شمس الدين محمد بن عبدالرحمن سخاوی (۹۰۲). [المقاصد الحسنه مؤلف ص ۵۰۹، ذیل «المهدی» بشماره حدیث ۷ و ۱۲؛ كشف الخفاء عجلونی ۲/۲۸۸؛ مقاله شیخ عبدالمحسن عباد در ردّ قاضی قطر، مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنّة» ۲/۴۶۳ به نقل از دو کتاب فوق] ۲۳ – «ارشاد ذوی الافهام لنزول عیسی». مرعی بن یوسف کرمی مقدسی (۱۰۳۳). نسخه خطی آن در پتنه هند موجود میباشد. [کتابنامه حضرت مهدی آقای مهدی پور ص ۷۷-۷۸] ۲۴ – «الاشاعة لأشراط الساعه». تألیف محمد بن عبدالرسول حسینی برزنجی (۱۱۰۳). چاپ ۱۳۷۰ قاهره، مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنّة» ۲۵ – «اشراط الساعه». أبو محمد، عبدالغنی بن عبدالواحد مقدسی جماعیلی حنفی (۶۰۰). متولد جماعیل از توابع نابلس. [النجوم الزاهرة ۶/۱۸۵] ۲۶ – «اشراط الساعه». شیخ أحمد بن فقیه شافعی. [ایضاح المکنون ۱/۸۶] ۲۷ – «اشراط الساعه». شیخ یوسف بن عبدالله بن یوسف وابل. چاپ سوم ۱۴۱۴ هـ از انتشارات ابن جوزی دمام عربستان در ۴۸۴ صفحه وزیری. ۲۸ – «اشراط الساعه الصغری و الکبری». شیخ امین حاج محمد احمد معاصر و استاد دانشگاه ام القری در مکه معظمه. چاپ اول ۱۴۱۲ دار المطبوعات الحدیثه جده عربستان در ۱۴۸ صفحه وزیری. ۲۹ – «اشراط الساعه و أسرارها». شیخ محمد سلامه جبر از علمای اهل سنت و مقیم کویت است. چاپ اول بسال ۱۴۰۱ از طرف شرکت الشعاع کویت و برای دومین بار بسال ۱۴۱۳ دارالسلام، بیروت، در ۱۴۳ صفحه وزیری. این کتاب پیرامون علائم ظهور، خروج دجال، نزول حضرت عیسی، خروج یاجوج و ماجوج، طلوع شمس از مغرب و دیگر نشانه های ظهور حضرت مهدی

خلاصه شده. ۳۰ - «اشراط الساعة و خروج المهدي». علی بن محمد میلی جمالی تونسلی مالکی (۱۲۴۸). نسخه خطی آن در دارالکتب المصریه موجود است و مؤلف هم مقیم مصر بوده. [هدیه العارفين ص ۷۷۳؛ أعلام زرکلی ۱۷/۵] ۳۱ - «الاعلان بما اخبر به النبي من احوال هذا الزمان». محمد ترمترمی بن محمد بن صدیق غماريچاپ ۱۳۵۰ مطبعه مهديه تالوان ترکیه ۳۳ صفحه [دلیل ۴۸۵/۱ کتابنامه حضرت مهدي (عليه السلام) ص ۸۹ شماره ۱۶۸] ۳۲ - «إقامة البرهان على نزول عيسى في آخر الزمان». أبو الفضل، عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادريسی غماری (۱۳۸۰). چاپ عالم الکتب بیروت. ۳۳ - «إقامة البرهان على نزول عيسى في آخر الزمان» (اردو). ترجمه کتاب غماری فوق، که مؤلف خود در صفحه اول مقدمه کتاب «المهدي المنتظر» بدان تصریح نموده، اما بدون ذکر نام مترجم. ۳۴ - «إقامة البرهان في الرد على من أنكر خروج المهدي و الدجال و نزول المسيح في آخر الزمان». حمود بن عبدالله تويجری (معاصر). چ ۱۴۰۵ مکتبه المعارف ریاض، ۳۵ - «امارات الساعة». شاه رفیع الدین، فرزند شاه ولی الله دهلوی. این مقاله ضمن مجله «المنصور» شماره ۱۹ ص ۴۱ بعد بسال ۱۴۱۲ در لاهور انتشار یافته. [کتابنامه حضرت مهدي ص ۹۵] ۳۶ - «امام منتظر» - ترجمه عقیده اهل السنه والثر شیخ عبدالمحسن عبادبقلم مولانا شیخ مسرور حسن [کتابنامه حضرت مهدي (عليه السلام) ص ۱۰۵ شماره ۲۱۳] ۳۷ - «البرهان في علامات مهدي آخر الزمان». جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱). [هدیه العارفين ج ۱ ص ۵۳۶ سطر ۲۰] ۳۸ - «البرهان في علامات مهدي آخر الزمان». علاء الدین علی بن حسام الدین مشهوربه متقی هندی جنپوری (۹۷۵) چاپ ۱۳۹۸ هجری با تحقیق آقای علی اکبر غفاری، نشر شرکت رضوان تهران و چاپ دوم بسال ۱۴۰۸ هجری، ذات السلاسل کویت در دو جلد با تحقیق جاسم بن مهلهل یاسین [دلیل ۴۸۶/۱] ۳۹ - «بقیه الله خير بعد الفناء في السير». عبدالغنی بن اسماعیل حنفی نقشبندی نابلسی دمشق (۱۱۴۳). [ایضاح المکنون

۱/۱۹۱[۴۰] - «البیانات» (اردو). ابوالاعلی مودودی (۱۴۰۰). این کتاب در پنج جلد پاسخگوی پرسشهای اقطار مناطق اسلامی است و بخشی از آن ویژه پرسش از شئون حضرت مهدی میباشد و مجموعاً چاپ و در پاکستان انتشار یافته، و پیرامون صحت احادیث مهدی تأکید نموده. ۴۱ - «البیانات» (ترجمه ترکی) ابوالاعلی مودودی (۱۴۰۰). بخش حضرت مهدی آن در ایام در گذشت مودودی بقلم آقای علی اکبر مهدی پور بزبان ترکی استانبولی ترجمه، چاپ و منتشر گردیده. ۴۲ - «البیانات» (ترجمه عربی) ابوالاعلی مودودی (۱۴۰۰). نیز بخش ویژه حضرت مهدی این کتاب وسیله محمد حداد عاصم به عربی ترجمه و بنام «علامات المهدی» در مجله «المنصور» شماره ۱۹ ص ۳۶-۴۸ در لاهور چاپ و منتشر شده. [کتابنامه حضرت مهدی، آقای مهدی پور ص ۱۸۹-۱۹۰ و ص ۵۲۷] ۴۳ - «البیان فی أخبار صاحب الزمان». ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸). چاپ نجف ضمیمه «کفایة الطالب» مؤلف و چاپ تبریز ضمیمه «غیبت شیخ طوسی» و نیز در بیروت، اصفهان و قم چاپ شده. ۴۴ - «بین یدی الساعة». دکتر عبدالباقی احمد محمد سلامه. چاپ مکتبه المعارف ریاض در ۱۸۲ صفحه وزیری. ۴۵ - «تحذیر النظر فی أخبار الامام المنتظر». محمد بن عبدالعزیز بن مانع نجدی حجازی (۱۳۵۸). نسخه آن در دارالکتب مصر و نیز در دارالکتاب نجف موجود میباشد. [فهرست کتابهای جمع آوری شده در دارالکتاب از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۵ م ۱/۱۲۷ و مقاله شیخ عبدالمحسن بن عباد در مجله دانشگاه مدینه، عدد اول سال ۱۲ شماره ۴۵ ص ۳۱۰ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/۴۵۲] ۴۶ - «تحذیر الاخوان من ادعاء المهديّة آخر الزمان» (عربی). شیخ عثمان بن فودی (۱۸۱۷م). نسخه خطی این کتاب در کتابخانه دانشگاه «بایرو» در نیجریه موجود است. [اخبار التراث العربی شماره ۲۳ ص ۵؛ کتابنامه آقای مهدی پور ص ۲۱۷] ۴۷ - «تحقیق ظهور المهدی». احمد بن عبداللطیف بربر

دمیاطی (۱۲۲۸)، نسخه مخطوط آن در هفت ورقه بخط محمد بن علی بن محمد محموده صفدی مورخه ۱۲۳۲ در آخر مجموعه شماره ۲۳۴ کتابخانه ظاهریه دمشق موجود است. [فهرست مجموعه های کتابخانه ظاهریه ۵۲/۲] ۴۸ - «تعلیق علی محاضرۀ «عقیدۀ اهل السنۀ و الاثر... شیخ عبدالمحسن عباد»». شیخ عبدالعزيز بن عبدالله بن باز که مفتی اعظم دربار عربستان سعودی بود. این مقاله بدنبال «عقیدۀ اهل السنۀ» مؤکداً اعتراف به صحت و تواتر احادیث مهدی منتظر نموده و متن آن در آخر «الامام المهدی عند اهل السنۀ» مندرج است. ۴۹ - «تلخیص البیان فی أخبار مهدی آخر الزمان». علی بن حسام الدین متقی هندی (۹۷۵). چاپ ۱۴۰۱ هـ. دار التبلیغ اسلامی قم، ۲۲ صفحه وزیری با تحقیق دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور. جهت آگاهی بر وجود بیش از بیست نسخه خطی آن در کتابخانه های جهان رجوع شود به مقاله «اهل البيت فی المكتبة العربیة» علامه سید عبدالعزیز طباطبائی در مجله «تراثنا» شماره سوم سال اول ۱۴۰۶. [ایضاح المکنون ۳۱۸/۱؛ هدیة العارفين ۷۴۶/۱] ۵۰ - «تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان». شمس الدین احمد بن سلیمان ابن کمال پاشا حنفی، شیخ الاسلام و مفتی قسطنطنیه (۹۴۰). (هدیة العارفين ۱۴۱/۱) ۵۱ - «تنبيه الوسنان إلى أخبار مهدی آخر الزمان». أحمد نوبی (۱۰۳۷). [معجم المؤلفين كحاله ۱۹۷/۲؛ به نقل از نسخه آلمانی تاریخ الأدب العربی بروکلن ۳۸۵/۲ و ۵۲] ۵۲ - «تنوير الرجال في ظهور المهدی و الدجال». رشید الراشد تاذفی حلبی (معاصر). چاپ شده. [المهدی المنتظر محمد حسن آل یس ۳۳] ۵۳ - «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسیح». محمد بن علی شوکانی صنعانی (۱۲۵۰). [بدر الطالع مؤلف - ذیل شرح حال خودش ۲۲۲/۲ - ؛ الاذاعه... ص ۱۱۳؛ غایة المأمول ۳۲۷/۵؛ فهرس الفهارس ص ۴۰۹؛ عقیدۀ اهل السنۀ و الاثر شیخ عبدالمحسن عباد] این کتاب بیانگر چگونگی تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث پیرامون حضرت

مهدی (علیه السلام) است و استاد ناصر الدین در مقاله «حول المهدی» بنقل از کتاب فوق مینویسد احادیثی که در پیرامون حضرت مهدی بدست ما رسیده و می توان بر آن اعتماد و استناد نمود پنجاه حدیث می باشد که برخی صحیح، برخی حسن، و برخی دیگر ضعیف ترمیم شده میباشد و آنها بدون شک و تردید به حد تواتر رسیده است، و عنوان تواتر بر طبق همه ضوابطی که در کتابهای پایه نوشته شده بر کمتر از آن صدق میکند...» [مجله التمدن الاسلام، شماره ۲۷ - ۲۸ سال ۲۲ ص ۶۴۶] و گویا این کتاب چاپ شده باشد ولی اطلاعی از مشخصات آن بدست نیامد. ۵۴ - «ثلاثة ينتظرهم العالم: عيسى، الدجال و المهدي المنتظر». شیخ عبداللطیف عاشور (معاصر). چاپ ۱۴۰۶، انتشارات ساعی ریاض و انتشارات قران قاهره، ۱۴۴ صفحه وزیری. ۵۵ - «جزء فی ذکر المهدی». ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر دمشقی (۷۷۴). [نهایه مؤلف ص ۱۳۰] ۵۶ - «جزء فی المهدی». أبو حسین، أحمد بن جعفر بن محمد عبدالله بغدادی معروف به ابن منادی (۳۳۶). این کتاب بدست ابن حجر عسقلانی رسیده و او بخشی از آنرا در کتاب «فتح الباری (شرح صحیح بخاری)» آورده، و از جمله در ج ۱۳ ص ۲۱۳، و ابن منادی را کتاب دیگری باشد بنام «الملاحم». ۵۷ - «جزء فی ما ورد فی المهدی». ابن حجر. [فهرس الفهارس و الاثبات ص ۳۳۹] ۵۸ - «جمع الأحادیث الواردة فی المهدی». حافظ أبوبکر بن خيثمه، أحمد بن زهير بن حرب نسائي (۲۷۹). وی شاگرد أحمد حنبل، و مؤلف کتاب «تاریخ الكبير» بوده است که خطیب بغدادی و دارقطنی درباره آن گفته اند: هرگز کتابی پرفائده تر از کتاب تاریخ ابن خيثمه سراغ نداریم. [تاریخ بغداد ۱۶۳/۴؛ الأعلام زر کلی ۱/۱۲۸] ۵۹ - «جمع طرق أحادیث المهدی». ابن عراقی ولی الدین ابوزرعه، احمد بن عبدالرحیم بن حسین کردی رازیانی مصری شافعی (۸۲۶). [ذیل تذکره الحفاظ ذهبی - از ابن فهد مکی - ص ۲۸۸؛ الضوء اللامع سخاوی ۳۳۶ - ۳۳۴، مقاله «الرد علی من کذب بالأحادیث المهدی» شیخ عبدالمحسن

عباد[بنوشته «النجوم الزاهرة» ۱۱۸/۵، او در سنه ۸۲۴ به سمت قاضی القضاة مصر منصوب گردید و در سنه ۸۲۶ در گذشت. ۶۰- «الجواب المقنع المحرر، فی أخبار عیسی و المهدی المنتظر». محمد حبیب اللہ شنقیطی (۱۳۶۳ هـ). این کتاب بنوشته خود مؤلف - در کتاب دیگرش «زاد المسلم» ۴۱/۲ - در ردّ بر ابن خلدون تألیف، و در چهار بخش زیر خلاصه شده است: ۱- مقدمه بیانگر تواتر احادیث حضرت مهدی. ۲- فصل اول در بیان احادیث ویژگیها و اوصاف آن حضرت. ۳- فصل دوم پیرامون نزول حضرت عیسی و اجتماع او با حضرت مهدی. ۴- خاتمه در بیان خروج دجال و پیدایش مهدی های ادعائی و دروغین. مؤلف در مراکش، مدینه، مکه و قاهره بسر میبرده و در دانشگاه الازهر مصر تدریس نموده و در قاهره در گذشته. [کتابنامه حضرت مهدی ص ۲۷۶-۲۷۷] ۶۱- «چاغین بکلد (یغی انسان مهدی)» (ترکی استانبولی). عادل گوک بورون (معاصر). چاپ دوم انتشارات تک یول، استانبول، ۷۷ صفحه رقعی. این کتاب که با مقدمه ای از آقای مصطفی گنج انتشار یافته از غیبت، ظهور، علائم ظهور، نسب و محل ظهور حضرت، و خروج دجال سخن رفته است. [کتابنامه حضرت مهدی ص ۲۸۱] ۶۲- «حاشیة علی «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» - ابن حجر مکی (۹۷۳ هـ). بقلم رضی الدین بن عبد الرحمان بن أحمد بن حجر (نوه مؤلف) (۱۰۴۱). [ایضاح المکنون ۴۲/۲؛ هدیة العارفین ۳۶۹/۱] ۶۳- «حقیقة الخبر عن المهدی المنتظر من الكتاب و السنة». صلاح الدین عبد الحمید هادی (معاصر). چاپ اول ۱۹۸۰ م، کتابخانه تاج، طنطا، مصر، ۹۶ صفحه. ۶۴- «ختم النبوة و ظهور المهدی». ابوالاعلی مودودی (۱۴۰۰). چاپ ۱۳۹۹ هـ لاهور پاکستان. [کتابنامه آقای علی اکبر مهدی پور ص ۳۱۶] ۶۵- «الدر المنضود فی ذکر المهدی الموعود». سید صدیق حسن بن اولاد حسن بن اولاد علی قنوجی. نسخه خطی آن بخط مؤلف در کتابخانه ندوة العلماء در لکهنو هند بشماره ۳۱۱ طبق نقل فهرست آن بشماره ۹۷ موجود است [اهل

البيت في المكتبة العربية، علامه طباطبائی شماره ۳۰۵[۶۶] - «ذكر المهدي الذي يكون في آخر الزمان». ابوالفداء، اسماعيل بن كثير دمشقي (۷۷۴). این موضوع در كتاب «النهاية، أو الفتن و الملاحم» مؤلف ص ۲۴ تا ۳۲ درج و چاپ شده، نیز عیناً در ج ۲ «الامام المهدي عند أهل السنّة» هم مندرج گردیده. ۶۷ - «ذكر المهدي و نعوته و حقیقه مخرجه و ثبوتہ». حافظ أبونعیم أحمد بن عبدالله اصفهانی (۴۳۰). این كتاب مشتمل بر ۱۵۶ حدیث در شئون مختلف امام مهدی منتظر (علیه السلام) است که سید بن طاووس فهرست ابواب آنرا و تعداد روایات هر بابی را در «طرائف» (ص ۱۸۳) ایراد نموده و در دیگر کتابهای خود هم از آن نقل حدیث فرموده. نیز علامه تهرانی در «الذریعه» (ج ۱۰ ص ۳۸) آن را بدینگونه ذکر کرده؛ و در «هدیه العارفين» (۷۵/۵) بعنوان «كتاب المهدي» مطرح شده. ۶۸ - «الردّ علی من حکم و قضی أنّ المهدي الموعود جاء و مضی». علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی جونپوری (۹۷۵) این كتاب در رد محمد بن یوسف جونپوری (متولد ۸۴۷، متوفای ۹۱۰) مدعی دروغین مهدویت است در سنه ۹۰۱ و ۹۰۳ نسخه خطی آن مؤرخه ۹۹۰ ضمن مجموعه شماره ۱۵۱۴ مکتبه رضا رامپور در هند است و نسخه دیگرش بتاریخ قرن یازدهم شماره ۱۹۷۵ بشرح مندرج در فهرستش ۴۶۰/۲. [اهل البيت في المكتبة العربية علامه طباطبائی، بشماره ۳۲۹] ۶۹ - «الردّ علی من حکم و قضی أنّ المهدي الموعود جاء و مضی». نورالدین علی بن محمد هروی حنفی، معروف به ملا علی قاری (۱۰۱۴). نسخه خطی این كتاب در کتابخانه ناصریه لکهنو است و نسخه دیگرش در مکتبه الامام امیرالمؤمنین نجف. [مجله تراثنا شماره ۱۰ مقاله علامه سید عبدالعزیز طباطبائی] ۷۰ - «الردّ علی من کذب بالأحاديث المهدي». مقاله مفصلی است از شیخ عبدالمحسن بن عباد، عضو هیئت تدریسی دانشگاه مدینه که در رد رساله «لا مهدی ینتظر بعد الرسول سید البشر» از شیخ ابن محمود رئیس محاکم شرعی قطر نگاشته، و در مجله دانشگاه مدینه بشماره های ۴۵-۴۶ بچاپ

رسیده و عیناً در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۴۳۷/۲ مندرج شده و به ضمیمه مقاله دیگرش - عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدي المنتظر - بسال ۱۴۰۲ در چاپخانه الرشید مدینه در ۲۲۴ صفحه چاپ و منتشر گردیده. جهت شرح حالش مراجعه شود به «کتابنامه حضرت مهدی» آقای مهدی پور ص ۳۹۰، ۷۱ - «رسالة فی الأحادیث القاضیه بخروج المهدي و انه...». محمد بن اسماعیل امیریمانی صنعانی (۷۵۱). [الاذاعه ص ۱۱۴] ۷۲ - «رسالة فی تحقیق ظهور المهدي». أحمد بن عبداللطیف بربر دمیاطی شافعی (۱۲۲۹/۱۲۲۸/۱۲۲۶). نسخه خطی آن در ضمن مجموعه شماره ۲۳۴ کتابخانه ظاهریه شام موجود است و دو نسخه دیگر نیز در کتابخانه سلیمانیه استانبول بخش حاج محمود افندی به شماره های ۱۹۳۰ و ۲۳۳۰ موجود میباشد. [کتابنامه آقای مهدی پور شماره ۹۴۸ و ۱۰۵۵] ۷۳ - «رسالة فی حق المهدي». نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی حنفی مشهور به ملا علی قاری (۱۰۱۴). نسخه مخطوط آن در کتابخانه بلدییه اسکندریه مصر موجود است. و سه کتاب دیگر هم درباره حضرت مهدی از اوست بنامهای «الرد علی من حکم و قضی أن المهدي جاء و مضی»، «المشرب الوردی فی مذهب المهدي» و «مهدی آل الرسول»، مراجعه شود. ۷۴ - «رسالة فی ردّ من انکر أن عیسی علیه السلام اذا نزل بصلی خلف المهدي صلاة الصبح». جلال الدین سیوطی (۹۱۱). این رساله بعنوان تنبیه در پایان رساله «الاعلام بحکم عیسی علیه السلام» که مندرج در الحاوی للفتاوی (ج ۲ ص ۲۹۷ چاپ ۱۳۷۸ مصر و ص ۱۶۶ چاپ مصر بعد از آن) درج شده و نسخه خطی آن بشماره ۵۹ در کتابخانه مسجد الحرام موجود است. ۷۵ - «رسالة فی المهدي المنتظر». از سعدالدین محمد بن مؤید حموی، معروف به سعدالدین حموی (۶۵۰). (مرآة الأسرار جامی) ۷۶ - «رساله مهديه» (فارسی). شاه نعمت الله ولی (۸۳۴) قطب و بنیانگذار فرقه های صوفیه نعمت اللهی ایران، هند و پاکستان. این رساله ضمن جلد چهارم رساله های او ص

۹۵-۸۹ وسیله خانقاه نعمت‌اللهی تهران بسال ۱۳۴۳ چاپ و منتشر گردیده. و از مهدی منتظر بعنوان «مهدی، محمد بن عبدالله» نامبرده که به همین دلیل شکی در سنی بودنش نیست. ۷۷- «روض وردی فی أخبار المهدی». جعفر بن حسن بن عبدالکریم برزنجی مدنی، مفتی فرقه شافعیه مدینه منوره در گذشته ۱۱۷۹ یا ۱۱۸۴ یا ۱۱۸۷. نسخه خطی آن در کتابخانه ناصریه لکهنو موجود است. [سلک الدرر ۹/۲، هدیة العارفين ۲۵۶/۱، معجم المؤلفين ۱۳۷/۳، اعلام زرکلی ۱۲۳/۲، بروکلن ۳۸۴/۲ اصل المانی، مجله تراثنا شماره ۱۰، مقاله «أهل البيت فی المكتبة العربیة» علامه سید عبدالعزیز طباطبائی] ۷۸- «سید البشر يتحدث عن المهدی المنتظر». شیخ حامد محمود محمد لیمود (معاصر). چاپ مطبه مدنی قاهره، با مقدمه شیخ حسنی مخلوف، مفتی سابق مصر و عضو جمعیت علمای بزرگ الأزهر. [کتابنامه حضرت مهدی ۱۱۱۶] ۷۹- «شرح کتاب المهدی سنن ابی داود». ابن قیّم جوزیه (۷۵۱). این کتاب ضمن «تهذیب السنن» ابی داود تشریح شده و در ذیل «عون المعبود» ج ۱۱ ص ۳۶۱-۳۸۴ چاپ شده. [کتابنامه حضرت مهدی ۱۱۶۱] ۸۰- «صاحب الزّمان». ابوالعبس، محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی، قاضی صیمره (۲۷۵). بنوشته «أعلام زرکلی (۲۹/۶) وی ادیبی ظریف و عالم به نحو و شاعری زبردست و از ندمای متوکل عباسی و معتمدین بنی العباس بود. و بنوشته ابن ندیم وی را کتابی است بنام «صاحب الزّمان» که بنظر آقای خراسان نخستین تألیف و مقدم بر همه تألیفات سنی و شیعه درباره صاحب الزمان مهدی منتظر بوده، ولی رواجی مؤلف «أخبار المهدی» و متوفای ۲۵۰ مقدم بر او بوده؛ هر چند متأسفانه امروز سرنخی از وجود آن در دست نیست. [فهرست ابن ندیم ص ۲۲۳] ۸۱- «صحیح اشراط اساعه». شیخ مصطفی ابونصر شلبی. چاپ ۱۴۱۳ هـ انتشارات سوادى، جدّه، ۴۳۲ صفحه وزیرى. ۸۲- «الصحيح المسند من أحاديث الفتن والملاحم و اشراط الساعة». مصطفی عدوی (معاصر). چاپ ۱۴۱۲ دارالهجرة ریاض، ۵۸۷ صفحه

وزیری. ۸۳- «صفه المهدی». حافظ ابو نعیم اصفهان (۴۳۰). یوسف بن یحیی مقدسی (۶۸۵) در کتاب «عقد الدرر» - که در مصر، بیروت و ایران مکرر چاپ شده - تعداد ۲۹ حدیث از این کتاب نقل کرده است. ۸۴- «ظهور المهدی». جلال الدین سیوطی (۹۱۱). دو نسخه از این کتاب به دو عنوان زیر در استانبول موجود است: ۱- «رسالة فی ظهور المهدی» کتابخانه سلیمانیه، بخش رشید افندی، ضمن مجموعه شماره ۲، ۸۸۳۸۳- «رسالة ظهورات المهدی» همان محل، بخش قصیده چی زاده، ضمن مجموعه شماره ۶۸۱۸۰. [کتابنامه حضرت مهدی ۱۲۴۳] ۸۵- «العرف الوردی فی أخبار المهدی». مشتمل بر «أربعین» حافظ ابو نعیم اصفهانی درباره مهدی منتظر و چند برابر آن احادیث اضافی پیرامون شئون آنحضرت از جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱)؛ چاپ مصر؛ ضمن «الحوای للفتاوی» وی؛ ج ۲ ص ۱۲۳-۱۶۶ و ج ۲ ص ۵۷-۷۶ چاپ دارالکتب العلمیه بیروت ۱۳۹۵ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج ۲، ۸۶- «العرف الوردی فی أخبار المهدی» (ترجمه ترکی کتاب قبل). مترجم مشرف گوزجو (معاصر). چاپ ۱۹۸۶م انتشارات شفق مانیسا، ترکیه. ۸۷- «العرف الوردی فی أخبار المهدی» (نیز ترجمه ترکی کتاب سیوطی). مترجم محمود چلبی. نسخه خطی آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول، بخش قلیج علی پاشا، ضمن مجموعه ۶۸۹۹۷ موجود است. [کتابنامه حضرت مهدی شماره ۱۲۵۶] ۸۸- «العرف الوردی فی دلائل المهدی». ابوالفضل، عبدالرحمن بن مصطفی یمنی حصرمی شافعی اشعری نقشبندی مقیم مصر (۱۱۹۲). نسخه خطی آن در کتابخانه سلطنتی برلن بشماره ۲۷۳۳ موجود است. [هدیه العارفین ۱/۵۴۴؛ مجله تراثنا شماره ۱۶ مقاله آقای سید عبدالعزیز طباطبائی] ۸۹- «العطر الوردی، شرح قصیده «القطر الشهدی، فی اوصاف المهدی - شماره ۵۲-». شیخ محمد بلیسی شافعی (۱۳۱۲هـ). چاپ ۱۳۰۸ بولاق مصر ضمن مجموعه ناظم قصیده و دیگر چاپها و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج ۲، ۹۰-

«عقد الجواهر و الدرر فی علامات ظهور المهدي المنتظر». تألیف ابن حجر. به نقل دکتر عبدالله جبوری در تعلیقات خود بر «غریب الحدیث» ابن قتیبہ ۱۱۷/۱ (در رابطه با نقل ابن قتیبہ حدیث علی (علیه السلام) را پیرامون بودن مهدی منتظر از فرزندان حسین) اما بدون تصریح باینکه ابن حجر عسقلانی است یا هیثمی و اینکه نسخه خطی آن در کجاست. [مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۲۱-۲۲] ۹۱- «عقد الدرر فی أخبار الامام المنتظر». جمال الدین یوسف بن یحیی مقدسی شافعی دمشقی (۶۸۵). چاپ ۱۳۹۹ مکتبه خانجی مصر با تحقیق دکتر عبدالفتاح محمد حلوی، و از آن پس بسال ۱۴۰۰ در تهران افست گردیده و بسال ۱۴۰۳ هم در بیروت تجدید چاپ شده و در مرحله چهارم نیز بسال ۱۴۰۳ در دانشگاه ابن سعود در ریاض و برای پنجمین بار سنه ۱۴۰۵ وسیله مکتبه المنار زرقاء اردن و بعداً در سنه ۱۴۱۶ وسیله مسجد جمکران قم تجدید چاپ شد. ۹۲- «عقد الدرر فی تحقیق القول بالمهدی المنتظر». أحمد بن زینی دحلان (۱۳۰۴). نسخه مخطوط این کتاب در کتابخانه دانشگاه ملک سعود در حجاز موجود است و تاریخ کتابت آن ۱۳۰۴ هـ میباشد. ۹۳- «عقود الدرر فی شأن المهدي المنتظر». نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکی در مکه مکرمه بشماره ۳۰، بخش دهلوی ۱۹۸/۴، فهرست مخطوط کتابخانه ص ۱۴۱؛ اما از نام مؤلف اطلاعی بدست نیامد. [مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۷۸] ۹۴- «عقیده المسیح الدجال». سعید ایوب (معاصر). حدود یک سوم آخر این کتاب ویژه بحث درباره حضرت مهدی و دفاع از عقیده بدان حضرت است. نخست بسال ۱۴۰۹ در قاهره چاپ شده سپس بسال ۱۴۱۱ در بیروت و بعداً در قم. ۹۵- «عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدي المنتظر». مقاله (متن محاضره علمی) شیخ عبدالمحسن بن حمد عباد عضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه است در سنه ۱۳۸۸ که ضمن مجله دانشگاه بشماره ۳ سال اول درج و انتشار یافته، و نیز مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنه» آخرج ۲ میباشد؛ جهت دیگر خصوصیات رجوع شود به

«کتابنامه حضرت مهدی» ص ۵۱۷،۹۶ – «علائم ظهور» (فارسی). علی بن حسام الدین متقی هندی (۹۷۵). رساله مختصری است در علائم ظهور که احادیث مربوطه توسط متقی هندی بفارسی ترجمه شده. نسخه ای از آن در کتابخانه مسجد اعظم قم ضمن مجموعه شماره ۶۳۶ با تاریخ کتابت آن در سنه ۹۷۹ موجود است. ۹۷ – «علامات الساعة الصغری و الکبری». لیلی مبروک. دار المختار الاسلامی قاهره در ۲۰۴ صفحه. ۹۸ – «علامات المهدی» یا «البرهان فی علامه مهدی آخر الزمان». جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱). نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکه بشماره ۳۴ بخش دهلوی موجود است. [مقدمه علامه خراسان بر ینابیع الموده ص ۱۴؛ مجله تراثنا شماره ۲ و شماره ۲۹/۱۶] ۹۹ – «علامات المهدی المنتظر». أحمد بن حجر هیثمی مکی شافعی (۹۷۴). چاپ نشریات مکتبه القرآن للطبع و النشر مصر. [مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۲۹] ۱۰۰ – «علامات مهدی منتظر»، ترکی، ترجمه «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر (۹۷۴). بقلم مشرف گوزجو (معاصر)، ویراستار دکتر سوات آروسان. چاپ اول ۱۹۸۵ م، انتشارات شفق، مانیسار ترکیه، ۹۲ صفحه رقعی. ۱۰۱ – «علامات مهدی آخر الزمان»، ترجمه ترکی استانبولی «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندیقلم مشرف گوزجو (معاصر)، ویراستار دکتر سوات آروسان. چاپ ۱۹۸۶ م، انتشارات گونجه، استانبول، ۹۵ صفحه جیبی. مترجم آن را «آخر زمان مهدی سی نین علامتلی» نامگذاری نموده ۱۰۲ – «عناء مغرب فی معرفه ختم الأولیاء و شمس المغرب». محی الدین ابن عربی (۶۳۸). چاپ مصر (اعلام زر کلی ۲۸۱/۶)، و نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم بشماره ۴۱۰۵ موجود میباشد. ۱۰۳ – «عون المعبود» شرح سنن ابی داود – بخش کتاب المهدی. ابوالطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی (۱۳۲۹ هـ) چاپ مکتبه سلفیه مدینه منوره ج ۱۱ ص ۳۶۱ – ۳۸۴، مندرج در کتاب «الامام المهدی عند اهل السنه». ۱۰۴ – «الفتح الربانی فی الرد علی المهدی

المغربی الوزانی». از حاج صالح بن مهنا الأزهری. چاپ مطبعه تقدم مصر ۱۳۲۷ در ۸۰ صفحه. [معجم المطبوعات ص ۱۱۸۳] ۱۰۵ - «فتح المنان - شرح «قصيدة الفوز و الأمان» شیخ بهائی -». شهاب الدین أحمد بن عدوی دمشقی مشهور به منینی (۱۱۷۳). چاپ حدود ۱۲۲۰ قاهره، نیز ضمیمه «تلخیص کشکول شیخ بهائی» بطور مکرر از جمله سال ۱۲۸۸ در قاهره تجدید چاپ شده. ۱۰۶ - «الفتوی فی مسألة المهدي المنتظر» (مقاله پیرامون پاسخ به سؤال). بقلم شیخ محمد منتصر کتانی در مجله رابطه العالم الاسلامی مکه، در پاسخ به پرسش یک مسلمان کنیائی از تاریخ و محل ظهور و قیام حضرت مهدی نوشته، و مندرج در مقدمه علامه خرسان بر «البيان فی أخبار صاحب الزمان» گنجی چاپ ۱۳۹۹ بیروت ص ۷۶-۷۹ میباشد. نیز ترجمه فارسی آن مندرج در «مهدی انقلابی بزرگ» آقای مکارم شیرازی ص ۱۴۶-۱۵۵. و ترجمه لاتینش هم از مرکز اسلامی استانبول انتشار یافته. [در جستجوی قائم، کتاب شماره ۲۵۸] ۱۰۷ - «فتاوی علماء العرب من اهل مكة المشرفة، فی شأن المهدي الموعود فی آخر الزمان». این رساله بیانگر متون فتوایی چهارنفر از علمای سنی در اثبات مهدویت حضرت مهدی منتظر و رد منکرین او تا سر حد تکفیر و اعدام آنها می باشد که باب سیزدهم کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندی (متوفای ۹۷۵) بذکر آن اختصاص یافته و در سنه ۱۳۹۹ در قم و دیگر محل ها چاپ شده است. ۱۰۸ - «فرائد فوائد الفکر فی إمام المهدي المنتظر». شیخ مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (۱۰۳۳). [أعلام زرکلی ۲۰۳/۷؛ ایضاح المکنون ۱۸۳/۲؛ هدیة العارفين ۴۲۷/۲؛ مجله تراثنا شماره ۱۷ ص ۱۰۸-۱۰۹ تعداد چهار نسخه خطی آن بقلم علامه سید عبدالعزیز طباطبائی معرفی شده] ۱۰۹ - «الفواصم عن الفتن القواصم» (در شرح حال مهدی منتظر). علی بن ابراهیم حلبی (۱۰۴۴). [سیره الحلبیه مؤلف ۲۲۷/۱] ۱۱۰ - «قصيدة فی المهدي». محی الدین محمد بن علی طائی اندلسی معروف به ابن عربی (۶۳۸). در ۸۳ بیت

است که با بیت: خلیلی إنی للشریعه حافظ و لکن لها سرّ علی عینه غطا آغاز و با بیت: و صاحب آیات عظیم جلاله تتوجّ بالجوزاء و انتعل السّہاپایان میابد، و بدنبال آن فصلی باشد درباره زادگاه آن حضرت و نسب و محل سکونتش و آنچه مربوط به امر اوست. نسخه آن در دارالکتب ظاہریہ دمشق بشماره ۶۸۲۴ ورقه ۷۲-۷۵ مییابد. [مجله تراثنا شماره ۱۸ مقاله «اهل البيت في المكتبة العربية» ص ۹۳] ۱۱۱ - «القطر الشهدي في اوصاف المهدي» (منظومه لامیہ). شہاب الدین أحمد حلوانی شافعی (۱۳۰۸). این منظومه با شرحش بنام «العطر الوردی فی...» سنہ ۱۳۰۸ در بولاق مصر بچاپ رسیدہ و بار دیگر بسال ۱۳۴۵ ضمیمہ کتاب «فتح رب الأرباب» در مطبعہ معاهد مصر چاپ آن تجدید شد. و عیناً با شرحش در «الامام المہدی عند أهل السنّہ» ج ۲ ص ۱۰۹-۱۵۳ مندرج و بسال ۱۴۰۲ چاپ شد. نیز مراجعہ شود بہ «ایضاح المکنون» ۲/۲۳۴، ہدیۃ العارفین ۱/۱۹۲، معجم المطبوعات ۷۹۲ و ۱۶۴۲؛ و مجلہ تراثنا شماره ۱۸ ص ۹۴ مقالہ علامہ سیّد عبدالعزیز طباطبائی. ۱۱۲ - «القناعۃ فی ما تحصن الاحاطہ بہ من اشراط الساعۃ»، حافظ ابوالخیر محمد بن عبدالرحمن سخاوی (۹۰۲) چاپ ۱۴۰۶ مکتبۃ القران قاہرہ و مکتبۃ الساعی ریاض، ۹۶ صفحہ وزیری [الضوء اللامع مؤلف ۱۸/۸] ۱۱۳ - «القول الفصل فی المہدی المنتظر». شیخ عبداللہ حجاج. چاپ دار العلوم للطباعۃ مصر. ۱۱۴ - «القول المختصر فی علامات المہدی المنتظر». شہاب الدین أحمد بن حجر ہیثمی مکی (۹۷۴). [فتاوی الحدیثہ مؤلف ص ۳۱؛ فہرس الفہارس ۱/۲۵۱؛ الاشاعہ برزنجی ص ۹۰؛ و دیگر مصادر مربوطہ فراون]. توضیحاً علامہ سیّد عبدالعزیز طباطبائی در مقالہ «اهل البيت في المكتبة العربية» نشر مجلہ تراثنا شماره ۱۸ ص ۹۸-۱۰۰ تعداد سی نسخہ خطی آنرا با آدرس محل ہریک معرفی نمودہ، نیز نوشتہ است در اسلامبول نسخہ مکتبۃ بایزید از طریق تصویر با ترجمہ آن بہ لغت ترکی و حروف لاتین چاپ شدہ. نیز بنوشتہ آقای مہدی پور وسیلہ مکتبۃ القران در قاہرہ در ۸۸ صفحہ وزیری

بدون تاریخ چاپ شده، مقدمه این کتاب بیانگر صریح تواتر احادیث حضرت مهدی و فصل اولش شامل ۶۳ حدیث از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و فصل دومش ۳۹ حدیث از صحابه و فصل سومش ۵۶ حدیث از تابعین میباشد. در پایان مباحث گوناگونی را در این زمینه مطرح و بررسی نموده که با تحقیقات مصطفی عاشور بر اساس دو نسخه دار الکتب قاهره چاپ و انتشار یافته است. بار دیگر توسط استاد محمد زینهم محمد تحقیق و در ۱۰۹ صفحه در تاریخ ۱۴۰۷ از طرف دارالصحوة قاهره چاپ و منتشر گردیده. جهت آگاهی بر مشخصات پنج نسخه خطی اضافه بر نسخ معرفی شده از جانب آقای طباطبائی مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی ص ۵۷۹. جهت آگاهی بر تلخیص و حاشیه بر آن وسیله نوادگان مؤلف به «حاشیه» و «مختصر القول» مراجعه شود. ۱۱۵ - «کتاب الغیبه». حافظ أحمد بن محمد بن سعید همدانی معروف به ابن عقده (۳۳۳). مؤلف زیدی و مورد اعتماد اهل تسنن و مطرح شده در مصادر رجالی و حدیثی آنها، أمثال «تاریخ بغداد» خطیب ۱۴/۵-۲۳، «تذکره الحفاظ» ذهبی ۳/۸۳۹ شماره ۸۲۰ است، همچنانکه نعمانی شیعی در مقدمه «کتاب الغیبه» خود از آن نام برده و بطور فراوان هم از آن نقل روایت میکند. ۱۱۶ - «کتاب فی الامام المهدی». أبو العلاء، ادريس بن محمد بن ادريس فاسی عراقی (۱۱۸۳). [نظم المتناصر کتانی ص ۲۲۶ شماره ۲۸۹] ۱۱۷ - «کتاب المهدی». یکی از کتابها و بخش های جلد دوم «سنن المصطفی» ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۵۷) است که ویژه احادیث مهدی منتظر و عیناً در «الامام المهدی عند أهل السنه» ج ۱ ص ۳۷ درج گردیده. ۱۱۸ - «مختصر الأخبار المشاعه فی الفتن و اشرط الساعه و أخبار المهدی». شیخ عبدالله بن سلیمان مشعل (معاصر). چاپ ۱۴۰۵ مطابع الرياض عربستان سعودی در ۴۴۹ صفحه. ۱۱۹ - «مختصر القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» - ابن حجر هیثمی - رضی الدین بن عبدالرحمن، نواده مؤلف و در گذشته (۱۰۷۱). [هدیه

العارفين ۱/۳۶۹ [۱۲۰] - «مرآة الفكر في المهدي المنتظر». شيخ مرعي بن يوسف كرمي مقدسي حنبلي (۱۰۳۳). [ايضاح المكنون ۲/۴۶۲; هدية العارفين ۲/۴۲۷] ۱۲۱ - «مسألة في الغيبة». قاضي عبد الجبار بن أحمد همداني معتزلي (۴۱۵). وی بفرمان صاحب بن عباد در محرم ۳۶۷ به سمت قاضي القضاتي شهرهای ری، قزوین، ابهر، زنجان، قم، دماوند و سهرورد منصوب شد. نسخه خطی این رساله در کتابخانه واتیکان به شماره ۱۲۰۸ موجود است. [کتابنامه حضرت مهدی، ص ۱۶۴۱] ۱۲۲ - «مسئله مهدویت» (ترکی). اسماعیل حقی از میری حنفی (۱۳۳۰ هـ). این رساله بیانگر یک بحث کلامی پیرامون عقیده به مهدویت می باشد که در آن به بیست حدیث استناد شده و برخی از آنها مورد انتقاد قرار گرفته است. در مجله هفتگی «سبیل الرشاد» شماره ۲۸۵ سال ۱۳ بتاریخ ۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۲ هـ در عهد خلافت عثمانی در استانبول منتشر گردیده. مؤلف از اهالی مناستر، مقیم استانبول، واعظ مسجد ایاصوفیا و عضو مجلس سنا بود که در ذیحجه ۱۳۳۰ هـ در گذشت. [معجم المؤلفین ۲/۲۶۶]; کتابنامه حضرت مهدی، ص ۶۴۲ [۱۲۳] - «مشاهدة الآيات في اشراط الساعة و ظهور الآيات». محمد بن مؤید حموینی (۶۰۵) وی پدر مؤلف «فرائد السمطين» ابراهیم بن محمد بوده که در کتاب نامبرده (ج ۲ ص ۳۰۸) آنرا دوباره از پدرش نقل کرده. ۱۲۴ - «المشرب الوردی فی مذهب المهدي» یا «المورد الوردی فی حقیقه المهدي». نورالدین علی بن محمد هروی حنفی معروف به ملاعلی قاری (۱۰۱۴)، صاحب «مرقاة فی شرح المشکوة». این کتاب در ردّ بر فرقه مهدیه هند - پیروان سید محمد جونپوری هندی - است و بیانگر شرح حال و علامات مفصل مهدی موعود اسلام از روی احادیث صحیحه (همانند کتاب شماره ۵۹). چاپ سنگی قدیم در اسلامبول و نیز چاپ مطبوعه محمد شاهین در سنه ۱۲۷۸ هـ در قاهره. [تحفة إثني عشریة دهلوی ص ۴۵; الاذاعة ص ۱۶۳; معجم المطبوعات ۱۷۹۴]; مجله تراثنا شماره ۲۰ بیانگر آدرس های پانزده نسخه خطی آن و مشخصات هر یک

می باشد. [۱۲۵] – «مشرق الاکوان». سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴). نسخه مخطوط آن در کتابخانه پرفسور عبدالباقی گلپنارلی در قونیه موجود می باشد. [الغدیر علامه امینی ج ۱ ص ۱۴۷، کتابنامه حضرت مهدی ص ۶۴۸ بنقل از چند مورد از مندرجات ینابیع الموده او درباره حضرت مهدی] ۱۲۶ – «مناقب المهدی». حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰). از نسخه آن اطلاعی بدست نیامد، اما حافظ گنجی شافعی در «البيان فی أخبار صاحب الزمان» تعداد پانزده حدیث، و یوسف بن یحیی مقدسی شافعی در «عقد الدرر» تعداد سیزده حدیث از آن نقل کرده اند. نیز کتابهای دیگر از مؤلف بنام «أربعون حدیثاً»، «صفه المهدی»، «کتاب المهدی» و «نعت المهدی»، در این مقال آورده ایم. ۱۲۷ – «المهدی» یا «رسالة فی المهدی». محمد بن اسحاق، صدرالدین قونوی صوفی شافعی (۶۷۳). موجود در کتابخانه ایاصوفیا بشماره ۴۸۴۹. [فهرست تحلیلی کتب عربی منتشر شده در مصر از قنواتی بشماره ۲۵۴ و الذریعه ۲۳/۲۹۰ بنقل از ارگین بشماره ۱۹۸] ۱۲۸ – «المهدی». تألیف شمس الدین ابن قیم جوزیه (۷۵۱). [مقدمه ینابیع الموده بقلم علامه سید مهدی خرسان ص ۱۸] ۱۲۹ – «مهدی آل الرسول». نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی مشهور به ملا علی قاری (۱۰۱۴). نخستین چاپ آن در ۴۰ صفحه جیبی بی تاریخ است. جهت آگاهی بر تعداد هشت نسخه خطی آن در کتابخانه های ترکیه مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی، ص ۱۳۰، ۷۰۰ – «المهدی إلی ما ورد فی المهدی». شمس الدین محمد بن علی بن محمد مشهور به ابن طولون دمشقی صالحی حنفی (۹۵۳). [الأئمة الاثنی عشر مؤلف، مندرج در الامام المهدی عند اهل سنه ۴۰۳/۲] ۱۳۱ – «المهدی» (رسالة فی...) «ملا احمد بن حیدر ماورانی از قراء شقلاوه عراق شمالی (۱۰۷۰). نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه صلاح الدین در بخش شمال عراق بشماره ۳/۴۱۹ مذکور در فهرست چاپ شده آن در ۱۴۰۸، ص ۲۸۸ [اهل البيت فی المكتبة العربیة علامه طباطبائی شماره ۷۸ ص ۶۲۹] ۱۳۲ –

«المهدى» (رسالة فى ...) ادريس بن محمد حمدون عراقى فاسى (١١٨٣) [فهرس الفهارس و
الاثبات ١٩٩/٢، اليواقيت الثمينه ٩٦/١، سلوه الانفاس ص ١٤١] ١٣٣ - «المهدى» (رسالة
فى ...) جعفر بن حسن بن عبدالكريم بن محمد بن عبدالرسول برزنجى مدنى (١١٨٧) [اهل
البيت فى المكتبة العربيه علامه طباطباى شماره ٧٨٣] ١٣٤ - «المهدى حقيقه لخرافه». محمد
بن أحمد بن اسماعيل (معاصر). چاپ چهارم كتابخانه تربيت اسلامى هلند در ١٤١١هـ در
٢٤٠ صفحه. اين كتاب مشتمل بر احاديث مهدويت و بيانگر تواتر آنها، و صفات حضرت
مهدى، راويان، ناقلان و مؤلفان درباره احاديث مهدى منتظر، اعتراف دانشمندان و رد بر
مهديهائى ادعائى دروغين، علائم ظهور و اشراط ساعت است كه مؤلف از منابع دست اول
و مورد اعتماد اهل تسنن آنرا نگاهشته، و خود هم از علمائى سننى است. و اين كتاب را بسال
١٤٠٠ در مصر تأليف نموده و بعنوان چهارمين دفعه نيز در مصر تجديد چاپ شده. [كتابنامه
حضرت مهدى ص ٧٠٤-٧٠٥] ١٣٥ - «المهدى المنتظر». ابراهيم مشوخيصادر شده از
مطبوعات مكتبة المنار در اردن [اهل البيت فى المكتبة العربيه، شماره ٧٨٩ ص ٦٣١] ١٣٦ -
«المهدى المنتظر» (رسالة فى ...) شيخ عبدالحق بن سيف الدين بن سعدالله دهلوى حنفى
بخارى (١٠٥٢). [فهرس الفهارس و الاثبات، عبدالحى كتانى ١٢٥/٢، كشف الأستار حاجى
نورى ص ٣٠] ١٣٧ - «المهدى المنتظر». سيد ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صديق حسينى
ادريسى غمارى (١٣٨٠) برادر مؤلف «ابراز الوهم المكنون فى رد ابن خلدون». مشتمل بر
يكصد و دو حديث بواسطه سى و سه نفر از صحابه و پنج نفر تابعين، در رد منكرين
احاديث مهدى و اثبات تواتر آن. چاپ عالم الكتب بيروت ١٤٠٥هـ - ١٩٨٤ م. ١٣٨ -
«المهدى المنتظر بين الحقيقه و الخرافه». عبدالقادر احمد عطا. چاپ ١٤٠٠هـ دار العلوم
للطباعة قاهره ١٣٩ - «المهدى المنتظر فى الميزان». عبدالمعطى بن عبدالمقصود. چ دار النشر
للتقافه، اسكندريه مصر ١٤٠ - «المهدى و اشراط الساعة». شيخ محمد على صابونى. بار اول

بسال ۱۴۰۱ هـ وسیله مکتبه الغزالی دمشق و بار دوم بسال ۱۴۱۰ هـ وسیله شرکه الشهاب
الجزایر به چاپ رسید. ۱۴۱ - «المهدی و المهدویة فی الاسلام». عبدالرزاق بن رشید
الحصان (۱۳۸۴). [الأعلام زر کلی ۳/۳۵۲ بنقل از معجم المؤلفین العراقيین ۲/۲۵۹] ۱۴۲ -
«المیمیة فی ظهور صاحب الزمان». محمد بن علی بن محمد طائی مشهور به محی الدین ابن
عربی (۶۳۸). برخی از اشعارش را قندوزی در «ینابیع الموده» آورده است، و شرحش بنام
«بیان الحق» از مؤلفین شیعه می باشد. ۱۴۳ - «نبذة من علامات المهدی». جلال الدین
عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱). چند نسخه خطی ازین کتاب در کتابخانه سلطنتی برلین موجود
است. [در جستجوی قائم ص ۷۲ و ۴۰۶] ۱۴۴ - «النجم الثاقب فی بیان أن المهدی من اولاد
علی بن أبی طالب». شمس الدین محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن علی بهسینی عقیلی
خلوتی شافعی (۱۰۰۱). نسخه مخطوط آن - ۷۸ صفحه - در کتابخانه لاله لی سلیمانیه
اسلامبول بشماره ۶۷۹ موجود است. و در تاریخ ۱۲۱۷ از طرف سلطان سلیم به کتابخانه
یادشده اهداء گردیده است. و نسخه دیگرش در کتابخانه بیازید استانبول به شماره ۲۹۸۶
موجود می باشد و در ۱۷ ذیقعه ۹۹۷ در عهد مؤلف استنساخ گردید [کتابنامه حضرت
مهدی ص ۷۴۵ - ۷۴۶] ۱۴۵ - «النزهة». ولی الله دهلوی، پدر عبدالعزیز مؤلف «تحفة الاثنی
عشریة» (۱۱۷۲). [کشف الأستار حاجی نوری ص ۳۴] ۱۴۶ - «نظرة فی أحادیث المهدی»
(در قالب مقاله). شیخ محمد خضر حسین، استاد دانشکده اصول الدین مصر (۱۳۷۷). ضمن
«مجله الهدایة الاسلامیة» بسال ۱۳۶۹ و بعداً در «مجله التمدن الاسلامی» سوریه در محرم
۱۳۷۰ ضمن شماره های ۳۵ و ۳۶ چاپ و منتشر گردیده، نیز مندرج در «الامام المهدی عند
أهل السنّة» ۲/۲۱۰ می باشد. ۱۴۷ - «نظریة الامامة». دکتر احمد محمود صبحی. شامل بحث
امامت کلی و از آن پس امامت حضرت مهدی و چگونگی بهره برداری از وجود آن
حضرت. [در جستجوی قائم ص ۷۳] ۱۴۸ - «النوافح القریبة الکاشفة عن خصائص الذات

المهدية». قطب الدين مصطفى بن كمال الدين بکری دمشقى صوفى حنفى (۱۱۶۲). [هدية العارفين ۲/۴۵۰; ايضاح المكنون ۲/۶۸۲] ۱۴۹ – «الوعاء المختوم فى السرّ المكتوم، فى أخبار المهدي». محى الدين محمد بن على عربى اندلسى (۶۳۸). [هدية العارفين ۲/۱۲۱] ۱۵۰ – «الوهم المكنون فى الرد على ابن خلدون». ابوالعباس بن عبدالمؤمن مغربى. چاپ شده. [متن فتوائى شيخ محمد منتصر كتانى، مفتى فقه اسلامى مكه، مندرج در آخر رساله «أحاديث المهدي من مسند أحمد حنبل» ص ۱۶۳] ۱۵۱ – «الهدية المهدوية» (بزبان اردو). ابوالرجاء محمد هندى حيدرآبادى (۱۲۹۰). در ردّ بر جونپورى مدعى مهدويت، و اثبات مشخصات حضرت مهدى منتظر است از گاه ولادت تا پايان عمر از دیدگاه حديث. [الاذاعة ص ۹۱] ۱۵۲ – «الهدية النديّة للأمة المحمّديّة، فيما جاء فى فضل الذات المهدية» مؤلف كتاب النوافح القريبه شماره ۱۳۷ [ايضاح المكنون ۲/۷۲۸; هديه العارفين ۲/۴۵۰] [الأعلام زرکلى ۳/۳۵۲ بنقل از معجم المؤلفين العراقيين ۲/۲۵۹]

مدعيان دروغين مهدويت و كسانيكه كه بدروغ نسبت مهدويت بدانها داده شده

همانطوريكه كمابيش بنظر خوانندگان رسیده و مصادر تاريخى و غيرتاريخى بيانگر شرح تفصيلى آنست كه از آغاز بنيانگذاري اسلام تاكنون پيوسته افرادى با فريب و آلت دست قراردادن گروههاى از عوام، از روى دشمنى به روياروىى اسلام برخواسته و با قتل و غارت و هرج و مرج و اسارت و زندانى نمودن مسلمانان، و ضديت با احكام اسلام و تكيه زدن بر كرسى رياست، چند صباحى خودنمائى نموده و بالاخره به زباله دان تاريخ گسيل شده و مى شوند و نمونه آنها – كه خود آلت دست استعمارگران خارجى يهودى و مسيحى و عامل اجرائى اهداف شوم آنها بودند – رضا شاه پهلوى در ايران و كمال اتاترك در تركيه و جمال عبدالناصر در مصر و صدام تكريتى در عراق و ديگران در ديگر مناطق مسلمان

نشین بوده و می باشند. افرادی هم به هوای ریاست از طریق سوءاستفاده از احادیث مربوط به مهدی موعود و تحریف آنها و فریب دادن افراد ساده لوح زودباور را به دعوی مهدویت و مقام امامت برخاستند و بدون آنکه قیام آنها نشانگر سرنخی از مقام امامت یا مقرون به کوچکترین علامت از علائم ظهور مهدی موعود باشد، یا کمترین درجه از برقراری قسط و عدل جهانی (مورد وعده پیامبر بدست حضرت مهدی) را ارائه دهند - بلکه مردم را دچار تفرقه و جدائی از اسلام کردند - چند روزی خود را به عنوان مهدی موعود منتظر جا اندازی و قلمداد نمودند، اما بالاخره مشت خیانت آنها هم باز شد و ادعای دروغین و بی محتوایشان کشف و آنها هم پس از چندی به زباله دان تاریخ رهسپار شدند. همچنانکه عده ای هم با زمینه سازی مرحله به مرحله مقام امامت و عنوان مهدی منتظر نخست دعوی بابت از ناحیه مهدی حقیقی می کردند و همینکه افراد و گروههایی فریب خورده بدانها می گرویدند، دعوی مهدویت را مطرح و گسترش می دادند. افراد و گروههایی هم بر اثر برخورد به اخباریکه از ناحیه خبرگذاران صادق امین درباره مهدی موعود و اسلام بدانها رسیده بود و از نظر فراوانی بدان درجه برای آنان یقینی شده و دماغشان آماده برای پرورش اینگونه افکار گردیده بود، که بسا نسبت مهدویت را به کسی که او خود چنین دعوائی نداشت و از این دعوی بیزاری می جست می دادند. اکنون برای روشن شدن مطلب نام بعضی از مدعیان دروغین مهدویت یا غیر مدعیان مورد نسبت را بطور فهرست بنظر خوانندگان میرسانیم و علاقمندان به آگاهی بر مشخصات تفصیلی هریک را به مصادر مربوطه ارجاع میدهم: ۱- امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که فرقه سبائیّه، پیروان عبدالله بن سبا (که بموجب اثر تألیفی علامه محقق عسکری اصل وجودش ساختگی و بدور از حقیقت و واقعیت بوده) حضرتش را مهدی خواندند و پنداشتند کشته نشده و تا آخر الزمان باقی است و خروج میکند [۱۶]. ۲- محمد بن حنفیه، که فرقه

کیسانیه پنداشتند وی بعد از حسین بن علی امام و همان مهدی موعود است و در کوه رضوی بسر میبرد و از آنجا ظهور و قیام نماید [۱۷]، بدون آنکه او چنین ادعائی کرده باشد. ۳- محمد بن عبدالله محض بن حسن بن حسن بن علی، معروف به نفس زکیه که پاره ای از جارودیّه وی را مهدی دانسته و در سنه ۱۴۵هـ از مدینه به مهدویت برخواست و بدسیسه منصور دوانیقی کشته شد [۱۸]. ۴- ابو جعفر محمد بن عبدالله فرزند منصور دوانیقی که خود منصور هم از روی رقابت با نفس زکیه مردم را دعوت به مهدویت او می کرد [۱۹]. ۵- عمر بن عبدالعزیز یکی از خلفای اموی که سعید بن مسیب قائل به مهدویت او شد [۲۰]. ۶- ابو مسلم خراسانی که پاره ای از فرقه «خرمیه» پیروان اتابک خرّمی پنداشتند او همان کسی باشد که باید زمین را پر از عدل و داد کند و کشته شدنش را بدست منصور دوانیقی تکذیب نمودند و بانتظار ظهورش بسر می بردند [۲۱]. ۷- امام جعفر بن محمد الصادق (امام ششم شیعیان) که ناووسیه معتقد به مهدویت آن حضرت شدند [۲۲]، اما اصل مقام امامت حضرتش را بدست فراموشی سپردند. ۸- محمد بن قاسم بن عمر بن علی بن الحسین که جارودیه زیدیه به مهدویت او گرایش جستند و در ایام معتصم در طالقان قیام نمود و کشته شد و آنها پنداشتند کشته نشده و بعد از این ظهور خواهد کرد [۲۳]. ۹- امام موسی بن جعفر (امام هفتم شیعیان) که فرقه واقفیه قائل به مهدویت آن حضرت شدند [۲۴]. ۱۰- محمد بن علی عسکری، برادر امام حسن عسکری، که طایفه محمدیه بعد از وفات آن حضرت قائل به امامت و مهدویت وی گردیدند [۲۵]. ۱۱- امام حسن عسکری (امام یازدهم شیعیان) که گروهی اعتقاد به مهدویت حضرتش پیدا کردند [۲۶]. ۱۲- جعفر بن علی برادر دیگر امام حسن عسکری که عده ای قائل به امامت و مهدویت او گردیدند و خود نیز مدعی مهدویت بود [۲۷]. ۱۳- عبدالله بن معاویه بن عبدالله جعفر بن ابی طالب که عده ای از مردم وی را مهدی دانسته و گفتند وی زنده

است و در کوههای اصفهان بسر می برد و البته ظاهر خواهد شد، و او همان کسی بود که در ایام حکومت مروان بن محمد در فارس قیام کرد و ابومسلم پس از مدتی که او را زندانی کرده بود بکشت [۲۸]. ۱۴- یحیی بن عمر از اعقاب زید بن علی که در ایام مستعین بالله خلیفه عباسی سنه ۲۵۹ در کوفه قیام کرد، پس او را کشتند و سرش را از تن جدا نمودند و بعضی جارودیه قائل به مهدی منتظر بودن او بودند [۲۹]. ۱۵- موسی بن طلحه بن عبدالله که در زمان مختار بن ابی عبیده در بصره قیام کرد و عده ای بعنوان مهدویت بدو گرویدند [۳۰]. ۱۶- عبدالله مهدی بود که بنوشته قرمانی: خود را فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا - یعنی فرزند امام حسن عسکری امام یازدهم شیعیان معرفی کرد. و بنوشته فخری بعنوان ابومحمد عبیدالله بن احمد بن اسماعیل از اعقاب امام جعفر معرفی نمود. و بنوشته دیگران رشته نسبش غیر از دو رشته مذکور است و بطور خلاصه در اصل ارتباطش با سادات و بر فرض ثبوتش در چگونگی آن اختلاف شدید است. وی در سنه ۲۹۷ هـ بعنوان مهدویت از افریقا پیا خواست و دولت فاطمیین را تشکیل داد که پس از گذشتن ۲۷۰ سال منقرض گردید. هم او بود که شهر مهدیه را در یکی از سواحل تونس برقرار کرد و هم اکنون پرچم فرانسه بر فراز آن در اهتزاز است [۳۱]. ۱۷- محمد بن عبدالله بن تومرت علوی حسنی معروف به مهدی هرغی از قبیله مصامده که در جبال اطلس مراکش سکونت داشتند، در سال ۴۹۷ هـ به مهدویت برخاست و تشکیل سلسله «الموحدین» را داد و بر اسپانیا استیلا و تسلط یافت [۳۲]. ۱۸- الناصر لدین الله که از جمله خلفای عباسی و متولد حدود سنه ۵۵۰ هـ بود، سبط ابن تعاویذی وی را بعنوان مهدی منتظر بودن بدین دو شعر ستوده: انت الامام المهدی لیس لنا امام حق سواک ينتظر تبدو لبصارنا خلاقاً لان یزعم ان الامام منتظر [۳۳]. ۱۹- مردی به نام عباس فاطمی در پایان قرن هفتم بین ۶۹۰ و ۷۰۰ در میان غمازه خروج کرد و مدعی شد

فاطمی منتظر است و جمعیت انبوهی از غمازه براو گرد آمدند و در پایان امر کشته شد [۳۴]. ۲۰- شخصی که معروف به تویزری منسوب به تویزر از نحله صوفیه بود از رباط ماسه خروج کرد و مدعی مهدی فاطمی بودن شد و بسیاری از اهل سوس و غیره بدو گرویدند و کارش آنچنان بالا گرفت که سران مصامده ترسیدند و او را کشتند. این قضیه در آغاز قرن هشتم - در عصر سلطان یوسف بن یعقوب - بوقوع پیوست [۳۵]. ۲۱- اسحاق سبتی زوی بود که در دوران سلطنت سلطان محمد چهارم از سلاطین عثمانی بسال ۹۸۶ هـ به امر مهدویت قیام کرد و اصولا ترک و از اهالی از میر بود [۳۶]. ۲۲- شخصی بود که در سنه ۱۲۱۹ هـ در مصر قیام به مهدویت نمود و اصولا زاده طرابلس بود و طولی نکشید با لشکری که از فرانسه آمده بود بجنگید و با عده ای از هواخواهان خود کشته شد [۳۷]. ۲۳- محمد احمد بود که در سال ۱۲۶۰ هـ در سودان قیام نمود و از قبیله دناقله در جزیره «نبت» مقابل «دنقلا» و بگفته بعضی در «حنک» متولد شده بود [۳۸]. ۲۴- مردی بود که در رباط عباده دور او گرد آمدند و بعنوان فاطمی منتظر بودن دیگران را به مهدویت خود دعوت کرد و اصولا از نسل و نژاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود [۳۹]. ۲۵- احمد بن احمد کیال بود که نخست مردم را بمقام امامت خود دعوت کرد، سپس بعنوان مهدویت قیام نمود و طائفه کیالیه را تشکیل داد [۴۰]. ۲۶- محمد مهدی سنوسی فرزند شیخ محمد سنوسی بود که در اواسط قرن نوزده مسیحی از مغرب زمین برخاست و قبل از مرگ با اشاره باینکه خود او مهدی منتظر نیست بلکه او از این پس خواهد آمد نفی مهدویت خویش نمود و شاید مقصودش از خبر آمدن بعد از این، قیام پسرش بود [۴۱]. ۲۷- میرزا غلام احمد قادیانی بود که در اوائل قرن نوزده میلادی سنه ۱۸۲۶ از پنجاب هندوستان قیام کرد و با سیکهای آن سرزمین بر مبنای ادعای نبوت بجنگید و فرقه قادیانی را که هم اکنون دارای پیروانی در هند است تشکیل داد [۴۲]. ۲۸- سید احمد پسر محمدباریلی بود

که او را مهدی وهابی نیز گویند، تولدش بسال ۱۲۲۴ در یکی از شهرهای هندوستان به نام «بریلی» اتفاق افتاد، پس در خلال نیمه اول از سده سیزده از بین فرقه وهابی در هند قیام به نشر آن مذهب سخیف نمود و به عنوان یکی از اولاد امام حسن بن علی (امام دوم شیعیان) خود را شهرت داد سپس بر علیه هندوها و سیک های پنجاب هند اعلام جنگ نمود و با برافروخته شدن آتش جنگ مغلوب و کشته شد و بالاخره با تبلیغاتی که داشت و انتشار می داد زمینه برای قیام احمد قادیانی نامبرده مستعد و موجبات نفوذ برای وی بیشتر فراهم شد [۴۳]. ۲۹- علی محمد شیرازی معروف به باب پسر میرزا رضای بزاز شیرازی و متولد همان شهر بسال ۱۲۳۵ از زنی به نام خدیجه بود، وی از کمالات علمی و ادبی جز زبان فارسی که در شیراز نزد معلمی به نام شیخنا آموخته بود و مقدار کمی هم صرف و نحو خوانده بود بهره دیگری نداشت و بیشتر اهتمام در رشته ریاضت و انجام امور شاقه به منظور تسخیر جن و روحانیات داشت و بالاخره پس از مدتی بسر بردن در بندر بوشهر رفته رفته دچار خشکی دماغ و خستگی مغز گردید، پس از بوشهر به کربلا رفت و از تابعین شیخ احمد احسائی شد و با سید کاظم رشتی که از شاگردان و مروجین احسائی بود و در بافندگی و جاهم اندازی اباطیل و خرافات مهارتی بسزا داشت مصاحبت نمود [۴۴]، پس از فوت احسائی و سید کاظم رشتی به شاگرد دیگر احسائی حاج کریم خان (مؤسس فرقه ضاله شیخیه که عنوان رکن رابع بودن را مطرح نمود) پیوست، و نخست به عنوان باب او و خلیفه الخلیفه سر برافراشت و چون آوازه اش بلند شد و قدری بر سر زبانها افتاد خود را به باب مهدی منتظر معرفی نمود. سپس دم از استقلال و مهدویت زد و چون متوجه شد به قول عوام «خر فراوان است» و مریدانی از خود جاهل تر و احمق تر به دورش گرد آمدند دعوای نبوت را مطرح نمود و بافته هایی را - به عنوان وحی الهی و آیات آسمانی که خالی از معنا و عاری از قانون ادب و محاوره و برخلاف منطق و در حقیقت بهترین سند

حماقت و فساد عقلی او و پیروانش بود - انتشار داد و در پایان جنون او شدت یافت و هوس خدائی و الوهیت پیدا کرد که کتاب «البیان» وی بهترین شاهد و بیانگر کفریات اوست. توضیحا چون سیاست اجانب پشتیبانی از وی را مقتضی دید با نفوذی که در داخله مملکت ایران داشت موجبات تقویت و گسترش فساد او را با هزینه تبلیغاتی و جلوگیری از تعرض دیگران بر عهده گرفت تا آنجا که با تحلیل هرگونه حرامی و آزادی در ارتکاب هرگونه بدعت و عمل نامشروع عده ای از عوام الناس و افراد سفله و بی بند و بار فریب او را خوردند و بدو پیوستند. در آغاز امر علما و روحانیون آن عصر بخاطر راه و رسم جنون آمیزی که از وی به نمایش درآمد از حکم به قتل او خودداری و استنکاف نمودند و چون هر روز شراره های فتنه او گسترش میافت، بمنظور جلوگیری از شرش و مصونیت مردم از آتش فتنه و بیراهه بری وی لازم دانستند حکم قتلش را صادر نمایند همچنانکه فتوی به کفر و نجس بودن بهائی ها و ممنوعیت ازدواج با آنها را صادر نمودند. از طرفی هم چون فتنه او مقام سلطنت را تهدید می کرد حکم قتلش عملاً تأیید و با به دار آویختن و اعدامش معلوم شد او هم یکی از مهدی های دروغین بود که نخست بدست عوامل روس رشد و پرورش یافت و بعد از موجودیت او که کانون فساد از آب درآمد انگلیسی ها از وی بهره برداری نمودند و بالاخره میلیونها نفر مسلمان ضعیف و خوش باور را از اسلام و تشیع جدا کرده گرایش به کفر دادند [۴۵]. آری متأسفانه - با اینکه بر اثر سقوط شاه طرفدار آنها و برقراری جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط سلطنت که یک بُعدش سوء استفاده هرچه بیشتر بهائی گری از قدرت آن بود بساط آزادی و رسمیت بهائی گری در ایران برچیده شد - هنوز این رشته باطل کم و بیش سر دراز دارد و از طریق عوام فریبی در گوشه و کنار بدین روش باطل کفر آمیز ادامه می دهند. و اما کسانی که در عصر ائمه اطهار علیهم السلام به دروغ مدعی باییت و نیابت و سفارت از طرف حضرت بقیه الله محمد بن الحسن

العسکری عج شدند، پس محدث عالیقدر شیعه طوسی تعداد هشت نفر را معرفی نموده که ما بخاطر اختصار به ذکر نام آنها بسنده کرده و خواستاران شرح حال تفصیلی آنها را به کتاب «الغیبه» محدث نامبرده ارجاع می دهیم: ۱- ابو محمد حسن معروف به شریعی از اصحاب امام هادی و امام عسکری بود که به دعوی بابت از ناحیه حضرت مهدی برخاست و از آن ناحیه تویح در لعن وی صادر گردید. ۲- محمد بن نصیر نمیری. ۳- احمد بن هلال کرخی. ۴- ابوطاهر محمد بن علی بن بلال. ۵- حسین بن منصور حلاج صوفی که ابوالقاسم بن روح یکی از وکلای امام زمان در عهد غیبت صغری به امر امام دستور مهدور الدم بودنش را صادر نمود، نیز بحکم علما تکفیر شد، اما در نظر صوفیه دست کمی از مقام نبوت نداشته و ندارد بلکه دعوی خدائی هم از وی سرزد و بالاخره محکوم به اعدام شد. [خیراتیه ج ۱ ص ۱۵۹ - ۱۶۱] ۶- ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزافر. ۷- ابوبکر بغدادی برادر زاده محمد بن عثمان عمری (نایب دوم از نواب اربعه حضرت مهدی). ۸- ابودلف - رفیق ابوبکر بغدادی - [۴۶]. در پایان این مقاله توجه خوانندگان را بدین نکته جلب و یادآور می شویم که از بررسی احوال نامبردگان و کسانی که پیروی از آنها می کردند یا مهدویت را به کسی که خود مدعی نبود نسبت می دادند معلوم و محقق میشود که اصل موضوع مهدویت در اسلام و عقیده به ظهور و قیام مهدی موعود و برقرار شدن انقلاب اسلامی جهانی و عدل و داد سراسری بدست او پدیده یک سلسله آیات شریفه قران و فرموده های پیامبر اکرم و بعضی از صحابه الهام گیرنده از ان حضرت است که مورد اتفاق سنی و شیعه می باشد، و بر اساس همین آیات و احادیث و پیشگوییها و هشدارها بود که مردم از باستان زمان آماده برای ظهور مهدی موعود منتظر و چشم براه او بوده اند و مهدی های دروغین و نواب های قلبی و ادعایی هم از این رهگذر سوء استفاده نموده و بعنوان مهدی و نایب مهدی قیام نموده و هر دسته و گروهی فریب

یکی از اینها را خورده و به پیروی و ترویجش می شتافتند پس اگر عنوان مهدویت اصالت اسلامی نداشت نه مدعیان دروغین می توانستند آن را مطرح و وسیله تجمع عوام به دور خود قرار دهند، و نه عوام و پیروان مهدی های ادعایی سرنخی در دست داشتند که بدانها معتقد و علاقمند شوند و از آنان پیروی نمایند. بطور خلاصه اصالت مهدویت و ریشه گرفتن آن از ناحیه شخص پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بود که فریب دهندگان آن را سرنخ دعوی مهدویت قرار دادند و فریب خوران هم آن را سرنخ گرایش به مهدی های ادعایی و دروغین قلمداد نمودند و کار هر دو دسته به کفر و جدایی از اسلام راستین منتهی شد.

کسی که خروج و قیام مهدی منتظر را انکار نماید یا آن را تکذیب کند و دروغ انگارد، بدانچه خدا بر پیامبر نازل فرموده کافر شده

از جمله فرموده های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در رابطه با مهدی منتظر و خروج آن حضرت این دو حدیث است که هر یک بیانگر کفر کسی باشد که ظهور و خروج او را انکار یا حضرتش را تکذیب نماید: ۱- عن جابر بن عبدالله قال قال رسول الله (ص): «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد...» ۲- «... و من کذب المهدی فقد کفر» و اما مصادر نقل آنها پس بدین قرار است: ۱- «فوائد الاخبار» ابوبکر احمد بن محمد اسکافی یا اسکاف (۲۶۰) به نقل مصادر مورد اشاره ذیل ۲- «جمع الاحادیث الواردة فی المهدی» حافظ ابوبکر بن خيثمه - احمد بن زهير بن حرب نسائی (۲۷۹) به نقل سید محمد صدیق قنوجی بخاری در «الاذاعة...» ص ۱۳۷۳- «معانی الاخبار» ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی بخاری (۳۸۰) نیز بنقل مصادر ذیل ۴- «روض الانف و شرح السیره» ابوالقاسم عبدالرحمن سهیلی (۵۸۱) ج ۲ ص ۴۳۱ از مالک بن انس از محمد بن منکدر از جابر ۵- «عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر» یوسف بن یحیی مقدسی شافعی (۶۸۵) ص ۱۵۷ به

نقل از «فوائد الاخبار» از اسکافی و «شرح السيره» ابوالقاسم سهیلی. ۶- «فوائد السمطين» شیخ ابراهیم بن محمد حموینی (۷۳۰) ج ۲ ص ۳۳۴ شماره ۵۸۵ به نقل از ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی - مؤلف «معانی الاخبار» ۷- «لسان المیزان» ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) ج ۵ ص ۱۴۷ چاپ مصر و ص ۱۳۰ چاپ حیدرآباد به نقل از «معانی الاخبار» کلاباذی ۸- «العرف الوردی فی اخبار المهدی» جلال الدین سیوطی (۹۱۱) ص ۱۶۱ بنقل از «فوائد الاخبار» اسکافی، ۹- «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر شافعی مکی (۹۷۴) ص ۵۶ عکس نسخه خطی مکتبه ظاهریه شام در کتابخانه آیت الله مرعشی قم بنقل از فوائد الاخبار اسکافی و شرح السيره ابوالقاسم سهیلی ۱۰- نیز در «الفتاوی الحدیثیه» ابن حجر مکی ص ۳۷ و برحسب چاپ مندرج در الامام المهدی ص ۳۳۲۱۱- «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندی (۹۷۵) پایان باب سیزدهم کتاب، بنقل از یحیی بن محمد حنیفی ضمن فتوای او (در ردّ مهدی دروغین جونپوری) صادر در سنه ۹۵۲ هـ- ۱۲- «لوائح الانوار الالهیه...» شیخ محمد بن احمد سفارینی حنبلی (۱۱۸۸) ج ۲ بخش ویژه حضرت مهدی تحت عنوان «فائده الخامسة» بنقل از حافظ اسکافی (مؤلف فوائد الاخبار) از جابر بن عبدالله با تعبیر به مرضی و پسندیده بودن سند آن. ۱۳- «ینابیع الموده» سلیمان بن ابراهیم قندوزی (۱۲۹۴)، آغاز باب ۷۸ بنقل از جابر بن عبدالله انصاری ۱۴- «الاذاعه لما کان و ما یكون بین یدی الساعه» سید محمد صدیق قنوجی بخاری (۱۳۰۷) ص ۱۳۷ بنقل از «جمع الاحادیث الواردة فی المهدی» ابن خیثمه و «فوائد الاخبار» اسکافی ۱۵- «المهدی المنتظر» ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق مغربی ادریسی (۱۳۰۸) ص ۹۴، به نقل از «فوائد الاخبار ابوبکر اسکافی» فهرست ۶۷ متن حدیثی، تاریخی و کلامی پیرامون حضرت مهدی منتظر (عج) مندرج در کتاب «الامام المهدی عند أهل السنّه» الجزء الأول: ۱- المصنف ... لعبدالرزاق بن همام (المتوفی ۲۱۱) ۲- مصنف ... للحافظ

عبدالله بن محمد بن ابى الجاشيئة الكوفى (٢٣٥)٣ - السنن ... لابن ماجه القزوينى (٢٧٣)٤ -
السنن ... لأبى داود السجستاني (٢٧٥)٥ - السنن ... للترمذى (٢٩٧)٦ - البدء و التاريخ ...
للمقدسى (بعد ٣٥٥)٧ - المعجم الكبير ... للطبرانى (٣٨٨)٨ - معالم السنن ... لأبى سليمان
الخطابى (٣٨٨)٩ - مستدر ك الصحيحين ... للحاكم النشابورى (٤٠٥)١٠ - فردوس الاخبار
... لشيرويه بن شهردار الديلمى (٥٠٩)١١ - مصابيح السنه ... للبعوى (٥١٦ - ٥١٠)١٢ - جامع
الاصول ... لابن أثير الجزرى (٦٠٦)١٣ - الفتوحات المكيه ... لمحى الدين بن عربى (٦٣٨)١٤ -
مطالب السئول ... لابن طلحه الشافعى (٦٥٢)١٥ - تذكرة خواص الأئمة ... لسبط ابن
جوزى (٦٥٤)١٦ - شرح نهج البلاغه ... لابن أبى الحديد (٦٥٥)١٧ - مختصر سنن أبى داود ...
للمندرى (٦٥٦) الشافعى (٦٥٨) الشافعى (بعد ٦٥٨) ٢٠ - تذكرة القرطبى ... لمحمد بن أبى بكر
القرطبى (٦٧١) ٢١ - وفيات الأعيان ... لابن خلكان الإربلى (٦٨٩) ٢٢ - ذخائر العقبى ... لمحى
الدين الطبرى (٦٩٤) ٢٣ - فرائد السمطين ... للحموى الخراسانى (٧٣٢) ٢٤ - مشكاة
المصابيح ... للخطيب التبريزى (٧٣٧) ٢٥ - تلخيص «المستدر ك حاكم» ... حافظ
ذهبى (٧٤٨) ٢٦ - خريدة العجائب ... لسراج الدين ابن الوردى (٧٤٩) ٢٧ - المنار المنيف ...
لابن قيم الجوزية الحنبلى (٧٥١) ٢٨ - الفتن و الملاحم ... لابن كثير الدمشقى (٧٧٤) ٢٩ -
مودة القربى ... للسيد على الهمدانى (٨٧٦) ٣٠ - شرح المقاصد ... لسعدالدين
التفتازانى (٧٩٣) ٣١ - مجمع الزوائد ... لنورالدين الهيثمى الشافعى (٨٠٧) ٣٢ - موارد الضمان
... لنورالدين الهيثمى الشافعى (٨٠٧) ٣٣ - الفصول المهمة ... لابن الصباغ المالكى (٨٥٥) ٣٤ -
العرف الوردى ... للسيوطى الشافعى (٩١١) ٣٥ - الأئمة الإثنى عشر ... لابن طولون
الدمشقى (٩٥٣) ٣٦ - اليواقيت و الجواهر ... لعبد الوهاب الشعرانى (٩٧٣) ٣٧ - الصواعق
المحرقة ... لأحمد بن حجر الهيثمى (٩٧٤) ٣٨ - الفتاوى الحديثية ... لأحمد بن حجر
الهيثمى (٩٧٤) ٣٩ - القول المختصر فى مهدى المنتظر ... لابن حجر المكى الهيثمى (٩٧٤) ٤٠

- كنز العمال ... لعلاء الدين المتقى الهندي (٩٧٥) ٤١ - البرهان في اخبار صاحب الزمان، ...
 لحسام الدين المتقى الهندي (٩٧٥) ٤٢ - مرقاة المفاتيح شرح المصابيح ... لعلى القارى
 الحنفى (١٠١٤) ٤٣ - أخبار الدول و آثار الأوّل ... لأحمد الدمشقى القرمانى (١٠١٩) ٤٤ -
 الإشاعة من أشراف السّاعة ... لمحمّد بن عبدالرسول البرزنجى (١١٠٣) ٤٥ - فتح المنان شرح
 الفوز و الامان ... لأحمد بن على المينى (١١٧٣) الجزء الثانى: ٤٦ - لوائح الأنوار الإلهية ...
 لشمس الدين السفارينى (١١٨٨) ٤٧ - اسعاف الراغبين ... لمحمّد الصبان الشافعى (١٢٠٦) ٤٨ -
 ينابيع الموده ... لسليمان القندوزى (١٢٧٠) ٤٩ - نور الابصار ... للسيد مؤمن الشبلنجى (بعد
 ١٢٩٠) ٥٠ - مشارق الانوار ... للشيخ حسن الخمراوى المصرى (١٣٠٣) ٥١ - الاذاعة لما كان و
 ما يكون ... للسيد محمّد صديق القنوجى (١٣٠٧) ٥٢ - القطر الشهدى فى أوصاف المهدي
 ... لشهاب الدين الحلوانى (١٣٠٨) ٥٣ - العطر الوردى فى شرح القطر ... لمحمّد البليسى
 الشافعى (١٣٠٨) ٥٤ - غالية المواعظ ... لخير الدين اللوسى الحنفى (١٣١٧) ٥٥ - فيض القدير
 شرح الجامع الصغير ... لعبد الرؤف المناوى (١٠٣١) العظيم آبادى (المتولد ١٢٣٧) ٥٧ - نظم
 المتناثر ... لمحمّد بن جعفر الكتانى (١٣٤٥) ٥٨ - تحفة الأحوذى ... لمحمّد عبدالرحمن
 المبار كفورى (١٣٥٤) ٥٩ - نظرة فى أحاديث المهدي ... لشيخ الأزهر محمّد الخضر
 حسين (١٣٧٧) ٦٠ - التاج الجامع للاصول ... للشيخ منصور على ناصف (١٣٧١) ٦١ - إبراز
 الوهم المكنون ... لأحمد بن صديق المغربى (١٣٨٠) ٦٢ - المهدي المنتظر ... لابن صديق
 البخارى الغمارى (١٣٨٠) ٦٣ - حول المهدي ... للشيخ ناصر الدين الآلبانى (المعاصر) ٦٤ -
 عقيدة أهل السنّة ... للشيخ عبدالمحسن العباد (المعاصر) ٦٥ - ذيل «عقيدة أهل السنّة» ...
 للشيخ عبدالعزيز بن باز (المعاصر) ٦٦ - الرد على من كذّب بالأحاديث المهدي ... للشيخ
 عبدالمحسن العباد (المعاصر) ٦٧ - عقيدة المسيح الدجال ... لسعيد ايوب (المعاصر)

فتواى چهار نفر از فقهای مذاهب اربعه سنى درباره منكرين مهدي منتظر

نظر به اینکه در اوائل سده دهم هجری شخصی بنام محمد جونپوری با فریب دادن مردم عوام سنی به عنوان مهدی منتظر در سرزمین هند قیام کرد و گروههایی از عوام فریب خور بدو گرویدند و بالاخره کم کم موضوع مهدویت او مسئله آفرین شد، اهل تسنن از چهارنفر از علمای سنی درباره شخصیت مهدی و مهدویت جونپوری استفتاء و نظرخواهی شرعی نمودند. آنها هم با تکیه و استناد به احادیثی که بیانگر علائم ظهور مهدی موعود منتظر است و شخص مدعی مهدویت هم فاقد شرایط امامت بود و هم ظهورش غیر مقرون به علائم ظهور حضرت مهدی، او را تخطئه و رد نموده و حتی خود و پیروانش را - بر اساس بیراهه روی و تکفیر مسلمانان مخالف با وی - تکفیر و محکوم به ارتداد و اعدام کردند. اکنون ما بخاطر رعایت اختصار از ذکر متون آن فتاوی معذرت خواسته ولی در رابطه با موضوع بحث که در رد و رهنمون منکران حضرت مهدی و تخطئه کنندگان احادیث پیرامون آنحضرت خلاصه می شود خواستاران آنرا به کتاب «البرهان» متقی هندی (باب سیزدهم) که در رد محمد جونپوری و مشتمل بر فتاوی مذکور است ارجاع می دهیم تا خود با ملاحظه آن فتاوی پی به واقع امر و مخالفت جدی علمای سنی با منکرین آنحضرت برند و در شناخت مهدی راستین اسلام از مهدی های دروغین هر عصر و زمانی دچار اشتباه نشوند. مهدی فقیه ایمانیرمضان المبارک ۱۴۱۷

پاورقی

[۱] «مهدی منتظر را بشناسید» تالیف نگارنده این مقاله - مهدی فقیه ایمانی - چاپ ۱۳۸۴ هـ اصفهان، بیانگر اسامی و مشخصات حدود چهارصد جلد کتاب و رساله خطی و چاپی درباره حضرت مهدی عجل است. ۲- «کتابنامه امام المهدی» نشریه یکی از مساجد تهران (صندوق پستی ۲۲۲۳، تهران) شامل معرفی ۳۵۵ جلد کتاب می باشد که به طور اختصاصی

یا ضمنی مربوط به مهدی منتظر و ایراد بعضی شئون آن حضرت است. ۳- «در جستجوی قائم» بیانگر اسامی ۱۸۵۰ جلد کتاب می باشد که تعداد ۴۲۹ جلدش بطور اختصاصی و بقیه بطور ضمنی به بحث و بررسی های کلامی، حدیثی، تاریخی و غیره درباره حضرت بقیه الله مهدی موعود پرداخته و به قلم ارزشمند آقای سید مجید طباطبائی تنظیم و بسال ۱۳۷۰ هـ ش بعنوان مسجد جمکران قم چاپ و انتشار یافته است. ۴- و از همه پرمایه تر «کتابنامه حضرت مهدی عج» از دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور است ۲ جلد شامل معرفی ۲۰۶۶ جلد کتاب اختصاصی درباره حضرت مهدی که مشخصات چاپی و زبانی و موضوعی هریک ذکر شده و در بهترین شکل چاپ و منتشر گردیده، و راهگشای محققین و مؤلفین میباشد.

[۲] توضیحاً ترجمه فارسی این مقاله از ترکی استانبولی بوسیله مؤسسه ارزشمند «مجمع جهانی اهل بیت» انجام و در اختیار اینجانب قرار گرفت، و پس از تنظیم این ردیه و تقدیم به مؤسسه فوق آن را به ترکی استانبولی ترجمه نموده و در مجله «پیام اهل بیت» (Ehl - i Beyt mesajI) شماره ۱۵، چاپ ترکیه چاپ و منتشر گردید. بدین وسیله از مسئولان محترم مؤسسه «مجمع جهانی اهل بیت» بویژه حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حسینی مدیریت محترم شعبه قم تشکر نموده و توفیق بیش از پیش ایشان را در نشر آثار اهل بیت از خداوند خواستارم.

[۳] نظره فی احادیث المهدی، مندرج در مجله التمدن الاسلامی، دمشق و نیز مندرج در الامام المهدی عند اهل السنه.

[۴] مقال حول المهدی مندرج در دو مصدر فوق.

[۵] توضیحاً کتاب «شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی» چ ۱۴۱۲ هـ در ۵۴۶ صفحه وزیری، تالیف نگارنده این مقاله و مشتمل بر بحث و بررسی اسناد و محتوای حدیث فوق

است از دیدگاه اهل تسنن.

[۶] بحارالانوار ۷۶/۲۳ - ۹۵ چاپ دوم، ودرج امین الضرب قدیم ۱۶/۷ - ۲۰.

[۷] توضیح‌بخشی از این کتاب به عنوان جزء اول و دوم از جلد سوم در سال ۱۴۰۳ بتحقیق حبیب الرحمان اعظمی و وسیله دار السلفیه هند بچاپ رسیده، ولی موقع تنظیم این رساله در دسترس نگارنده نبود تا بدان مراجعه و بلاواسطه از آن نقل شود.

[۸] به نقل سید بن طاووس در «طرائف» ص ۲۱۰ ضمن شماره ۳۰۵، و «ندیم الفرید» بعنوان «ندیم الأحباب و جلیس الأصحاب» نسخه خطی آن در کتابخانه مغیسا از بلاد ترکیه بشماره (۱۲۱۰) موجود است. (اعلام زر کلی ۲۱۲/۱).

[۹] تذکره قرطبی ص ۷۰۱ - تهذیب الکمال حافظ مزی ۱۴۶/۲۵ ذیل ترجمه محمد بن خالد جندی. - منار المنیف ابن قیم جوزیه حنبلی ص ۱۴۲. - تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی ۱۲۵/۹ ذیل شرح حال محمد بن خالد و احتجاج بکلام ابری در ردّ بر او. - فتح المغیث سخاوی (بنقل نظم المتناثر کتانی ص ۱۴۴). - مصباح الزجاجة سیوطی (بنقل عطر الوردی بلیسی ص ۴۵) و عرف الوردی ص ۱۶۵. - صواعق المحرقة ابن حجر ص ۹۹ و در چاپ دیگر ص ۱۶۷. - البرهان متقی هندی باب دوازدهم. - فرائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر مرعی بن یوسف کرمی (بنقل لوائح الأنوار سفارینی ص ۲۳). - الإشاعه برزنجی ص ۸۷. - شرح المواهب اللدنیه زرقانی (بنقل المتناثر کتانی ص ۱۱۴). - لوائح الأنوار البهیة سفارینی - مندرج در الإمام المهدی عند أهل السنّة ۲۳/۲ - اسعاف الراغبین ص ۱۴۰. - نور الأبصار شبلنجی ص ۱۷۱. - نظم المتناثر کتانی ص ۲۲۸. - عقیده اهل السنّة و الاثر عبدالمحسن عباد - مندرج در الإمام المهدی عند اهل السنّة ۴۰۲/۲ - الإحتجاج بالاثار علی من أنکر المهدی المنتظر تویجری ص ۲۸ و ۱۴۳ و ۳۰۱. - المهدی المنتظر ابن صدیق غماری ص ۷.

[۱۰] توضیحا متن اصلی اربعین حافظ ابونعیم بنظر نرسیده، ولی سیوطی (متوفی ۹۱۱ هـ) آن را با احادیث فراوان دیگری دسته بندی و تنظیم و به «العرف الوردی فی اخبار المهدی» نامگذاری و به ضمیمه دهها رساله دیگر مجموعه «الحاوی للفتاوی» را ارائه داده که بسال ۱۳۷۸ هـ- ۱۹۵۹ م در مصر چاپ و منتشر گردیده، و از علمای شیعه اربلی در «کشف الغمه»، بحرانی در «غایة المرام» و علامه مجلسی دوم در «بحارالانوار» (ج ۱ ص ۷۸ - ۸۵) و عاملی در «اعیان الشیعه» (جزء ۴ بخش ۳) و بلاغی در «حجت بالغه» و مؤلفین «نامه دانشوران» در ج ۲ این کتاب آن را درج نموده اند.

[۱۱] این روایت را در مناقب نیافتم ولی در مقتل ج ۱ ص ۱۴۶ ذکر شده.

[۱۲] این کتاب تألیف این ضعیف، شامل ۵۶ متن حدیثی، تاریخی، کلامی و ادبی اختصاصی یا ضمنی اهل تسنن است درباره حضرت مهدی (عج)، که برای دومین بار بسال ۱۴۰۲ در دو جلد بزرگ در بیروت چاپ و منتشر شده است.

[۱۳] جهت آگاهی بر مصادر شرح حال او و نسخه کتابش مراجعه شود به «الذریعه» ۲۳/۲۳۳، و «معجم المؤلفین» ۶/۲۰.

[۱۴].

[۱۵] این کتاب کراراً در حاشیه «نورالابصار» شبلنجی، و یکبار هم در حاشیه «مشارق الانوار» حمزوی در مصر به چاپ رسیده است.

[۱۶] ملل و نحل شهرستانی ۱۱/۲، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲، المهدیه فی الاسلام ص ۹۳،

[۱۷] غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲، مقدمه ابن خلدون ص ۲۱۹، ملل و نحل شهرستانی

۱/۲۰۰، المهدیه فی الاسلام ص ۱۰۳،

[۱۸] مقدمه ابن خلدون ص ۲۲۲، تاریخ فخری ص ۱۴۸، مجله الهلال مصر جلد ۱۷ سال ۴

صفحه ۶۴۳،

- [١٩] المهدية في الاسلام ض ١١٧.
- [٢٠] طبقات ابن سعد ٢٤٥/٥، المهدية في الاسلام ص ١٨٤.
- [٢١] المهدية في الاسلام ص ١٨٤.
- [٢٢] ملل و نحل شهرستاني ٣/٢، غيبه شيخ طوسي ص ١٩٢.
- [٢٣] المهدية في الاسلام ص ١٢٥.
- [٢٤] ملل و نحل شهرستاني ٤/٢، غيبه شيخ طوسي ص ١٩٢ و ١٩٨.
- [٢٥] غيبه شيخ طوسي ص ١٩٢ و ١٩٨.
- [٢٦] ملل و نحل شهرستاني ٧/٢، غيبه شيخ طوسي ص ١٩٢ و ٢٢٠.
- [٢٧] غيبه شيخ طوسي ص ٢٢٢ و ٢٢٥ - ٢٢٧ و ٢٨٧.
- [٢٨] المهدية في الاسلام ص ٤٨.
- [٢٩] المهدية في الاسلام ص ١٣٥.
- [٣٠] طبقات ابن سعد ٢٤٥/٥، المهدية في الاسلام ص ١٨٢.
- [٣١] تاريخ فخرى ص ٢٣٧، مقدمه ابن خلدون ص ٣٧٤، اخبار الدول واثار الاول قرمانى ص ١٨٩.
- [٣٢] تاريخ ابى الفداء ٢٣٢/٢، مجله الهلال سال ٤ شماره ١٧ ص ٦٤٣، مقدمه ابن خلدون ص ٣٦٦.
- [٣٣] المهدية في الاسلام ص ٤٨.
- [٣٤] مقدمه ابن خلدون ص ٣٦٧، مجله الهلال سال ٤ شماره ١٧ ص ٦٤٣.
- [٣٥] مقدمه ابن خلدون ص ٣٦٧.
- [٣٦] ترجمه رساله دار مستتر، از محسن جهانسوز.
- [٣٧] ترجمه رساله دار مستتر.

- [۳۸] مجله الهلال سال ۴ شماه ۱۷، ص ۶۴۴ و سال ۷ شماره ۶.
- [۳۹] مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷.
- [۴۰] ملل و نحل شهرستانی ۱۷/۲.
- [۴۱] الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۴.
- [۴۲] الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳، ظاهره الغیبه و دعوی السفاره ص ۳۰۰ - ۳۷۰، المهدیه فی الاسلام ص ۲۷۰، مفتاح باب الابواب ص ۷۷.
- [۴۳] دائره المعارف الاسلامیه ج ۱ ص ۴۹۶، المهدیه فی الاسلام ص ۲۶۸، مفتاح باب الابواب ص ۶۹.
- [۴۴] جهت آگاهی بر هویت سید کاظم رشتی و نقش او در گسترش فرقه بهائی گری رجوع شود به کتاب ظاهره الغیبه و دعوی السفاره، میرزا محسن آل عصفور بحرینی ص ۲۴۷ - ۳۰۰ چاپ قم.
- [۴۵] دائره المعارف اسلامیه ۴۹۶/۱، المهدیه فی الاسلام ص ۲۶۸، مفتاح باب الابواب ص ۶۹، نصایح الهدی بلاغی، اسرار العقاید میرزا ابوطالب شیرازی چاپ ۱۳۲۴ در نوبت دوم و دهها کتاب دیگر در ردّ بهائی گری که اکثراً چاپ و منتشر گردیده، جهت آگاهی بر فهرست اسامی ۸۷ جلد کتاب در رد آنها مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی (عج) تألیف آقای علی اکبر مهدی پور ص ۸۱۷ - ۸۲۰.
- [۴۶] کتاب الغیبه شیخ طوسی ص ۳۹۷ - ۴۱۵ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۱۲۲/۸.